

۹ روز ...
شهره سرای مهدی ۲
در منطقه Swiss Cottage

Issue 18 - Friday 02 November 2007



سال اول - شماره هجدهم جمعه ۱۱ آبان ماه ۱۳۸۶

goldenphone
Digital Communication
020 8434 0561
www.goldenphone.co.uk
Tel: 020 8434 0562 - Fax: 020 8434 0563
1 Olymoc Way, Wembley, Middlesex, HA9 0NP

۴۸ صفحه - چاپ لندن

چرا شاد نیستیم؟

شادی زبانی جهانی است. انسان ها خلق شده اند تا شاد باشند، بخندند و از زندگی لذت ببرند. در حالی که ما به دلیل مسائل فرهنگی و تربیتی یاد گرفته ایم که خیلی جدی باشیم و به مرور عادت به بدخلقی کرده ایم اما آیا فقط این عامل دلیل شاد نبودن مان است؟
صفحه ۳



گندم از آسفالت نمی روید!
قبله ی گربه های عالم
قاسم آباد کجاست؟
بازیگرانی که کارگردان شده اند.

Aminpour Breathes His Last

'Hafez' Grabs Rome Award

Plans to Publish Avicenna's Works

Iranian Students Win RoboCup

Christie's Auctions Persian Carpets

Iranian Christian Art Exhibition Planned

azizi@signatureclaims.co.uk

Signature ACCIDENT CLAIMS HELPLINE LTD

0800 047 0940

5Park Road, West Hendon, London, NW4 3QB

با سپردن کلیه مشکلات خود در امور تصادفات به
کادر مجرب Signature Claims آسودگی خاطر خود را تضمین نمایید.

برای اطلاعات بیشتر با آقای محمد عزیزی تماس حاصل فرمایید

020 8202 2822 - 07958 192 192



info@persianweekly.co.uk

سرآغاز



هفته نامه اجتماعی ، فرهنگی ، هنری
چاپ لندن

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : ع. نجفی

هفته نامه پرشین به هیچ گروه و ارگان
سیاسی و غیر سیاسی وابسته نمی باشد
و صرفاً در جهت اطلاع
رسانی صحیح گام بر می دارد

زیر نظر شورای تحریریه

مدیر بازاریابی: جواد توتونچی

تهیه و تنظیم مطالب : فرشته کدیور

طراح و صفحه آرایی :
ع. نجفی - علیرضا ریاحی

همکاران این شماره:
دکتر آرا - افسانه جنگجو -
قارون - ترانه - بهزاد
مهدی.ق - رضا ارمیا

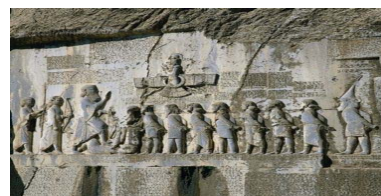
وب سایت : بهزاد رحیق
چاپ:

Web Print UK Ltd.
Unit B1 Eastern Approach
Alfred's way Barking
London IG11 0TS

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
امور وب سایت:
Media of Persia
نشانی الکترونیکی:
www.persianweekly.co.uk

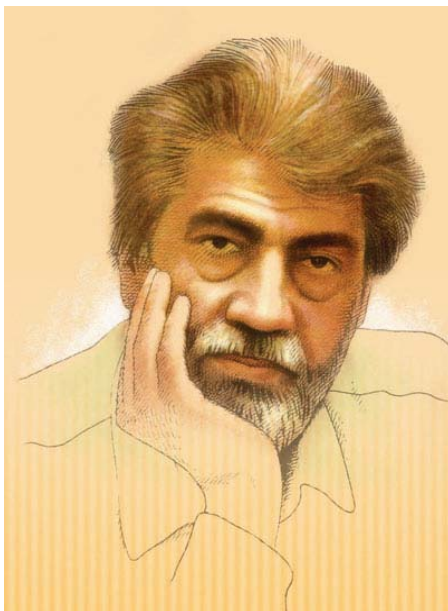
نشانی پست الکترونیکی:
info@persianweekly.co.uk
هفته نامه پرشین از نوشته های
نویسندگان و خوانندگان استقبال
کرده ولی در ویرایش ادبی آنها آزاد است
مسئولیت آگهی ها و صحت آنها
بعهده صاحبان آن میباشد
هفته نامه پرشین در قبول یا
رد آگهی ها صاحب اختیار میباشد

Lord Business Centre
2 Floor Unit 20,
665 North Circular Road
London NW2 7AX
020 8453 7350
020 8453 7351



در تصاویر حکاکی شده بر سنگهای تخت
جمشید هیچکس عصبانی نیست. هیچکس
سوار بر اسب نیست. هیچکس را در حال تعظیم
نمی بینید. هیچکس سرافکنده و شکست خورده
نیست هیچ قومی بر قوم دیگر برتر نیست و
هیچ تصویر خشنی در آن وجود ندارد. از
افتخارهای ایرانیان این است که هیچگاه برده
داری در ایران مرسوم نبوده است در بین
صدها پیکره تراشیده شده بر سنگهای تخت
جمشید حتی یک تصویر برهنه و عریان وجود
ندارد. بخاطر بسپاریم که از چه نژادی هستیم
و دارای چه اصالتی می باشیم.

قیصر امین پور درگذشت



قیصر امین پور در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ در گتوند دزفول به
دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دزفول ادامه داد و در سال ۵۷
در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد ولی پس از مدتی
از این رشته انصراف داد. در سال ۶۳ بار دیگر و این بار در رشته
زبان و ادبیات فارسی به دانشگاه رفت و این رشته را تا مقطع
دکتر گذراند و در سال ۷۶ از پایان نامه دکترای خود با راهنمایی
دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی با عنوان «سنت و نوآوری در شعر
معاصر» دفاع کرد.

اولین مجموعه او «در کوچه آفتاب» دفتری از رباعی و دوبیتی بود
و به دنبال آن «تنفس صبح» تعدادی از غزلها و شعرهای سپید او
را در بر می گرفت.

قیصر امین پور، تدریس در دانشگاه را در سال ۶۷ و در دانشگاه
الزهرآ آغاز کرد و سپس در سال ۶۹ در دانشگاه تهران مشغول
تدریس شد. وی همچنین در سال ۶۸ موفق به کسب جایزه نیما
یوشیج، موسوم به مرغ امین بلورین شد. در سال ۸۲ به عنوان
عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

از وی در زمینه هایی چون شعر کودک و نثر ادبی، آثاری منتشر
شده است که به آنها اشاره می کنیم: طوفان در پراتنز (نثر ادبی،
۱۳۶۵)، منظومه ظهر روز دهم (شعر نوجوان، ۱۳۶۵)، مثل چشمه،
مثل رود (شعر نوجوان، ۱۳۶۸)، بی بال پریدن (نثر ادبی، ۱۳۷۰) و
به قول پرستو (شعر نوجوان، ۱۳۷۰).

وی پس از تصادفی در سال ۱۳۷۸ همواره از بیماری های مختلف رنج می برد و در نهایت حدود ساعت
۳ بامداد سه شنبه هشتم مهر ۱۳۸۶ در بیمارستان دی درگذشت.

پس از انتشار خبر درگذشت «قیصر امین پور» هیچ یک از کلاس های گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران تشکیل نشد و
برخی از کلاس های دیگر این دانشکده به حالت تعطیل درآمد و قضای حزن انگیزی بر دانشکده ادبیات حاکم شد.

پیکر قیصر امین پور شاعر و استاد دانشگاه از انجمن شاعران به دانشگاه تهران منتقل شد و بر فراز دستان اساتید
دانشگاه، دانشجویان و شاگردان وی و جمعی از مسئولان از مقابل دانشکده ادبیات تشیع شد.

نامه ی رسیده

سلام

به عنوان درد دل و در حقیقت گلایه از یک هموطن، از شما می خواهم درصورت صلاحدید، مطلب را چاپ کنید.
پس از یک تصادف بد ، شکستگی دو استخوان پام ، مدت ها بیکاری و مقداری بدهکاری بالاخره دریک کارگاه دندانسازی
به عنوان راننده، جهت رسانیدن ((Delivery دندانهای مصنوعی به مطب دندانشکی ها شروع به کار کردم. طبیعی است که در
ابتدا مشکلاتی از قبیل یافتن مسیر و جای مناسب برای پارک ماشین برایم وجود داشت.

دو هفته قبل در منطقه (Elephant & Castle) بدلیل کمی وقت و نبودن جای مناسب پارک به ناچار در منطقه (Loading Bay)
پارک کردم و بسته مربوطه را به مطب دکتر تحویل دادم غافل از اینکه از طریق دوربین مدار بسته کنترل شدم و برگ جریمه
ای به خانه ام پست شد. صاحب کارم نامه ای برای شهرداری آن منطقه نوشت و برای تایید به مطب آن دکتر والا مقام رفتم و
تقاضا کردم که آن نامه را برایم مهر یا امضا کند.

جناب حضرت والا دکتر شرلوک هولمز ایرانی ابتدا متفکرانه نامه ام را برانداز کردند. انگار که کشف یا تقلب بزرگی را افشا کرده
باشند، فرمودند: متاسفم . در این نامه نوشته شده که شما نسخه ((prescription ای را آورده بودید در حالیکه شما برایمان
چیز دیگری آوردید.

گفتم چه فرقی میکند که چه آورده بودم؟؟؟ هر چه بوده ۵۰ پاوند مرا جریمه کردند و فقط ۳۰ پاوند اجرت آن روز من بود.
گفت نامه را بده تا خودم "بعدا" تحقیق کنم، عرض کردم : وقتی برایم باقی نمانده و اگر تا چند روز دیگر پرداخت نشود باید
۱۰۰ پاوند جریمه بدهم!

خلاصه فرمودند نمیشود. بنده نیز بابت زحمات ایشان تشکر بسیار کردم و نامه را پس گرفتم و گفتم : پرداخت کردن این مبلغ
خیلی بهتر از کشیدن منت شماست.

ای کاش کمی بی تربیت بودم تا قبل از ترک آنجا هرآنچه که لایقش بود به او می گفتم.
آیا واقعا بعضی ازما ایرانیها گاهی فقط لاف یک ایرانی باشرف را نمی زنیم؟ آیا من بجز چیزی که حق من بود از وی خواسته
بودم؟

تا نظر شما و خوانندگان چه باشد.

کاوه - لندن

با اشتراک هفته نامه از ما حمایت کنید

علاقمندان به اشتراک و دریافت هفته نامه پرسشنامه زیر را تکمیل نموده و برای ما ارسال نمایند

نام:
نام خانوادگی:
آدرس:
آدرس اینترنتی:
کدپستی: تلفن:
موبایل:

مدت اشتراک: سه ماه ۲۴£ ششماه ۴۲£ یکسال ۶۰£

لطفا فرم را به دفتر هفته نامه ارسال نمایید و به تمامی سوالات دقیق پاسخ دهید

Lord Business Centre, 2 Floor Unit 20,
665 North Circular Road, London NW2 7AX
Barclays Bank A/N: 40948519 S/C: 20-29-41

زمستان از سوراخ کفشت وارد می شود



شعری از عمید صادقی نسب

زمستان از سوراخ کفشت وارد می شود

گرسته کودکی

که ناغت را

با تیزی بشقابی شکسته بریده اند .

معجزه ای را در انتظار نباش

در هیچ کجایی

گندم از آسفالته نمی روید

و در شهر ما

از شکم روسپیان ، خداوندان بیرون می آیند .

مردمان دندانهای خویش را می کشند

تا گرسنگی توجیه شود

و با پنجه روی روغن داغ رفتن است

این که زندگی است .

اصلا کجای تاریخ

سعدی به توپخانه می رسید

و خیام مانده به اعدام بود .

تهران

تهران و رهگذرانی که پنداری

چکه های شمع بر زبانشان می چکد

صدایت می کنند

و تو پاورچین

گویی که زمین پر از تخم پرستوست

و پای تخت تو باید نشست

که در خواب یخ می زنی

سرایت سیبری به رگ ها

و قندیل بزاق در دهانت .

تهران

زورخانه می خواهد

کباده خال کوبی

و پدربزرگ را

که اگر بود نمی خندید .

تهران ۱۳۸۲

تو در راه زنان را می بینی

نشسته تا بشمرند تعداد موهایت را

و من راهزنان را به تعداد موهایت

با کنده ای که در دیده هاشان

به آتش کشیده اند .

سنگینی این شهر عاقبت

زمین را از گردی می اندازد .

تهران برای پایتخت جهان است

و سهم تو دندانهایی است که ریخته اما

با بوی نان

هنوز تکان می خورند

و شیر مادران

که بر جلد بینوایان می چکد .

از آن سپس

شهر ها ریخته ریخته های شهر

به عطسه ای حتی پراکنده

پوست مردگان بر باغ خانه های چرک

نمی خورد

و انگشت دختران جا میان دار قالی می ماند .

از آن پس

پیاده رو ها رویای مقدس قومی شد

که بی نخاع زاده می شدند.



info@persianweekly.co.uk



Photo by: norlake

چرا شاد نیستیم

■ مریم لیشینی

شادی زبانی جهانی است. انسان ها خلق شده اند تا شاد باشند، بخندند و از زندگی لذت ببرند. در حالی که ما به دلیل مسائل فرهنگی و تربیتی یاد گرفته ایم که خیلی جدی باشیم و به مرور عادت به بدخلقی کرده ایم اما آیا فقط این عامل دلیل شاد نبودن مان است؟

دکتر سیدمهدی میرشریفا روانشناس بالینی می گوید؛ نشاط و شادی از حالت های انفعالی انسان است که منجر به هیجانات مثبت می شود هرچند عکس این موضوع هم مصداق دارد اما در فرهنگ های مختلف ابران شادی و نشاط برای دستیابی به هیجانات مثبت مدنظر است.

او نشاط را به دو دسته عوامل بیرونی و درونی وابسته می داند؛ عوامل درونی، شرایط فیزیولوژیکی را در کانون توجه خود قرار می دهند. برای مثال اگر افسردگی مادرزادی باشد و زمینه های شادی و نشاط هم برای بیمار فراهم شود باز هم روانشناسان برای ایجاد شادی و نشاط در این فرد با مشکل مواجه می شوند. در حالی که عوامل درونی، شرط لازم و ضروری برای شادی است اما آموخته های افراد از کودکی تا بزرگسالی نیز در تبیین درک شادی و نشاط تاثیرگذار است.

او از عوامل بیرونی موثر بر شادی می گوید؛ این عوامل شامل شرایط فرهنگی متفاوت و محرک های محیطی تاثیرگذار می شود. هنگامی که در اجتماع، شرایط ابران شادی و نشاط برای افراد مختلف با سلیقه های گوناگون ایجاد شود، افراد شاد می شوند. پس مسلماً عامل بیرونی هم محرک ایجاد شادی است هرچند باید عوامل بیرونی و درونی با هم هماهنگ باشند تا زمینه بروز شادی و نشاط در افراد فراهم شود.

میرشریفا می افزاید؛ از سویی باید شرایط و امکانات ایجاد شادی و نشاط در جامعه فراهم شود و از سوی دیگر باید به این موضوع توجه شود که زمینه های ایجاد شادی در بسیاری از موارد مقطعی هستند. برای مثال برنده شدن یک تیم در مسابقات فوتبال فصلی و مقطعی است، پس ممکن است شرایط ابران شادی تماشاگران و طرفداران یک رشته ورزشی همواره وجود نداشته

از آن برای اینکه بتوانند وارد بازار کار شوند به شغلی مشغول می شوند که شاید هیچ تناسبی نه با رشته تحصیلی و نه با علایق آنها داشته باشد. همین عدم تناسب بین شغل و مدرک دانشگاهی باعث ایجاد سرخوردگی در افراد و بروز بیماری های روانی می شود و مسلماً در این شرایط زمینه های بروز شادی از بین می رود.

میرشریفا ازدواج را هم از جمله عواملی می داند که باعث ایجاد شادی در افراد می شود؛ ازدواج و زندگی با فرد مورد علاقه باعث ایجاد شادی و نشاط می شود. اگرچه برای تشکیل خانواده، زنان و مردانی با نگرش، عقاید و افکار مختلف در کنار هم قرار می گیرند اما باید زن و مرد با هم تفاهم داشته باشند تا از بروز آسیب های رفتاری و روانی در آنان جلوگیری شود. مسلماً برای ایجاد شادی و نشاط دائمی در ازدواج، آموزش مهارت های زندگی بسیار موثر است چون یکی از این مهارت های اصلی، توانایی حل مساله است.

او به موارد دیگری هم اشاره می کند؛ هرچند ساختار خانواده، زمینه های بروز شادی و نشاط را تقویت می کند اما باید توجه داشت که اگر ساختار خانواده مستبدانه و بر اساس اعمال قدرت بیشتر از جانب یک نفر از اعضای خانواده بر بقیه باشد که در ایران این اعمال قدرت بیشتر از جانب مردان صورت می گیرد، نه تنها شادی و نشاطی وجود نخواهد داشت بلکه ساختار خانواده در اینجا دارای تاثیرات منفی خواهد بود. نماد بیرونی شادی در افراد چیست؟ میرشریفا می گوید؛ جامعه، شادی دائمی را در افراد ایجاد نمی کند بلکه شادی در لایه های درونی و شخصیتی افراد نقش می بندد.

باشد و باید به فکر ایجاد شادی از راه دیگری بود. او به نکته مهم دیگری هم اشاره می کند؛ درست است که مثلاً برنامه های تلویزیونی و رادیویی هم باید به سمت ایجاد شادی و نشاط به خصوص در بین جوانان ایرانی بروند اما در نهایت جوانانی که با آینده مبهم و مشکلات فراوانی مانند بیکاری، مسکن و... مواجه هستند با این برنامه ها شاد نمی شوند.

این روانشناس بالینی از نقش زنان در ایجاد شادی و نشاط می گوید؛ زنان در ایجاد زمینه های شادی و نشاط موثر هستند و خصوصیات شخصیتی و قدرت خارق العاده آنان که از لطافت و احساسات درونی شان نشأت می گیرد، می تواند هم باعث شادی خود زنان شود و هم اینکه برای اطرافیان شادی به ارمغان بیاورد. اما این شادی و نشاط هم به موقعیت و جایگاه زن در جامعه بستگی دارد؛ جایگاهی که حتی باعث افسردگی و غمگینی زنان می شود.

او ادامه می دهد؛ نماد شادی برای مردان و زنان هم با هم متفاوت است و این موضوع را باید در بستر فرهنگ جامعه تفسیر کرد و مورد تحقیق قرار داد. از سوی دیگر بروز رفتارهای شادی آور مردان در اجتماع بیشتر است چون این فرهنگ و ریشه های سنتی است که شادی زنان و مردان را تعریف و ارائه می کند.

آیا در ریشه های فرهنگی و اجتماعی جامعه برای ایجاد شادی و شادبودن، بنیانگذاری صورت می گیرد؟ میرشریفا می گوید؛ در این زمینه در ایران هم مردان و هم زنان با مشکلاتی روبه رو و مواجه هستند. برای مثال بسیاری از افراد به دلیل کنکور و سیستم دانشگاهی ایران در رشته تحصیلی بی که مورد علاقه و منطبق با شغل دلخواه آنها نیست، مشغول به تحصیل می شوند و بعد

طراحی وب سایت به زبانهای فارسی، انگلیسی و پشتو

ثبت فضای اینترنتی - طراحی فروشگاه آنلاین

020 8453 7350 - 077 3311 3137



info@persianweekly.co.uk

از گوشه و کنار

اثر ونگوک برای «الیزابت تیلور»



به نقل از رویترز دادگاه عالی آمریکا اعلام کرد که «الیزابت تیلور» می‌تواند همچنان نقاشی «ونسان ونگوک» را در کلکسیون شخصی خود نگه دارد. کمی پیش نوادگان یک زن یهودی در دادگاه علیه «الیزابت تیلور» اقامه دعوی کرده و مدعی شده بودند که جده آنان در سال ۱۹۳۹ پیش از فرار از آلمان نازی مجبور به فروش این تابلو شده است. ولی دادگاه عالی آمریکا سرانجام با رد ادعای این خانواده یهودی، اعلام کرد که «تیلور»، می‌تواند تابلوی «چشم‌انداز بیمارستان و نیایشگاه سنت مری»، اثر برجسته «ونسان ونگوک»، نقاش مشهور هلندی را در کلکسیون شخصی خود نگاه دارد. این نقاشی که ونگوک، آنرا در سال ۱۸۸۹، یک سال پیش از اینکه اقدام به خودکشی نماید، کشید، در سال ۱۹۶۳ توسط پدر تیلور به قیمت ۹۲ هزار پوند در حراج ساتبی لندن خریداری شد.

ایرلندی‌ها علاقمندترین و اسلواکی‌ها بی‌علاقه‌ترین مردم نسبت به سینما

براساس نظر سنجی‌های اخیر، ایرلندی‌ها به عنوان علاقمندترین و اسلواکی‌ها به عنوان بی‌علاقه‌ترین مردم اروپا به سینما معرفی شدند.



به نقل از هالیوود ریپورتر، براساس گزارشی که توسط آژانس آمار اروپا تنظیم شده است، در حالیکه میانگین رفتن به سینما در اتحادیه اروپا، تنها ۱/۹ بار در سال است، هر کدام از ایرلندی‌ها به طور میانگین سالانه ۴/۲ بار به سینما می‌روند.

در ادامه این گزارش آمده است، در حالیکه ایرلندی‌ها، علاقمندترین مردم اروپا به سینما هستند، فرانسوی‌ها ۳ بار در سال، اسپانیایی‌ها ۲/۸ بار در سال و لوکزامبورگی‌ها ۲/۷ بار در سال به سینما می‌روند. در پایان این جدول اسامی سه کشور رمانی با ۰/۱، بلگرای‌ها با ۰/۳ و اسلواکی‌ها با ۰/۶ بار در سال قرار گرفته است.

هالیوود ریپورتر در ادامه می‌افزاید: براساس یک نظر سنجی که در اواسط ماه جولای در سال ۲۰۰۶ انجام گرفت، در آمریکا میانگین سالانه هر فرد برای رفتن به سینما ۷/۶ بار در سال است.

همچنین طبق نظر سنجی مشابهی که سال گذشته انجام گرفت، ۵۱ درصد از مردم اروپا اظهار داشتند که حداقل یک بار در سال به سینما می‌روند و این در حالی است که این آمار در سوئد ۷۱ درصد، در دانمارک ۶۹ درصد و در ایرلند ۶۶ درصد بود. سازمان تهیه‌کنندگان فیلم آمریکا نیز اخیرا اعلام کرد که آمارها بیانگر این مطلبند که ۶۴ درصد از مردم حداقل دو بار در سال به سینما می‌روند.

قاتل شطرنجی محکوم به حبس ابد



به گزارش آسوشیتدپرس دادگاهی در مسکو، مردی را که مرتکب ۴۸ فقره قتل شده بود و قصد داشت تا برای پر کردن همه خانه‌های شطرنج مرتکب ۶۴ قتل شود، به حبس ابد محکوم کرد.

با محکومیت این قاتل زنجیره‌ای بدترین پرونده تاریخ قتل‌های زنجیره‌ای روسیه بسته شد.

مجازات «الکساندر پوچشکین» که ادعا کرده بود برای

پر کردن ۶۴ خانه شطرنج مرتکب ۶۰ قتل شده است یکی از سخت‌ترین پرونده‌های روسیه برای صدور حکم آن بوده که با کمک چندین نفر از مقامات قضایی این کشور انجام گرفت.

پوچشکین اولین قتل خود را در سال ۱۹۹۲ با قتل دوستش مرتکب شد که آن را اولین عشق خود به قتل توصیف می‌کند.

خواندن حکم وی توسط قاضی ۴۵ دقیقه طول کشید که در این مدت وی با دست‌هایی بسته در قفسه‌ای شیشه‌ای نگهداری می‌شد. زمانیکه قاضی

در پایان قرائت رأی از او پرسید که آیا متوجه مجازات خود شده است وی گفت: "کر نیستم".

قرار است که وی در زندان تحت درمان‌های روانی نیز قرار بگیرد. وی در جریان تحقیقات اعتراف کرد که ۶۰ نفر را کشته است و ۳ تلاش او نیز برای کشتن سایرین ناکام مانده است اما بررسی‌های قضایی تنها توانست ۴۸ قتل توسط او را به اثبات برساند. اکثر قربانیان «پوچشکین» در پارک «بیتسا» در جنوب مسکو از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ به قتل رسیده بودند. به گفته دادگاه این مجرم قربانیان خود را که اکثرا الکلی‌ها، بی‌خانمان‌ها و افراد کهنسال بوده‌اند، با وعده نوشیدن «ودکا» به خانه می‌برده و آنها را می‌کشته است. ۱۱ نفر از این افراد در سال ۲۰۰۶ کشته شده‌اند که ۶ نفر از آنها تنها در یک ماه به قتل رسیده‌اند. قتل‌های وی از سال ۲۰۰۵ به طور فجیع تری انجام می‌شد و با ضربات متعدد چکش به سر و در پایان شکستن بطری «ودکا» روی سر آنها انجام می‌شده است.

۱۰ زن قدرتمند جهان در عرصه اقتصاد

نشریه فورچون در طی گزارشی به معرفی قدرتمندترین زنان جهان در عرصه اقتصادی پرداخته است.

این گزارش بر پایه مسئولیت‌های اجرایی زنان مهم دنیا در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و میزان اهمیت و ارزش شرکت‌های تحت اداره آن‌ها تهیه شده است.

قدرتمندترین زن جهان در این گزارش ایندرا نووی مدیر عامل شرکت پیسی شناخته شده است.

ایندرا هندی الاصل و ۵۱ ساله است که ریاست هیئت مدیره یکی از بزرگترین شرکت‌های تولید نوشیدنی را در جهان بر عهده دارد. درآمد شرکت پیسی که مقر آن در آمریکا قرار دارد در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۳۵ میلیارد دلار و ارزش سهام آن به سه دلار رسید.

دومین زن قدرتمند جهان از نظر اقتصادی آنا مولکھی ۵۴ ساله است که ریاست شرکت زیراکس را برعهده دارد.

شرکت زیراکس در زمینه تولید سخت افزارهای کامپیوتری مثل پرینتر، فاکس و غیره و همچنین ارائه خدمات در زمینه تکنولوژی ارتباطات فعالیت دارد. در سال گذشته ارزش سهام این شرکت رشدی ۱۰ درصدی را تجربه کرد. پیش بینی می‌شود میزان فروش این شرکت در سال جاری به ۱۶ میلیارد دلار برسد.

سومین زن قدرتمند جهان در بعد اقتصادی مگ وایتمن رئیس عیث مدیره شرکت اینترنتی ای بی است. این زن که ۵۱ سال سن دارد مدیر بزرگترین شرکت‌های فروش اینترنتی در جهان محسوب می‌شود. ارزش این شرکت بالغ بر شش میلیارد دلار برآورد می‌شود. این شرکت با افزایش ۴۵ درصدی در ارزش سهام خود مواجه شده است.

چهارمین نفر در این بین آنجلا برالی ۴۶ ساله رئیس شرکت ولپینت معرفی شده است. شرکت ولپینت بزرگترین شرکتی است که یک زن در راس آن قرار دارد. درآمد این شرکت در سال قبل به ۵۷ میلیارد دلار رسید. شرکت مذکور در زمینه مراقبت‌های بهداشتی در آمریکا فعالیت دارد.

آرن روزنفلد به عنوان پنجمین زن قدرتمند جهان در راس شرکت کرافت فود قرار دارد. وی ۵۴ سال سن دارد. شرکت کرافت فود یک شرکت بزرگ در زمینه تولید مواد غذایی است. درآمد این شرکت در سال ۲۰۰۶ به ۳۴/۴ میلیارد دلار رسید.

پت ووترتز نیز که در رتبه ششم قرار دارد ۵۴ ساله است. او رئیس شرکت میدلند است که در زمینه تولید پلاستیک و مواد شیمیایی فعالیت دارد. درآمد این شرکت در سال ۲۰۰۶ با رشد ۲۰ درصدی به ۴۴ میلیارد دلار رسید.

سوزان آرنولد ۵۳ ساله رئیس شرکت پراکتر گمبل است. رشد این شرکت بالغ بر ۴ تا ۶ درصد و ارزش آن ۷۶ میلیارد دلار است.

اوپرا وینری در رتبه هشتم قرار دارد. او نیز ۵۳ ساله است. آندره جانگ ۴۹ ساله رئیس شرکت آون پرداکتس در جایگاه نهم و برندا بارنس ۵۳ ساله رئیس شرکت سارا لی در جایگاه دهم قرار گرفته است.

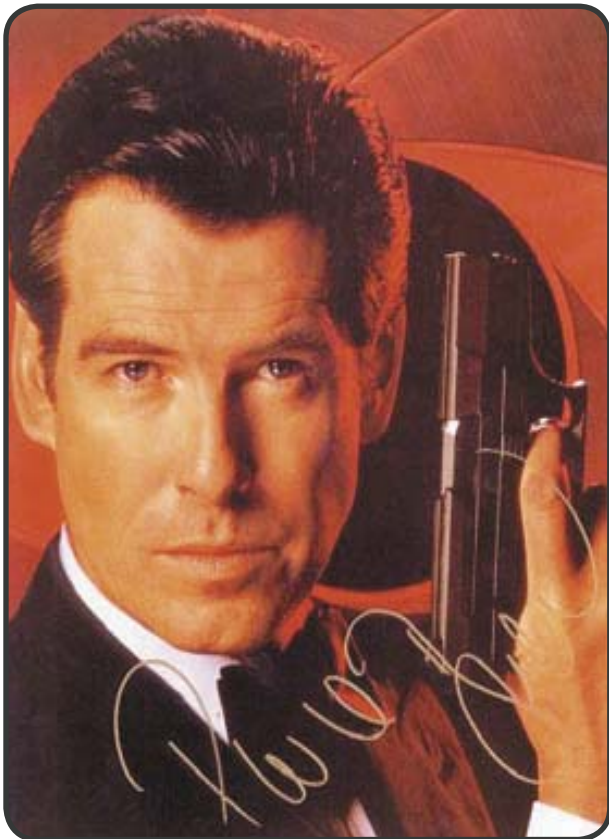


محمد رضا شریفی‌نیا در کامپ مدل تبلیغاتی شد

محمد رضا شریفی‌نیا، بازیگر مطرح سینما که پیش از این در حرفه‌های کارگردانی، گرافیک، عکاسی، روزنامه‌نگاری و نویسندگی توانایی‌های خود را نشان داده است، این بار به عنوان مدل تبلیغاتی یک شرکت آلمانی در نمایشگاه الکترونیک و کامپیوتر

(الکامپ ۲۰۰۷) قدم به عرصه جدیدی از فعالیت‌های حرفه‌ای گذاشته است.

فناوران-شرکت اپتک آلمان تولیدکننده دوربین‌های دیجیتالی، انواع DVDPlayer, MP۳, MP۴, PMP, Memory و... برای معرفی محصولات خود از چهره شناخته شده سینمایی کشورمان بهره گرفته است تا بدین وسیله حضور خود را در بازار ایران اعلام کند. شریفی‌نیا که برای اولین بار به عنوان مدل تبلیغاتی یک شرکت تولیدی ایفای نقش کرده است، پس از بررسی چندین پیشنهاد که در این زمینه دریافت کرده بود با بررسی محصولات شرکت آلمانی اپتک پیشنهاد آنها را پذیرفت و در نمایشگاه الکامپ امسال رسماً به عنوان مدل تبلیغاتی شرکت معرفی می‌شود.



«جیمزباند» در چنگال قانون

«پیرس برونزان»، بازیگر سابق نقش جیمزباند، به دلیل ضرب و شتم یک عکاس لس‌آنجلسی بازداشت شد. به گزارش رویترز، «استیو ویتور»، یکی افسران اداره پلیس لس‌آنجلس گفت: «پیرس برونزان»، هم اکنون به اتهام اقدام به ضرب و شتم تحت بازجویی قرار دارد.

ویتور از بیان جزئیات بیشتر در این رابطه طفره رفت ولی افزود: این حادثه جمعه گذشته در شهر مالیبو، در حومه لس‌آنجلس اتفاق افتاد.

به گفته یک شاهد، «رابرت روسن»، عکاس زمانیکه «برونزان» را دید شروع کرد به تعریف کردن از بازی او در نقش جیمزباند، ولی ناگهان هر دو درگیر شدند و «روسن» با لگدی به برونزان حمله کرد و برونزان نیز در واکنش به این حرکت او، به او حمله کرد.

به گزارش رویترز، سخنگوی این بازیگر هالیوودی متولد ایرلند، برای توضیح درباره این اتفاق در دسترس نبود.

برونزان، ۵۴ ساله، طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ در چهار فیلم جیمزباندی، در نقش مامور ۰۰۷ ایفای نقش کرد ولی هم اکنون این نقش به «دنیل کرایج» واگذار شده است.

الاغ به جای کامیون زباله

شهرک کاستل‌بونو در سیسیل ایتالیا کامیون‌های جمع‌آوری زباله را با الاغ جایگزین کرده است.

مقامات شهرک مزبور مدعی هستند که این شیوه نه تنها باعث صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شود بلکه به مقابله با گرمایش جهانی نیز کمک می‌کند.

ماريو سيسرو، شهردار کاستل‌بونو، در بیانیه‌ای که در وب‌سایت این شهرک گذاشته شده است می‌گوید با استفاده از الاغ‌ها به جای کامیون‌های زباله‌بر "ما هم صرفه‌جویی می‌کنیم و هم دنیا را به مکان بهتری بدل می‌کنیم."

او می‌افزاید قیمت یک الاغ حدود ۱۲۰۰ یورو و هزینه غذا و تمیزکردن سالانه آن ۲۰۰۰ یورو است که در مجموع بسیار کمتر از ۳۰۰۰ یورو قیمت یک کامیون و ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ یورو هزینه نگهداری سالانه آن است.



info@persianweekly.co.uk

ناخنک

وقتی با این چشم باباغوری و درب و داغونم (که هر لحظه از لحظه پیش کم سوتر می شود) به نقشه جهان که البته الان دیگر جهان نیست نگاه می کنم، کشور خودمان را که هم از لحاظ ظاهر و هم باطن با دیگر ممالک اجنبی متفاوت است، بسیار گوگوری مگوری می بینم! اما وقتی می خواهم یه چرخه درون آن بزنم، می بینم که چه کشور پت و پهنی است. هر چند که تکه های بزرگ آن را در طول تاریخ کنده، برده و خورده اند. الهی کوفته شان شود یا نوش جانشان!

انتخاب با خودشان است، به خصوص این همسایه شمالی سیری ناپذیر. از زبان بی چاک و بستم در رفت و گفتم همسایه شمالی، یاد یک جایی افتادم که هنوز نمی دانم اسمش چیست؟ ولی می دانم خیلی چیزها توش هست، هر چند که خیلی از آن را به ما نشان نمی دهند! بله درست حدس زدید. کاسپین، دریای خزر، دریای مازندران، دریاچه خزر یا ... این آخری در این اواخر به نظر با مسمی تر است!

بنده ناخنک زن حقیر چون اهل گردش و نرمش نیستم، هیچ گاه با هیچ از ما بهترانی در آن حوالی قدم نزده و نخواهم زد. برای همین اطلاعات چندانی از وضعیت آن حوالی و آن دریای فسقلی ندارم. تنها این را می دانم یه چیزهایی اون تو هست که برای بعضی ها آمد دارد. یه چیز دیگری هم می دانم. یعنی می دانم که درون آن فیش هایی ببخشید ماهی هایی تنفس آبی می کنند که درست مانند شکارچیانشان دارای دماغی دراز هستند! هیچ نسبتی هم با پینوکیو ندارند، چون دراز بودن دماغشان ارثی است و ربطی به دروغ گویی و دروغ پردازی ندارد!

این حقیقت را نمی توان کتمان کرد که این ماهی دراز دماغ خاصیتش خیلی بیشتر از شکارچیانش است! خودتان می دانید چرا. چرا من بگویم؟ می گویند این ماهی چیزهای سیاهی در شکمش است که خیلی مقوی و گرانبه است. ما که نه دیده ایم و نه خورده ایم و نه از این پول ها داریم که پای یه چیز سیاه مقوی بریزیم! از من ناخنک زن نشنیده بگیرید، ولی می گویند تمام دعوای سر همین چیز سیاه و یک چیز سیاه دیگر به نام نفت است! برای همین است می گویند بالاتر از سیاهی رنگی نیست!

اگر این چیزهای سیاه نبودند شاید امریکا و دیگر ممالک عاشق دموکراسی، برای اشاعه دموکراسی برای این مناطق دندان تیز نمی کردند. درست مثل افریقا که همه چیزش سیاه است، حتی مردمانش. برای همین است که تمام ممالک ریز و درشت برای اشاعه دموکراسی و ایجاد تمدن به افریقا سرازیر شده اند و هر کدام تکه ای را دموکراسی زده کرده اند!

اخیرا جلسه ای علنی در ایران سیاه و سفید برگزار شد. جلسه بده بستون بود البته، یعنی یه عده می گرفتند و ما می دادیم! این جلسه بده بستان به خاطر همین دریای کوچک خزر بود که نمی دانیم من بعد نامش را چه خواهند گذاشت؟ اما به ذهن نزدیک است نامش را بگذارند دریاچه "پوتین"!

اصلا به من ناخنک زن و شما چه ربطی دارد که توی این کارها دخالت می کنیم؟ مگه توی این مدت از ۴۰۰۰ سال پیش تا به حال تو کاری دخالت کرده ایم که تو این کار کوچک دخالت کنیم؟ مگه ۱۳ درصد حق کمی است که اعتراض کنیم؟ ۱۳ درصد یعنی از هر ۱۰۰ فروند ماهی دماغ دراز ۱۳ فروند آن مال ماست (البته اگر طرف های ما شمردن بلد باشند) هر چند که تعداد مردم دماغ دراز ما بیشتر است. من ناخنک زن به شما می گویم به همین راضی باشید و دم زنید! هی نگویید ۱۳ عدد نحسی است. البته بنده پیشنهاد می کنم که حق ما را یعنی ایران را در یک آکواریوم به ما تحویل دهند تا یک وقت زبانه لال زیر این ۱۳ درصد هم نزنند!!

مشکی رنگ محبوب برای اتومبیل

مشکی محبوب ترین رنگ برای اتومبیل است، این موضوع را سلیقه خریداران اتومبیل در انگلستان نشان داده.

تحقیقاتی که در ده شهر انگلستان و روی بیش از چهار هزار نفر راننده و خریدار اتومبیل صورت گرفته نشان داده که بیشتر از سی درصد آنها رنگ مشکی را به عنوان بهترین رنگ برای یک اتومبیل می دانند. رنگ نقره یی دومین رنگ محبوب در این تحقیق بوده است چرا که ۲۷ درصد از شرکت کنندگان در این تحقیق این رنگ را بهترین رنگ برای یک اتومبیل دانسته اند. در متن این گزارش آمده است: «تمام افرادی که در این تحقیق شرکت کردند گواهینامه رانندگی داشتند، برخی از آنها صاحب اتومبیل هستند و برخی دیگر نه. این تحقیق نشان می دهد که برخلاف یک دهه گذشته حالا رنگ مشکی به رنگ نقره یی ترجیح دارد.» سایر رنگ های محبوب در این نظرسنجی رنگ خاکستری تیره نوک مدادی، قرمز، سفید و آبی بوده اند.



همسر مرد که از ارزش تابلو خبر نداشت وقتی قصد اسباب کشی داشت، آن را به فروش گذاشت. در این زمان بود که تابلو گم شد و گیبسون آن را یافت و پس از تحقیق دریافت که اسم این تابلو در بین تابلوهای مهم و ارزشمند ثبت شده است. در حراج آینده ساوشابی این اثر برای فروش عرضه خواهد شد و تخمین قیمت اولیه آن یک میلیون دلار است. تامایو، نقاش این تابلو در سال ۱۸۹۹ در مکزیک متولد شد و در مدرسه عالی هنرهای زیبای مکزیک آموزش دید. کارهای اولیه او به آثار دیگوریورا شباهت زیادی داشتند، اما آثار بعدی او نشانگر سبک منحصر به فرد او هستند. وی در سال ۱۹۹۱ درگذشت و پیش از آن جوایز بسیاری دریافت کرد و در سراسر جهان شناخته شده بود.

گره جدید در کشف راز مرگ

دلفین ها در خلیج فارس

یک مقام آگاه گفت: دلفین هایی که برای آزمایش به آزمایشگاه دامپزشکی تهران فرستاده شده است به علت فاسد بودن قابل آزمایش نیست.



یک مقام آگاه افزود: بر اساس اعلام آزمایشگاه دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، نمونه دلفین ارسال شده به تهران گندیده و فاسد بوده است و امکان آزمایش بر روی آن وجود ندارد و غیر قابل آنالیز است.

وی در ادامه گفت: با فاسد بودن نمونه دلفین های کشته شده اگر

علت مرگ آن ها آلودگی های شیمیایی باشد تشخیص آن امکانپذیر نخواهد بود و تنها باید علت مرگ را بر اساس مشاهدات بومی ها و کارشناسان دنبال کرد. این مقام آگاه اظهار داشت: غیر از نمونه ای که به تهران فرستاده شده است مابقی دلفین های کشته شده دفن شده اند.

وی در پاسخ به اینکه آیا دیگر هیچ زمانی علت شیمیایی مرگ دلفین ها با فساد نمونه ارسال شده، مشخص نخواهد شد، تصریح کرد: کارشناسان محیط زیست در محل پیدا شدن جسد دلفین ها در سواحل جاسک، برخی بافت های بدن این دلفین ها را جدا کرده و فعلا نگهداری کرده اند و احتمال دارد بتوان از طریق این بافت ها علت را یافت.

این منبع آگاه درباره گندیده بودن این نمونه دلفین ارسال شده به آزمایشگاه گفت: این نمونه پس از آمدن به ساحل در توتل انجماد با دمای ۳۰ درجه زیر صفر منجمد شده و تمام زمان مسیر هرمزگان تا تهران را در یخ شناور بوده است.

طی روزهای اخیر لاشه بیش از ۷۰ قطعه دلفین در دهانه خور گنگان واقع در ۱۰۰ کیلومتری غرب شهر جاسک پیدا شد که تعدادی از این دلفین ها زنده بودند و با بازگشت به آب دوباره جان گرفتند و نمونه ای از این دلفین ها برای آزمایش به تهران فرستاده شد.

شهرستان جاسک به عنوان شرقی ترین نقطه استان هرمزگان در فاصله ۳۰۰ کیلومتری بندرعباس قرار گرفته است.

محمداقرباب نوبی، معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست، پیش از این اعلام کرده بود کمیته تخصصی برای کشف علت مرگ دلفین ها با حضور نمایندگان از سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان بنادر و کشتیرانی، شیلات، وزارت نفت و سازمان دامپزشکی تشکیل شده است.

وی از تعیین مهلت ۲ هفته ای برای دستگاه های مرتبط با دریا خبر داده بود تا این سازمان ها تمام اطلاعات خودشان را درباره علت مرگ دسته جمعی دلفین ها به سازمان محیط زیست اعلام کنند به طور مثال شیلات باید تمام شناورهای را که طی این مدت وارد آب های خلیج فارس شده اند مورد بررسی قرار دهد و در صورتی که آلودگی داشته اند اعلام کنند.

معاون محیط زیست دریایی سازمان محیط زیست اظهار داشت: یکی دیگر از برنامه های که مقرر شد مورد اجرا قرار گیرد برنامه ریزی برای گشت دریایی منطقه ای است تا تمام عوامل آلاینده در منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار گیرد.

نوبی تصریح کرد: باید آب های منطقه به طور مرتب مورد ارزیابی قرار گیرد تا در صورت بروز آلودگی سریعاً مطلع شویم و اقدامات پیشگیرانه را انجام دهیم.

وی گفت: در این جلسه موضوع آموزش افراد بومی در منطقه نیز مورد تأکید قرار گرفت.

معاون محیط زیست دریایی سازمان محیط زیست اظهار داشت: در این جلسه ما به دنبال پیدا کردن مقصر نبودیم و می خواهیم علت این حادثه را به دست بیاوریم که امروز نیز لاشه تعدادی از این دلفین ها به تهران می رسد و برای آزمایش به آزمایشگاه دانشگاه تهران و یک آزمایشگاه خصوصی ارائه می شود.

وی در ادامه در خصوص ارتباط مرگ این ۷۰ دلفین با ۷۹ قطعه دلفین دیگری که یک ماه پیش در آب های خلیج فارس مردند، گفت: مشخص است که احتمال مرگ این ها متفاوت از مرگ دلفین های قبلی است چون ۷۹ قطعه دلفین قبلی در آب مرده بودند و لاشه آن ها به طور پراکنده به ساحل آمده بود ولی دلفین های جدید در یک منطقه به صورت متراکم به ساحل آمده بودند.

نوبی درباره اعلام نتایج مرگ دلفین ها در یک ماه گذشته نیز اظهار داشت: هنوز نتیجه مطالعات توسط استان استخراج نشده اما به احتمال زیاد علت اصلی مرگ آن ها عملکرد واحدهای صیادی بوده است.

به گفته شهردار این شهرک ایتالیایی این الاغ ها تقریباً ۱۴۰ تن زباله حمل کرده اند. هر الاغ دو جعبه چوبی بر پشت دارد و وسیله یک مامور جمع آوری زباله همراهی می شود که به آنها نام جدید "گرداننده بوم شناختی" داده اند. انتظار می رود چندین شهر دیگر در مناطق کالابریا و توسانی در ایتالیا از الگوی کاستل بونو پیروی کنند.

ویلچر رانی در بزرگراه

یک خانم ۸۱ ساله آلمانی که قصد داشت با ویلچر برقی اش برای مراسم تدفین یکی از آشنایانش به گورستان برود سر از یک بزرگراه شلوغ در آورد، این زن قصد داشت با ویلچرش مسافت نه چندان طولانی بین خانه تا گورستان را طی کند و تصمیم گرفت برای کوتاه کردن مسیر از میان بر استفاده کند اما در میانه راه گم شد و ناگهان خود را در میان بزرگراه یافت. حداکثر سرعت این ویلچر ۶ کیلومتر در ساعت است در حالی که حداقل سرعت اتومبیل ها در این بزرگراه دست کم ۶۰ کیلومتر در ساعت بود.



بهترین هدیه دنیا



یک زوج که بیست و هفتمین سالگرد ازدواج شان را هفته گذشته جشن گرفته بودند، بهترین هدیه دنیا را دریافت کردند.

عکس های عروسی شان! این زوج سال ها پیش هنگامی که نوجوان بودند به عقد هم در آمدند، عکاسی نیز از مراسم عقد آنها در کلیسا عکسبرداری کرد اما این زوج در آن هنگام پولی برای پرداختن بابت این عکس ها نداشتند. در بیست و هفتمین سالگرد ازدواجشان، عکاس فوق به محل

کار خانم کارن کلاین رفت و آلبوم عکس های عروسی او در سال ۱۹۸۰ را به وی تقدیم کرد. جیم واگنر عکاس که در حال حاضر ۸۰ سال دارد، می گوید: «ماه گذشته مشغول تمیز کردن قفسه آثار قبلی ام بودم و در میان آنها به این عکس ها برخوردم. می دانستم که آن زمان او پولی برای پرداختن بابت این عکس ها نداشت و حالا ممکن است دوست داشته باشد این عکس ها را داشته باشد.» خانم کلاین در حالی که هنوز اشک بر چشم داشت، گفت: «من آنجا ایستاده بودم و اشک می ریختم و از او تشکر می کردم...» خانم کلاین و همسرش زمان ازدواج ۱۸ و ۱۹ ساله بودند و ۱۵۰ دلار برای پرداخت بابت عکس ها نداشتند. آقای واگنر از طریق پدر کارن توانست او را بیابد. خانم کلاین پس از گرفتن عکس ها مبلغ ۱۵۰ دلار قیمت آنها را به واگنر پرداخت و اینجا بود که آقای عکاس هم احساساتی شد و اشک هایش سرازیر شد.

یک میلیون دلار در سطل زباله



یک تابلوی نقاشی که ۲۰ سال قبل به سرقت رفته بود و پس از آن در سطل زباله ای در گوشه خیابان یافت شد با قیمتی حدود یک میلیون دلار در حراجی به فروش خواهد رسید.

چهار سال پیش الیزابت گیبسون مطابق هر روز صبح در حال راهپیمایی بود و نمی دانست این تابلو آبستره رنگی که جلوی پایش سبز شده ممکن است چیز مهمی باشد. خانم گیبسون می گوید: «شانس به من روی آورده است، من نمی دانستم این تابلو چیست اما به سمت آن جذب شدم، قدرت این تابلو بود که مرا تحت تأثیر قرار داد...» چون مشخص شد که این اثر در واقع

«Tres personajes» (سه نفر) اثر هنرمند مکزیک رافینو تامایو است که بازار فروش آثارش در سال های اخیر رونق بسیاری یافته است. در سال ۱۹۷۷ یک زوج این تابلو را خریداری کردند و در ۱۹۸۷ این اثر از آنها به سرقت رفت. این زوج سرقت را گزارش دادند و نام تابلو در لیست آثار مسروقه هنری جهان ثبت شد، اما اثری از تابلو یافت نشد. پس از سال ها این تابلو مجدداً یافته شد و به همسر این مرد بازگردانده شد.



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید

برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

جشن آبان‌گان؛ جشن آب

صدیقه رمضانخانی



این جشن در روز آبان از ماه آبان (۴ آبان) برابر با روز دهم آبان از تقویم اوستایی برگزار می شود. در ادوار گذشته در چنین روزی مردم ملبس به لباس سفید به کنار چشمه ها و رودها می رفتند و به ستایش و پرستش خداوند می پرداختند. اما متأسفانه این جشن ، سال‌هاست که به دست فراموشی سپرده شده است.

واژه آبان، آب و هنگام آب معنی می‌دهد و جشن آبان‌گاه مربوط به آبهای زمین است. در مورد پیدایش این جشن عده‌ای بر این باورند که در پی جنگ‌هایی که بین ایران و توران روی داد افراسیاب دستور داد کاریزها را ویران کنند و بعد از پایان جنگ پسر طهماسب که « زو» نام داشت دستور داد کاریزها و نهراها را لایروبی کرده و بعد از آن آب در کاریزها روان گردید و مردم این روز را جشن گرفتند. در روایت دیگر گویند: بعد از هشت سال قحطی در ماه آبان باران شروع به بارش کرد و جشن آبان به همین مناسبت برگزار می‌شود.

در میان فرشتگان آسمان پر فرشته ایران باستان، آناهیتا، ایزد بانوی آب ایران باستان، یکی از بزرگترین و دوست‌داشتنی‌ترین ایزدان آیین زرتشت به شمار می‌آید. نام درست این فرشته «اردوی سورۀ آناهیتا» از پیوند سه صفت تشکیل شده است. اردوی (ارد) به معنی افزون و بالاندن که در وندیداد نام یکی از رُدهای افسانه‌ای است و بیشتر با سوره به معنی زور می‌آید و سرانجام آناهیتا که از پیوند حرف نفی ا و اهیتا* به معنی چرک، پلید و ناپاک درست شده است. پس آناهیتا یعنی نیالوده و پاک و بی‌الایش. آناهیتا با گذشت زمان به صورت آناهیتا، آناهید و ناهید در آمده است.

در باورهای ایرانیان باستان از هیچ ایزدی در اوستا و آیین زرتشت به اندازه آناهیتا ایزد بانوی آب ایران باستان، با گرمی و دل‌بستگی یاد نشده است. آناهیتا دوشیزه رودها، تجسم رودی توانگر و افسانه‌ای، بیرون از اندازه طبیعی و تبلور آب مقدس و همه رودهاست. او سرچشمه همه آب‌های روی زمین است با اندامی بلند و درونی پاک.

جشن آبان‌گان در گذشته

در گذشته این جشن را بیش از جشن‌های دیگر می‌شناختند. در آن روز چیزی را در آب نمی‌شستند و به آب چشمه‌ها و جویبارها آب زور (اوستای ویژه آب) می‌خواندند.

نیاکان زرتشتیان در آن روز بنای کهریزها و قنات‌ها را آغاز می‌کردند. زرتشتیان بنا به آموزه‌های پیامبر خود برای طبیعت و عناصر آن احترام خاصی قائلند و در واقع به پاک‌داری محیط زیست یعنی چهار آخشیک یا همان عناصر اربعه (آب، باد، خاک و آتش) می‌پردازند.

مثلاً برای آتش نیایش و برای آب آبرور و ... را دارند و پاکی و اشویی را پایه و اساس این می‌دانند و جشن آبان هم از این نظر برای آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که معتقدند آب عنصر حیات و آبادانی است

الهه های ایران باستان

مریم قیمتی

از آغاز دوران تاریخی ایران ، تاکنون بیش از ۲۶۰۰ سال می گذرد. در طول این زمان سلسله های بزرگ و کوچکی در این سرزمین پهناور فرمانروایی کرده اند که قلمرو آنها به تفاوت گاهی بخشی از خاک ایران و زمانی تمام خاک ایران و روزگاری هم شامل سرزمین های دورتر و خارج از سرزمین های طبیعی ایران می شد.

تردیدی نیست که چنین اوضاع و احوالی بدون نشیب و فرازهایی که پیروزی ها و شکست هایی در بر داشته، نبوده است. در تاریخ مدون عالم کمتر کشوری را می توان یافت که توانسته باشد مانند کشور ایران حیات ملی و فرهنگی خود را برابر سیل بنیان کن حوادث حفظ کند.

این استواری و مقاومت در برابر حوادث را نمی توان مربوط به هیچ عاملی دانست. جز به خصیصه ذاتی ایرانیان مطالعه و تحقیق در ارتباط احوال و ویژگی های کار و فعالیت های سنتی یک ملت در گذشته و حال در حقیقت شناسایی حرکت و توانایی زندگی و نموداری از تمدن ارزش قدیم و اصالت آن قوم و ملت است. این امر مبین آن است که قدرت خلاقه و قوه ابتکار افراد آن سرزمین چگونه بوده است و اطلاع از تاریخچه و کیفیت و کمیت ساکنان این مرز و بوم از دیرباز پاسدار تمدن فرهنگ و جهانی بوده اند.

آریایی ها(ماد)

راجع به مذهب آریایی های ایرانی باید در نظر داشت که مدت‌ها مذهب آریایی ها با مذهب هندی ها یکی بوده چنانکه به زبان واحدی هم تکلم می کردند. ولی در قرون بعد جدایی مذهب بین آنها روی داد. در این مورد که این جدایی چه موقع روی داده اطلاعی در دست نیست. ولی در کتیبه ای که در بوغاز در آسیای صغیر بدست آمده و تاریخ آن تقریباً از ۱۲۵۰ قبل از میلاد است، استنباط می شود که در این زمان جدایی هند روی نداده است .

چرا که در همین زمان گروهی از آریایی ها به خدای هندی قسم یاد کرده اند. چون تاریخ نوشته شدن (ودا) کتاب مقدس هندی ها بین قرن هشتم تا چهاردهم می باشد. اما اینکه مذهب آریایی های ایرانی چه بوده ، از مطالعات محققین در مذهب هندی ها و مقایسه نتیجه آن با نتیجه مطالعات در اوستا این عقیده حاصل می شود آنها معتقدند به یک عده از وجود های خیر و خوب که گنج ها و ذخایر طبیعت را به انسان می رساندند. در میان این ذخایر مهمتر از هر چیز روشنایی و باران بود و نیز اعتقاد داشتند به وجودهای بد که با وجودهای خوب در جنگ بوده و نمی خواستند انسان سعادتمند باشد. زمستان و خشکسالی و قحطی و امراض و مرگ را از وجودهای بد می دانستند. معلوم است که وجودهای اولی را می پرستیدند. و آنها را حمد و ثنا می گفتند و برای آنها نیاز می دادند در صورتی که ارواح بد را دشمن می دانستند و برای محفوظ ماندن از شر آنها به باورها متوسل می شدند که بعدها باعث ترقی سحر و جادوگری شد.

بعضی از محققین بر این عقیده اند که پرستش "ورثرغا " رب النوع رعد و "میث" رب النوع آفتاب مهر این زمان در مذهب آریایی های ایرانی داخل بوده است .

آفتاب را چشم آسمان می دانستند و رعد را پسر آن . به عبارت دیگر باید گفت آریایی های ایرانی مانند آریایی های هندی عناصر را می پرستیدند ولی بعد به تدریج ترقی کرده به درجه پرستش یگانه رسیدند. البته چه موقع این ترقی و تکامل حاصل شد معلوم نیست. ولی باید این نکته را در نظر داشت که آریایی های ایرانی زودتر از آریایی های هندی ترقی کرده ، به توحید رسیده اند . و با پدید آمدن زرتشت اعتقاد به خدای یگانه پایه محکمی یافته است.

آریایی های ایرانی وقتی به ایران آمدند از حیث تمدن پست تر از همسایه های خود یعنی بابل و آشور بودند. ولی در اخلاق بر آنها برتری داشتند . چه معتقدات آنها سعی و عمل یعنی کوشش و کار کردن را با راستی و درستی تشویق می کرد و ایرانی های قدیم دروغ را یکی از بزرگترین ارواح بد می دانستند.

عیلامی ها

در این مورد با وجودی که اطلاع زیادی در دسترس نیست ولی آنچه مسلم است عالم در نظر عیلامیها پر از ارواح بوده است . خدای بزرگ را اینشوشیناک می نامیدند ولی پرستش او به پادشاهان و کاهنان اختصاص داشته است.

بعد از آن به ۶ رب النوع الهه و پس از آن به گروهی از ارواح معتقد بودند و هر کدام را خدای محلی می دانستند . عیلامی ها هم مانند بابلیها مجسمه خدایان را می ساختند و وقتی که مجسمه شهری را به شهر دیگری می بردند عقیده داشتند که خدای آن شهر را انتقال داده اند. بنابراین مذهب آنها شرک و بت پرستی بوده است. کاهنان بسیار قوی و متنفذ بوده اند. کلیه مذهب آنان شباهت زیاد به مذهب بابلیها دارد و چنین به نظر می آید که آداب مذهبی آنان هم به آداب مذهبی بابل شباهت داشته است. هر شهری رب النوع یا به قول "سومریها" خدایی داشته و در نظر اهالی هر شهر ارباب انواع سایر شهر ها در رتبه پائین تر از رب النوع شهر آنها بودند. با وجود این سه رب النوع بزرگ را همه می پرستیدند.

۱- آنو (آقای آسمان) ۲- رآآ(صاحب دره عمیق) ۳- بل(رب النوع زمین)

غیر از اینها به گروهی از ارواح بد و عفریته ها و جن ها معتقد بودند . برای اینکه از شر آنها محفوظ بمانند قربانی می کردند. نیاز و تقدیمی می دادند. مجسمه ارباب انواع را می ساختند و می پرستیدند. خدایان در نظر آنها دارای صفاتی بودند مانند صفات انسانی از غضب و سفاکی و قساوت و شهوت وغیره. معابد را از خشت می ساختند و محراب ها را در رأس آن قرار می دادند. کاهنان می گفتند خدایان مانند شاهان در میان تجملات و فراوانی زندگی می نمایند. از این جهت معابد پر بود از خزاین و ذخایر و انبار های غله و حبوبات و کالاهای گوناگون و گاهی تجارت را منحصر به معبدی می کردند. مثل اینکه ارباب تاجر یا مالک نیز می باشد. رئیس شهر را پاستی می نامیدند و عقیده داشتند که پاستی ها امور شهر را موافق میل خدایان اداره می کنند بنابراین پاستی ها یک نوع پادشاهان محلی بودند که امور مذهبی کشوری و لشکری را در دست داشتند. ازدیگرب النوع و الهه های معروف آنها نانا یا نه نه نام داشت الهه دیگر "سوریاش" نام داشت که یک کلمه آریایی بود.

پرستش آناهیتا(الهه آب وپاکی) که یکی از رب النوع های دوران اولیه آریایی ها بود و در اوستا نیز از او نام برده شده که از زمان اردشیر اول هخامنشی برای او معبدی ساخته شده است نظیر معبد آناهیتا - استخر- همدان و شوش. در کتیبه ها و پایه ستونها یی که از شوش



و همدان بدست آمده برای اولین بار این شاه هخامنشی نام این الهه و میترا را در کنار اهورامزدا برده که نشان دهنده اعتقاد به تثلیث در مذهب ایرانیان باستان بوده است.

به نظر می رسد که پرستش ناهید در غرب و جنوب غربی بیشتر ازسایر نقاط ایران رواج داشته است. زیرا در دره های زاگرس غربی و مرکزی به علت موقعیت جغرافیایی مناسب و سر سبزی و خرمی دشتها و وجود آبهای جاری و زلال بستر مناسبی برای ایجاد آیین های مذهبی وجود داشته است. صورتهای مختلف ارباب را بر روی سر پهن سنجاقهای سربند که یا به سر زده می شده اند یا به عنوان نذورات به درز و شکاف دیوار زیارتگاهها اهدا می شدند .به خصوص سنجاقهایی با تصویر صورت آناهیتا توسط زنان نازا برای بخشش بار وری به آنها به زیارتگاهها اهدا می شده اند.

در مورد زمان ساخت بنای معبد و اصالت آن در نزد محققین اختلاف نظر هایی وجود دارد که ظاهراً این اختلاف نظر ناشی از توجه گروهی به نوشته های مورخان و سیاحان در گذشته و نظر گروه دیگر بر پایه ی یافته های باستانشناسی است که در خلال سالهای ۱۲۴۸ تاکنون در فصول مختلف حفاری بدست آمده است .

در بین مورخان و سیاحان باستان فقط یونانیان و رومیان از آن به عنوان معبد نام برده اند که شاید دلیل آن این باشد که در زمانی که آنها از آن بازدید میکردند اصل بنا هنوز پا بر جا بوده و از شباهتهای آن بامعابدی مانند هترا و پالمیرا آن را به عنوان معبد یونانی شناخته بودند و سیاحان و مورخان عرب و پارسی نیز به علت اینکه در زمان ویرانی آن و همینطور زمانی که بیشتر عرصه بنا در زیر ساخت و سازهای متاخر دوره اسلامی قرار داشته از آنجا دیدن کرده بودند .آن را یک کاخ مربوط به عهد ساسانی می دانستند و عده ای به دلیل وجود دشتهای سر سبز و تفرجگاههای آن ناحیه آنرا کاخ اختصاصی معشوقه خسرو پرویز "شیرین" نام نهاده بودند .و عده ای از اعراب که در پی جنگ با ساسانیان به این ناحیه رسیده بودند مورد دستبرد دزدان قرار گرفته و اسبهای خود را از دست داده بودند به همین دلیل از آن پس به آن نام قصرالصوص (کاخ دزدان) نهادند.



Property Management

مشاورین املاک آوا در خدمت هموطنان ایرانی

فروش و اجاره های خانه های شما با قیمت های استثنایی

خرید خانه و دریافت وام مسکن تا سقف ۱۰۰٪
بدون نیاز به ارائه مدرک درآمد

باور نکردنی!

100% وام مسکن

Tel: 020 8959 9390 - Fax: 020 8959 9418

Also you can find us at:

TIMESONLINE
 Sun
 msn
 YAHOO!
 UpMyStreet
 rightmove.co.uk

Telegraph.co.uk
 sky
 insideout
 AOL
 tiscali
 propertyfinder.com

659 Watford Way, Mill Hill, London, NW7 3JR

www.avaproperty.com



info@persianweekly.co.uk

سینما



۲۵ فیلم ترسناک تاریخ سینما

جایزه نوآوری «نووسینما»ی مونترال برای «حنا مخملباف»



سی و ششمین جشنواره بین‌المللی «نو سینما» در شهر مونترال جایزه ویژه نوآوری «دنیل لنگلوئیس» خود را به فیلم سینمایی «بودا از شرم فرو ریخت» اهدا کرد.

این فیلم اولین کار بلند سینمایی حنا مخملباف، نگاهی است به شرایط و تنش های جامعه امروز افغانستان از ورای دید یک کودک.

این چهارمین جایزه در طول ماه جاری است که پس از جایزه یونیسف در جشنواره رم برای فیلم «بودا از شرم فرو ریخت» به حنا مخملباف اهدا می‌شود که پیش از این موفق به دریافت جایزه ویژه هیئت داوران و جایزه تلویزیون اسپانیا از جشنواره سن سباستین شده است.

همچنین داوران این دوره جشنواره «نو سینما» جایزه لو طلا را به فیلم ملاقات در میاهو ساخته اران کلرین اختصاص دادند.

هیئت داوران ضمن قدردانی از فیلم استرالیایی باکسینگ دی ساخته کرابو استندرنز جایزه بهترین بازیگر را به ریچارد گرین بازیگر این فیلم اهدا کردند.

«میم مثل مادر»؛ بهترین فیلم جشنواره «مذهب امروز» ایتالیا



به نقل از بنیاد فارابی آخرین ساخته رسول ملاقلی پور که به همراه ۱۲ فیلم کوتاه و بلند از سینمای ایران از جمله؛ خدا نزدیک است (علی وزیریان)، مسیح (نادر طالب زاده)، آفتاب بر همه یکسان می‌تابد(عباس رافعی) و گرگ و میش (قاسم جعفری) در این جشنواره حضور داشت، توانست جایزه مذکور را در بخش مسابقه بین‌المللی با عنوان "روح ایمان" از آن خود کند.

مجتبی راعی کارگردان سینمای ایران به عنوان داور در این جشنواره حضور داشت و از میهمانان سرشناس حاضر در

این جشنواره، می‌توان به کریستف زانوسی فیلمساز لهستانی و جوزپه دکارلی روزنامه نگار اشاره کرد.

دیگر بخش های جشنواره عبارت بودند از بخش موضوعی "زن و دین"، "گفتگوی ادیان"، "وحدت"، "هنر و دین"، "اخوت و برادری"، "تصدیق و شهادت"، "دین و مدرسه"، "دین و حقوق بشر"، "پژوهش‌های کلامی"، "غمخواری و شفق"، همچنین علاوه بر بخش مسابقه سینمایی یک کارگاره بین‌المللی با عنوان کارگاهی برای همنشینی با حضور متخصصان عرصه سینما و خبرنگاران ادیان گوناگون در دو بخش مجزا برگزار شد.

نیلوفر» کلید خورد

با حضور تهیه‌کنندگان ایرانی و فرانسوی فیلمبرداری «نیلوفر» محصول مشترک ایران و فرانسه با بازی رویا نونهالی، هنگامه قاضیانی، صادق صفایی و بازیگران نوجوان فیلم در خوزستان آغاز شد. فیلمبرداری این فیلم در لوکیشن خانه نیلوفر آغاز شد. فیلمنامه «نیلوفر» که توسط کارگردان آن «سباین ژمایل» نوشته شده است داستان دخترکی عراقی و روستایی است که شوق ادامه تحصیل و پزشک شدن دارد و مناسبات خانوادگی در اطراف او به خصوص رابطه اش با عزیز -عموی گوشه گیر و چوپانش- ماجراهای فیلم را رقم می‌زند. بنابر پیش بینی صورت گرفته قرار است فیلمبرداری «نیلوفر» ظرف مدت دو ماه آینده در خوزستان ادامه داشته باشد. بازیگران این فیلم رویا نونهالی، شهاب حسینی، هنگامه قاضیانی، صادق صفایی، زهرا داوندژاد، نیره فراهانی و تورج فرامرزیان هستند که محمدرضا فروتن و امیر آقایی به عنوان بازیگر میهمان در این فیلم حضور دارند.

هفته نامه «تایم» در شماره جدید خود طی گزارشی فهرستی از ۲۵ فیلم ترسناک تاریخ سینما را منتشر کرد.

در این فهرست فیلم Shaun Of The Dead به عنوان ترسناک ترین فیلم تاریخ سینما انتخاب شد. این فیلم محصول سال ۲۰۰۴ از کشور انگلستان به کارگردانی «ادگار رایت» است. در فهرست ۲۵ فیلم ترسناک سینمای جهان از نگاه تایم قدیمی ترین فیلم انتخاب شده برای سال ۱۸۹۶ است که ورود قطار به لاسیوتات نام دارد که رتبه بیست و پنجم را در اختیار دارد. این فیلم ساخته «آگوسته لومیر» و محصول کشور فرانسه است. فیلم اژدهای سرخ محصول سال ۲۰۰۲ ساخته «برد راتنر» از امریکا با بازی «آنتونی هاپکینز» در رتبه دوم قرار دارد و Audition محصول سال ۱۹۹۹ ساخته «تاکاشی میکی» از کره و ژاپن نیز در مکان سوم ایستاده است. هفته نامه تایم فهرست دیگر فیلم های ترسناک منتخب را به شرح ذیل اعلام کرد:۴- مرگ مغزی(۱۹۹۲) ۵- مردی آن سوی خورشید (۱۹۸۸) ۶- پرواز(۱۹۸۶) ۷- غریبه (۱۹۷۹) ۸- هالووین (۱۹۷۸) -۱۹۷۸) کری (۱۹۷۶) -آرواره ها (۱۹۷۵) -قتل عام زنجیره ای تگزاس (۱۹۷۴) ۱۲- جن گیر (۱۹۷۳) ۱۳- شب مرده زنده (۱۹۶۸) -۱۴ضیافت خون (۱۹۶۳) -یکشنبه سیاه (۱۹۶۰) روانی ۱۷- peeping tom محصول سال ۱۹۶۰، ۱۸- حمله قاپ زن های جسد (۱۹۵۶) ۱۹- اهریمن (۱۹۵۵) ۲۰- بامبی(۱۹۴۲) ۲۱- عجیب الخلقه (۱۹۳۲) ۲۲- فرانکشتاین (۱۹۳۱) ۲۳- شبح اپرا (۱۹۲۵) ۲۴- نوسفراتو (۱۹۲۲) ۲۵- ورود قطار به لاسیوتات (۱۹۸۶)



وصال روحانی

بازیگرانی که کارگردان شده اند. . .



یک موج تازه در سینمای جهان، تعداد قابل ملاحظه ای از بازیگران آشنای سینما به پشت

رفته اند و شروع به کارگردانی و ساختن فیلم کرده

اند. بجز شون پن که با فیلم نیمه و سترن «به درون دنیای وحشی» چهارمین فیلمش را در مقام کارگردان تجربه و روانه سالن های سینمای جهان کرده است. باید به هلن هانت، دیوید شومیر ، کاتل گارسیا برنال و الیسون ایست وود اشاره کرد که به تازگی نخستین فیلم بلند سینمایی خود را به عنوان کارگردان رو کرده اند و آخرین دختر کلینت اسپت وود معروف است که دوبار اسکار برترین کارگردانی و بهترین فیلم سال را برده است. بنابراین باید پرسید چه چیزی بازیگران را به سمت کارگردانی می کشد و انگیزه آنان چیست؟

برخی می گویند؛ لکتفا به بازیگری پس از مدتی خسته کننده می شود و می خواهند چیز جدید و کامل تری را تجربه کنند. به گفته آنها پس از گذشت مدتی کوتاه رل های خوب پیشنهاد شده به آنان کاهش می یابد و اگر می خواهند در این حرفه ماندگار شوند چاره ای جز ساختن فیلم و کسب و اجرای خلافت های بیشتر ندارند. بعضی دیگر هم می گویند؛ جذابیت های کارگردانی و خلق یک فیلم و داستان، آنها را به سمت این حرفه می کشاند. تامی لی جونز بازیگر کهنه کار سینما و برنده اسکار نقش دوم مرد سال ۱۹۹۳ که در سال ۲۰۰۵ با فیلم «۳ مرتبه دفن ملکپادس استرادا» نخستین مورد کارگردانی اش را تجربه کرد و در صدد است ورسوین جدیدی از داستان «جزیره هایی در مسیر آب» نوشته ارنست همینگوی را به روی پرده ببرد، می گوید: «حسن کارگردانی این است که شما خالق و تعیین کننده همه چیز خواهید بود و کنترل تمام مسائل را در دست خواهید داشت. شاید عده ای آن را حرص به داشتن قدرت بنامند، اما منظور و هدف من داشتن کنترل برسوزه ای است که در دست دارید».

جورج کلونی که در سال ۲۰۰۵ به خاطر کارگردانی فیلم سیاسی- اجتماعی نیمه کلاسیک و سیاه و سفید «شب بخیر و موفق باشی» تحسین شد و فیلم جدیدش به نام «Leather heads» با تم ورزشی- کمدی با بازی رنه زل و یگر و جان کراسیشکی به تازگی اکران شده است، می گوید کارگردانی به او این امکان را می بخشد که حس و قوه فرماندهی و حکومت بر صحنه را که در اوایل دوران حضورش در سینما و در زمان بازیگری فاقد آن بود، به دست آورد. او در اواسط پائیز ۲۰۰۷ گفت: «در ابتدای کار حتی کسب عنوان یک بازیگر در فیلم نیز شما را به هیجان می آورد و اگر ندرخشید، خواهند گفت که شما مسئول آن روند بوده اید و حتی گاه این حرف صحت هم ندارد. به این ترتیب بهتر است که کارگردان شوید تا اگر آن شما انتقاد می شود، مسئولیت اش واقعا با شما باشد. من از کارگردانی بسیار خوشم آمده است، زیرا مثل نقاشی است و وقتی فیلمی را می سازید، هرچه روی پرده می رود، تعیین و خلق شده توسط شما است. وقتی بازیگر هستید، تنها نما و رنگی هستید که توسط نقاش و با دست او روی تخته نقاشی وی حک می شوید، اما وقتی کارگردانی می کنید خودتان به آن نقاش بدل می شوید که در مورد رنگ ها تصمیم گیری می کنید و هرچه را که اراده کنید، در مورد مرگ و زندگی اشیا روی تخته نقاشی منتقل می نمایید. این شما هستید که زندگی و مرگ را به عناصر می بخشید و لااقل اگر مسئولیتی را به شما نسبت می دهند، واقعا صاحب آن هستید.

هرچه هست، این حرفه بسیار جالب تر و خلاقانه تر از بازیگری است و دنیای وسیع تری دارد».

تا همین مقطع از سال ۲۰۰۷ و در فاصله کمتر از دوماه تا شروع سال ۲۰۰۸ بازیگران دیگری نخستین کارگردانی خود را تجربه کرده اند. ساراپولی با فیلم «دور از او» ، اتان هاوک با «گرمترین ایالت» و جولی دلیلی با «دو روز در پاریس» از این دست هستند. افراد دیگری هم هستند که کارگردانی را از نوجوبه کرده اند و سرآمد آنان رابرت رد فورده معروف است. مردی که با نخستین مرتبه کارگردانی اش «مردم عادی» اسکار برترین کارگردانی را در سال ۱۹۸۰ برد و «جنگ مزرعه لوبیای میلاکرو»، «مسابقه تلویزیونی» و «نچوگر اسب ها» را نیز ساخته است، با فیلم سیاسی جدید «شیروا به جای بره ها» مجددا قدم به عرصه فیلمسازی گذاشته و از بازی نامدارانی چون مریل استرپ و تام کروز در این فیلم سود جسته است. بن افلک با فیلم جنایی بسیار خوب «Gone baby Gone» که بازی برادر کوچک او کیسی افلک را در رل اصلی در بردارد، به همین افراد تعلق دارد و دنزل واشینگتن هم «بحث کنندگان بزرگ» را اکران کرده که خودش و فارست ویتی کر در آن بازی دارند. آنتونی هاپکینز بریتانیایی و قدیمی هم «Slipstream» را با بازی خودش رو کرده است. از پیتر برگ نیز فیلم «پادشاهی» اکران شده که جیمی فاکس و جینفر گارنر در آن بازی دارند.

هلن هانت که در سال ۱۹۹۷ به خاطر بازی در «بهترین شکل ممکن» جایزه اسکار بهترین بازیگر زن سال را برد، نخستین فیلمش را در مقام کارگردان به نام «آنگاه او، وی را پیدا کرد»، اکران کرده است. در این فیلم خود او، بت میدلر، کلین فرت و متیو برادریک بازی دارند. از کاتل گارسیا برنال مکزیکی هم فیلم «شگفت» روی پرده سینما منتقل شده که راجع به مشکلات طبقاتی در کشور اوست. «Rails and Ties» با کارگردانی ایست وود دختر کلینت ایست وود از دیگر وقایع جالب سینمایی پائیز امسال است. این یک کار دراماتیک است که کوین بیکن و ماریسا کی هاردن نقش های اول آن را ایفا کرده اند.

از کنت برنای شکسپیری و تئاتری فیلم «Sleuth»، برخاسته که بازسازی یک کار دهه ۱۹۷۰ و با بازی مایکل کین و جود لای در رل های اصلی همراه است. فرانک ویلی هم فیلم دراماتیکی به اسم «سرود نیویورک» را عرضه کرده و نقش های اصلی آن بر عهده فردی پرینز جونپور و کریس کلاین است. استوارت تاون زند فیلم «نبرد در سیاتل» با بازی چارلیز ترون، وودی هارلسون و اندره بنجامین را عرضه کرده است. دیوید شومیر هم فیلم جدید «بدو، پسر جاق، بدو» را اکران کرده است که سایمون پگ، تندی نیوتون و هنک آزاریا در آن بازی دارند.

شومیر که قبلا قسمت هایی از سریال تلویزیونی پرتطرفدار «دوستان» را نیز ساخته بود، می گوید: ورود بازیگران به عرصه فیلمسازی حس قوی آنها را به عنوان یک اکتور وارد حیطه کارگردانی می کند و این مسأله نه فقط غنای فیلم را بیشتر می سازد بلکه به بازیگران فیلم نیز یک نوع احساس رضایت و آرامش را می بخشد و به منزله قوت قلب برای آنها است.

«یادم نمی رود که سال ها پیش در یک فیلم کمدی شرکت کرده بودم و روی صحنه آمدم و دیدم که کارگردان دارد بد دهنی می کند و به یکی از دستیاران خود می تازد. صحنه به تشنج افتاده بود و این را می توانستید به طور کامل حس کنید. محیط سردی بود و شاید بدتر از آن نمی شد پیدا کرد. در چنان فیلمی کارگردان باید طوری عمل کند که بازیگران شاد باشند و احساس اطمینان کنند و نیازهایشان بر آورده شود، اما آن کارگردان اصلا چنان چیز هایی را برآورده نمی کرد، من سعی داشته ام در فیلم جدید این نیاز بازیگران را تأمین کنم و آرامش به آنها ببخشم».

جودی فاستر برنده دو اسکار بهترین بازیگر زن سال ۱۹۹۱ و ۱۹۸۸ معتقد است «بازیگران کارگردان شده» حس قوی تری از داستان و توانایی بیشتری برای دراماتیک کردن آن دارند، زیرا خودشان قبلا جلوی دوربین آن کار را کرده اند، حال آن که کارگردانی که قبلا بازیگر نبوده اند، این مهارت را ندارند. فاستر که فیلم های «تبت، بزرگرمرد کوچک» و «بازگشت به خانه برای تعطیلات» ساخته اوست، گفت: «بارها اتفاق افتاده که بهترین فیلم ها را کارگردانی ساخته اند که از بین بازیگران برخاسته و پیشتر فقط بازیگر بوده اند و نه افرادی که در دانشگاه ها درس کارگردانی خوانده اند و مدرک گرفته اند.

فکر می کنم تبدیل شدن بازیگران به کارگردانان از قابل اجرا ترین و موفق ترین انتقال ها و تغییرات باشد. بسیاری از افراد حاضر در این حرفه نمی دانند چرا یک حس قابل انتقال روی پرده هست و چرا دیگری نیست و بازیگران از قماش هستند که بخوبی می دانند و در نتیجه وقتی کارگردان می شوند، نیز از عهده این کار برمی آیند و می توانند چنان بازی و حس را از بازیگران فیلم خود بگیرند و روی پرده ببرند!!

هلن هانت که سال ها پیش در سریال تلویزیونی «دبوانه تو» مطرح شد و به سینما راه یافت و بیش از ۱۰ سال است در این مدیوم هم حضوری فعال دارد، می گوید: «به خودی خود دستور دادن به بازیگران برای این که این گونه باشند و یا نباشند، کاری سخت است، اما برای ما که خود بازیگر بوده ایم و هستیم و زبان هنرپیشه ها را می شناسیم، آسان تر است. ضمن این که ما به خاطر شناختی که نسبت به یکدیگر داریم، بسیار سهل تر و سریع تر می توانیم بازیگران مناسب برای فیلم های خود را بیابیم. حال آن که «کارگردانان غیر بازیگر» مجبورند جست وجوی بیشتری داشته باشند تا بازیگران مناسب برای کارهای خود را پیدا کنند و باید به حرف این و آن استناد نمایند. من بازیگرانی را برای فیلم خود استخدام کردم که به خودی خود بسیار توانا بودند و نیاز چندانی هم به راهنمایی، به جز مطلع بودن از تم داستان نداشتند. با این حال با آنها صحبت می کردم و سعی داشتم آنها را در محیطی قرار دهم که قصه می طلبید. در قیافه آنها نیز می شد به وضوح رضایت و فهم قصه را دید. من بیشتر به این سبب قادر به انجام این کار شده ام که خودم یک بازیگر بوده ام و در دفعات زیادی حس کرده ام که توسط کارگردان ها بد هدایت شده ام و می دانم که این ماجرا چقدر بد است. به همین سبب کوشیده ام که بیشترین حمایت و همراهی را با بازیگران فیلم خود داشته باشم و چنان ماجرابی در فیلم خودم تکرار نشود».



موسسه پذیرائی گلچین



مشاور ، طراح و برگزار کننده جشنهای شما
(عروسی - نامزدی - تولد - مهمانیهای خصوصی - مراسم عزاء)
تهیه بهترین و مجلل ترین سالن و
هتل با سرویس پذیرای کامل



با انواع غذاهای ایرانی-فرنگی و دریایی به همراه
(کیک - گل آرائی - ماشین عروس - سفره عقد - فیلمبرداری - عکاسی - موزیک زنده - میز - صندلی - سرویس رومیز)
گلچینی از بهترین تزئینات غذائی با مدرن ترین سرویس



Mob: 07904 515 081 - Tel / Fax: 020 3084 4620

www.golchin.co.uk

38 Glebe Road Stanmore HA7 4EL

E mail: info@golchin.co.uk

قبل از ارسال ارز خود حتما نرخ ما را بپرسید



پاسارگاد
Exchange
PASARGAD

Registration no: 12234004

شما می توانید ارز خود را به هر گوشه دنیا اعم از
ایران ، امارات ، اروپا ، ترکیه ، آمریکا و بالعکس به سرعت انتقال دهید
از دیگر خدمات ما خرید سکه طلا و مسکوکات می باشد

Tel: 020 8922 0002

020 8922 0001

077 8383 1841

Address:

164 Ballars Lane, Finchley Centre N3 2PA

www.pasargaduk.com

info@pasargaduk.co.uk



info@persianweekly.co.uk

گردشگری



قاسم آباد روستایی با رقصی متفاوت

■ گردآوری: فرشته کدیور

قاسم آباد یکی از روستاهای واقع در شرقی ترین قسمت گیلان و از توابع شهرستان رودسر می باشد که با اوشیان و سیاهکلرود به ترتیب از سمت شرق و غرب همجوار بوده و از سمت شمال و جنوب بین دریای مازندران و کوههای البرز محصور هست. قاسم آباد از دهات معمولی بزرگتر بوده و در واقع منطقه ای است با مجموعه ای از دهات یا محلات. بخش غربی قاسم آباد موسوم به قاسم آباد علیا شامل محلاتی چون جیر محله، جورمحله، کرد محله، آغوزکله، روکو، ملک میان، خانسر، بندین و بیچارپس. بخش شرقی موسوم به قاسم آباد سفلا شامل محلات چایخانسر، گالش محله، کلافه محله می باشد. قاسم آباد چون دیگر شهرها و روستاهای منطقه بین چالوس تا رودسر به سبب نزدیکی دریا و کوه از زیبایی خاص طبیعی برخوردار هست

کشت برنج، چای، مرکبات، کیوی، دامداری و پرورش کرم ابریشم، نمدبافی و تولید چادرشب پایه های اصلی اقتصاد قاسم آباد می باشند. به دلیل عدم حمایت از تولیدات داخلی و واردات بی رویه چون دیگر مناطق شمالی در قاسم آباد هم کشت برنج، چای و مرکبات دچار بحران بوده و مردم مجبور شدند زمینهایی را که شالیزار و باغات چای و پرتقال بودند به باغات کیوی تبدیل کنند. وضعیت پرورش کرم ابریشم نیز وخیم تر از دیگر عرصه ها ی تولیدی منطقه بوده و تقریباً رو به اضمحلال می باشد. اما مردم تلاشگر، خونگرم و مهمان نواز قاسم آباد، با وجود تمام مشکلات سعی می کنند هر لحظه از زندگی شان را با عشق، نشاط و سرزندگی بگذرانند. هنوز هم مراسم کشتی



گیری در تابستانها پابرجاست و هنوز دختران با لباس زیبای قاسم آبادی در عروسیها قاسم آبادی می رقصند.

قابل توجه است که روستای سیاهکلرود واقع در غرب قاسم آباد از نظر فرهنگ و آداب و رسوم و لهجه خاص زبان گیلکی فرقی با قاسم آباد نداشته و بیلاق جوردرشت یا جواهر دشت نیز سال ها اقامتگاه تابستانی مشترک دامداران این دو روستا که بسیاری از اهالی آنها خویشاوند هستند، می باشد

درباره تاریخ گذشته دور قاسم آباد، اطلاعات دقیقی در دست نیست. اما در منطقه جواهردرشت دفينه هایی که از حفاری های غیر تخصصی که اغلب جهت دستیابی به گنج، و اشیای قیمتی صورت می گیرد بدست آمده نشان می دهد که منطقه قبل از اسلام مسکونی بوده و به همین جهت هم اهالی از جاهایی که دفينه ای قدیمی درآوردند را، گبر گور، که نام قبرها یا اماکن بازمانده از دوران پیش از اسلام هست می نامند. متأسفانه به علت سادگی و بی غشی مردم راهزنان حرفه ای توانستند به راحتی آنها را فریب داده و به قیمت ناچیزی اشیای بدست آمده را که می توانستند بازگوی گوشه هایی از تاریخ منطقه و ایران باشند را از آنها خریده و به کلکسیونرهای از ما بهتران در خارج از کشور بفروشند.

روایت است که منطقه قاسم آباد به علت شجاعت و رزمندگی مردمانش همیشه مشکلی برای زورگویی های حکومت مرکزی و محلی در گیلان و مازندران بود. از آنجایی که فاصله بین کوه و دریا بسیار کم هست قاسم آبادی ها به راحتی می توانستند عبور و مرور نیروهای غیر خودی و متجاوز را از بالای کوه تحت نظر داشته و به موقع آنها را مورد یورش قرار دهند. قاسم آباد از محدود مناطقی بود که حتی تا زمان قاجار از دادن سرباز به نیروهای دولتی



زیبا بعنوان دکور و یا پاچراغی استفاده می شوند. چادر شب بافی نیز از صنایع دستی ویژه منطقه قاسم آباد و سیاهکلرود می



باشد. دختران و زنانی که لباس قاسم آبادی می پوشند چادر شب را دور کمر می بندند (به استثنای موقع رقصیدن). در گذشته چادرشب را فقط از ابریشم می بافتند، اما امروزه از نخ و کاموا هم بافته می شود. از چادرشب به عنوان روتختی، رختخواب پیچ، بقیه، زیرانداز، پرده، رومیزی، جلیقه و لباس هم استفاده می شود. زمینه چادرشب ها معمولاً سرخ یا سبز بوده و از رنگ های دیگر برای نقش و نگارهای روی آن استفاده می شود. طرح های روی چادرشب علاوه بر خطوط زیگزاگ سیاه و سفید شامل طرح هایی از اسب سوار، درخت، گوزن با شاخ های بلند، انسان و زن تاج دار نیز می باشند.

آباد کوچ دادند تا ترکیب جمعیت را عوض کرده و از دشمنی شان با حکومت مرکزی بکاهند. یکی از محلات قاسم آباد کرد محله نامیده می شود که البته کردی در آنجا نیست، زیرا کردها و گرجی هایی که به منطقه کوچ داده شده بودند بتدریج در جمعیت محلی مضمحل شده و گیلک شدند.

در اوایل دوره قاجار نیز وضع به همین منوال بود. مهدی بامداد در کتاب ۶ جلدی خود با عنوان تاریخ رجال ایران قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ چنین نوشته است: "که در سال ۱۱۹۶ که هدایت الله خان شفقی یا فومنی معروف به اتل خان رشتی حاکم گیلان بود و آغا محمد خان پادشاه قاجار به قصد دست یافتن به او مرتضی قلی خان برادر خود را به تسخیر گیلان و دستگیری او مامور نمود. هدایت الله خان میرزا صادق منجم باشی را با پیشکشی قابل ملاحظه ای برای مذاکره و مصالحه به نزد آغا محمد خان روانه ساخت و اتفاقاً وساطت او موثر افتاد و حکومت هدایت الله خان تایید و تنفیذ گردید و میرزا صادق از این پس با آغا محمد خان کاملاً مربوط شده و بعد ها خدماتی نسبت به وی انجام داد. و آغا محمد خان در ازای خدماتش آبادی قاسم آباد رودسر را به وی بخشید.

در زمان شاه عباس مردم قاسم آباد در محله بندن قلعه ای به ارتفاع هشت متر بالای کوه بنا کردند که از آنجا می توانستند براحتی جلگه بین کوه و دریا که باریکه ای بیش نیست را تحت نظارت داشته باشند. این بنا که به قلعه بندن معروف است امروزه یکی از جاذبه های گردشگری استان گیلان می باشد. شجاعت قاسم آبادی ها زبان زد همه در منطقه بود و امروزه هم اصطلاح "شا نظری" در موردشان استفاده می شود که منظور این است که حتی پادشاهان ایران هم از آنان حساب می بردند. امروزه اگر کسی بخواهد به قاسم آبادی ها زور بگوید به وی در مورد تحریک کردن "شانظری رگ" مردم که معرف سرسختی و عدم تمکین به ظلم و ستم می باشد هشدار می دهند. روایت است که وقتی در گذشته مردان به جنگ می رفتند نگاهیانی از گذرگاههای حیاتی و حتی دریافت مالیات از کسانی که می خواستند از منطقه عبور کنند به عهده زنان قاسم آبادی گذاشته می شد.

اما آشنایی بسیاری از ایرانیان با قاسم آباد مدیون شهرت لباس و رقص زیبای قاسم آبادی می باشد. لباس قاسم آبادی که ویژه زنان می باشد و تا حدود سی سال پیش تقریباً تمام زنان آنرا می پوشیدند امروزه به استثنای بخشی از زنان بالای چهل سال توسط جوان ترها فقط در عروسیها و دیگر جشنها و در موقع رقص قاسم آبادی پوشیده می شود. در المپیک آسیایی که در تهران قبل از انقلاب برگزار شد در مراسم افتتاحیه پیشاپیش ورزشکاران ایرانی عده ای دختر که گویا تعدادی هم از قاسم آباد بودند با لباس قاسم آبادی رژه میروند.

سه بخش اصلی لباس عبارتند از: پیراهن، تور دستمال(توری سفید که روی سر می گذارند)، دامن بلند یا دراز تنبان که دارای چین های فراوان و حدود ده نوار افقی موازی هم با رنگهای متنوع. رقص قاسم آبادی و کشتی(تا ده سال پیش) از مراسم ثابت و همیشگی در جشن های عروسی هستند.

کشتی گیری نیز از رسوم قدیمی و جا افتاده در منطقه می باشد. هرسال تابستان در جواهر دشت مسابقات کشتی گیله مردی با حضور صدها کشتی گیر از گیلان و مازندران برگزار می شود. از چهره های نامدار کشتی گیله مردی پهلوان ایرج یحیی پور معروف به "ازدهای گیلان" می باشد که حدود سی سال پیش از کشتی گیلان شکست ناپذیر گیلان و مازندران محسوب می شد و امروزه در مسابقات کشتی گیری در جواهردرشت و قاسم آباد داوری می کند.



info@persianweekly.co.uk



Abbey Claims
Professional Accident
management services

کلیه مشکلات خود را از ابتدا تا انتها به ما واگذار نمایید

دریافت خسارت کامل شما از بیمه و جلوگیری از بالا رفتن قیمت شما
تسهیلات ویژه برای رانندگان Minicab
اگر در حین کار دچار از کار افتادگی شده اید ما کلیه مزایای شما را دریافت می کنیم

DON'T GET CONFUSED
Had an accident?
NOT YOUR FAULT, CALL ABBEY CLAIMS

We will give you the best options

Personal Injury Compensation
Replacement Vehicle/PCO Licence
deliver to your door
Special Schemes for PCO registered drive
Loss of earning
Protection of no claim bonus
Recovery and Storage
Vehicle Repair
Criminal Injuries Compensation
Employment matters
Industrial Injuries / trips/slips



We even collect your documents if you have any difficulties.

In the event of a fault claim, we can offer a PCO licence registered vehicle to you at a competitive rate
Abbey Claims is authorised by the Ministry of Justice in respect of
regulated claim management activities.

صافکاری و نقاشی و دیگر تعمیرات ماشین با نازلترین قیمت با تخفیف ویژه جهت رانندگان Mini Cab
تحويل ماشین در محل و دریافت مدارک شما از محل

So don't delay contact us www.abbeyclaims.co.uk

020 7060 9577

LORD BUSINESS CENTER, 665 NORTH CIRCULAR ROAD, LONDON, NW2 7AX





info@persianweekly.co.uk

(گردآوری و تخلص: بهزاد - ر / از کتاب قصه های هزار و یک شب)

هزار و یکشب
داستانهای

بشتافتم. در آنجا دیدم که همه ظروف از زر و سیم است و ملک را به فراز تخت دیدم که وزرا و خادمان و سپاهیان به پیش او ایستاده همگی سنگی بودند و گوهرهای درخشنده بر آن تخت بود که چون ستارگان پرتو می دادند. پس به حرمسرای رفته ملکه را دیدم که تاج مُکَل و عقد مُرَصَّع و قَلَادۀ گوهرنشان و جامه های زرین او بحال خود بودند ولی ملکه سنگی سیاه شده بود. در آنجا دری یافتم از در بدرون شدم و از نردبانی که در آنجا بود فراز رفته ایوانی دیدم که فرشهای حریر و استبرق به آنجا گسترده بودند و تختی مرصع با در و گوهر در صدر ایوان دیدم که گوهرهای درخشنده تر از ماه تابان بر آن تخت بود. پس از آن به جای دیگر رفته عجایب بسیار دیدم که از دیدن آنها به دهشت اندر شدم و حیران می گشتم تا شب درآمد. خواستم از قصر به در آیم راه نشناختم. در مکانی که تخت بر آن بود بخفتم.

چون نیمی از شب برفت آواز تلاوت قرآن شنیدم. در حال برخاسته بدان سو رفتم. عبادتگاهی یافتم که قندیل آویخته و شمعها سوخته و سجاده گسترده اند و جوانی نیکو شمایل در آنجا به تلاوت مشغول است. مرا از آن جوان عجب آمد که چگونه مردم شهر بجز این جوان همگی سنگ سیاهند. پس نزدیک آن جوان رفته سلامش دادم. رد سلام کرد. گفتم: پرسشی از تو خواهم کرد و بدین قرآن که می خوانی سوگندت می دهم که براستی پاسخ ده. آن جوان تبسمی کرده گفت: نخست تو بازگو که بدین مقام چگونه آمدی؟ من ماجرای خویش بیان کردم و از احوال مردم شهر پرسیدم. مُصَحِّف بر هم نهاد و مرا پیش خود خوانده بنشانند. دیدم که آن پسر در نکوئی چنانست که شاعر گفته:

نگار سرو قدّ ماه منظر
درود از جان من بر جان آذر
مریزاد آن خجسته دست بُنگر

پری چهره بتی عیار و دلبر
اگر آذر چو تو دانست کردن
اگر بتگر چو تو بت برنگارد

من تیر محبت او خورده دل به مهرش سپردم و از حکایت مردم شهر باز پرسیدم.

گفت: پدر من ملک شهر بود و او همانست که به فراز تخت، سنگ شده و مادرش همان بود که به حرمسرای اندر بدیدی. پدر و مادرم و مردم شهر ستایش پروردگار نکردند و آتش می پرستیدند و به ماه و هور سوگند یاد می کردند. ولكن در خانه ما پیرزنی بود خداپرست که دین خود آشکار نمی کرد و پدرم به امانت و پاکدامنی او اعتماد تمام داشت و مرا بدو سپرد که تربیت احکام دین مجوسم بیاموزد. او احکام دین اسلام و تلاوت قرآن به من بیاموخت. من نیز دین خود پوشیده می داشتم تا اینکه مردم در کفر طغیان کردند.

روزی از هاتفی شنیدیم که گفت: ای مردمان این شهر، از پرستش آتش بازگردید و خدا را پرستید. مردم ترسیدند و به پیش ملک آمدند. پدرم گفت: از آواز هاتف نترسید و از دین پدران برنگردید. مردمان به سخن ملک اعتماد کردند. سالی به همین منوال آتش پرستیدند. چون سال دوم بر آمد همان آواز نخستین بشنیدند و از کردار ناصواب خویش بازنگشتند. سال سیم باز آواز بشنیدند از کفر بازنگشتند. خشم خدایتعالی ایشان را فرو گرفت همه سنگ سیاه شدند و از آن روزی که این حادثه روی داده من به نماز و روزه و تلاوت عمر می گذارم و از تنهایی بی ملولم. من گفتم در بغداد حکیمان و دانشمندان هستند اگر تو بدانجا روی علم بیندوی و حکمت بیاموزی و من نیز از کنیزکان تو خواهم بودن، بدانکه من هم بزرگ تبار و خداوند غلام و کنیزم و کشتی کشتی کالای قیمتی با خود آورده ام، قضا کشتی ما را بدین سوی کشانید تا من و تو یکدیگر را ببینیم. پس من او را به بغداد ترغیب کردم او خواهش من پذیرفت.

ادامه دارد ...

چون قصه بدینجا رسید بامداد شد و شهرزاد لب از داستان فرو بست.



چون شب پانزدهم بر آمد

شهرزاد گفت: ای ملک جوانبخت، گدای سیم گفت: ای خاتون من به فراز کوه بردم و سلامت خویش شکر گذاردم و به میان قبه رفته در آنجا بخفتم. از هاتفی شنیدم که گفت: ای فلان، چون از خواب برخیزی خوابگاه خویش بکن و کماتی با سه تیر که طلسمها بر آن تیرها نوشته اند در آن مکان پدید آید. آنها را بیرون بیاور و آن سوار را که به فراز قبه است با تیر بزن تا از هم فرو ریزد و مردم از این بلیت برهند و چون سوار را بزنی او به دریا افتد. تو کمان را در جایی که بود در زیر خاک پنهان کن هر وقت که بدینسان کنی آب دریا بلند گشته با سر کوه یکسان شود. آنگاه زورقی پیش تو آید و در آن زورق شخصی بیینی، با او به زورق بنشین که به ده روز ترا به کنار دریا برساند. آنجا نیز کسی را خواهی یافت که ترا به شهر خود برساند ولی در این ده روز که به زورق نشستهای نام خدا به زبان میر.

پس من شادان از خواب برخاستم و بدانسان که هاتف گفته بود کردم و ده روز در زورق بودم که جزیره های نمایان شد. من از غایت خرسندی تکبیر و تهلیل گفتم. در حال آن شخص مرا از زورق به دریا افکند. من شنا کرده خود را به جزیره ای رساندم. آن شب را در همانجا بخیسیدم. بامداد برخاستم ولی راه بجائی نمی دانستم و حیران به هر سو می رفتم و گریان بودم و نجات از خدایتعالی می خواستم که یکی کشتی پدید شد. از بیم فراز درخت بر شدم. چون کشتی به ساحل در رسید ده تن غلام از کشتی به در آمده در میان جزیره زمین را بکندند و خاک به کنار کردند. طبقی چوبین پدید شد، طبق برداشتن دری گشوده شد. آنگاه به کشتی بازگشته نان و خربزه و آرد و روغن و عسل و گوسفند از کشتی به در آورده بدانجا بردند. پس از آن غلامان به در آمدند و جامه های نیکو به در آوردند و در میان ایشان پیروی بود سالخورده و بلند بالا که از غایت پیروی نزار گشته و دست پسر ماه روی و مشکین موئی در دست داشت و می رفتند تا از دیده نهان گشتند. من از درخت به زیر آمده خاک از روی دریچه برکنار کردم و طبق چوبین برداشتم. دریچه پدید آمد از آنجا به اندرون شدم و از نردبانی به زیر رفتم و به فراخنائی رسیدم که از آنجا دری به باغی گشوده می شد و از آن باغ دری به باغ دیگر گشوده می شد تا سی و سه باغ و در همه آنها درختان بارور و گلهای رنگین چندان بود که در وصف سخندان نمی آمد و در آخرین باغ دری دیگر یافتم بسته. چون در گشودم اسبی دیدم زین کرده. نزدیک رفته بر اسب نشستم. اسب بر هوا شد و مرا به فراز خانه ای گذاشته دم خویش بر یک چشم من بزد. در حال چشم نابینا شد و اسب از من ناپدید گردید. من از فراز خانه به زیر آمده ده تن جوان برهنه دیدم. از ایشان اجازت نشستن خواستم، مرا منع کردند. از پیش ایشان غمین و گریان به در آمده شبانه روز راه می سپردم تا به دارالسلام رسیدم و به گرمابه اندر شدم. زنج بتراشیدم و بصورت گدایان بر آمده در شهر بغداد می گشتم که این دو گدا را دیدم. به ایشان سلام کردم و غریبی خویش بنمودم. ایشان گفتند: ما نیز غریبیم. پس سه تن یار گشته بدین مقام گذارمان افتاد و سبب نابینائی یک چشم من این بود.

دختر گفت بند از این هم بردارید. پس از آن دختر روی به خلیفه و جعفر و مسرور آورده گفت: شما نیز سرگذشت خویش را بیان کنید.

جعفر گفت: در وقت آمدن گفتیم که ما بازرگانان طبرستانیم از مهمانی بازرگانی بازگشته راه منزل گم کرده بودیم. دختر چون سخن جعفر بشنید و ادب او بدید گفت: شما را به یکدیگر بخشیدم.

پس همگی بیرون آمدند. خلیفه گدایان را به جعفر سپرد که از آنها پذیرائی کند و خود به مَقَرّ خویش بازگشت. چون آن روز برآمد خلیفه بر تخت نشست سه دختر و سه تن گدا و آن دو سک را بخواست. چون ایشان را حاضر آوردند خلیفه به دختران فرمود چونکه از ما در گذشتید ما نیز به پاداش آن از شما در گذشتیم. اگر مرا نشناختید اکنون بشناسید که هارون الرشیدم و بجز راستی سخن نگوئید. دختران گفتند: ای خلیفه ما طرفه حدیثی داریم.

چون قصه بدینجا رسید بامداد شد و شهرزاد لب از داستان فرو بست.

چون شب شانزدهم بر آمد

حکایت بانو با دو سگش

شهرزاد گفت: ای ملک جوانبخت بزرگترین دختران پیش آمده زمین ببوسید و گفت: من طرفه حکایتی دارم و آن این است که این دو سگ خواهران پدری منند و من مِهَتَر خواهرانم. چون پدر ما بمُرد پنج هزار دینار زر به میراث گذاشت. خواهران من جهیزیه گرفته هر کدام به شوهری رفتند. پس از چندی شوهران نقدینه ایشان بشتند و کالا خریده با زنان به بازرگانی برفتند. چهار سال به غربت اندر بسر بردند و سرمایه تلف کردند. شوهران از ایشان دست برداشته برفتند و ایشان بصورت درویشان پیش من آمدند از بس که بی سامان بودند من بزمحت ایشان را بشناختم و از حالت ایشان باز پرسیدم. گفتند: قصه باز گفتن سودی ندارد سرنوشت این بوده است. من ایشان را به گرمابه فرستاده جامه ببوشاندم و ایشان را به بزرگی برگزیدم. گفتم من خواسته بی شمر دارم همه مال از آن من و شماس. پس همه روزه در نیکی و احسان به ایشان می افزودم تا سالی بر این بگذشت.

ایشان از مال من مالی اندوخته گفتند که ما را شوی باید. گفتم: مرد خوب به جهان اندر نایابست، شما شوهر گرفتید و آزمودید، دیگر بار شوی کردن سودی ندارد. ایشان سخن نپذیرفتند. من از مال خویش جهیز گرفته ایشان را شوهر بدادم. هر کدام با شوهر برفتند. پس از چندی شوهرها ایشان را فریب داده آنچه که داشتند بستند و ایشان را به سفر برده در میان راه از ایشان دست برداشته برفتند. ایشان برهنه بازگشته پیش من آمدند و عذر خواسته پیمان بستند که دیگر نام شوهر به زبان نیاورند.

من عذر پذیرفته بیش از پیش به ایشان احسان می کردم تا اینکه سالی بر این بگذشت و من کالای فزون خریده به قصد بصره به کشتی نشستم و خانه به ایشان سپردم. ایشان گفتند: ما طاقت جدائی تو نداریم. من ایشان را نیز با خود به کشتی نشاند شبانه روز می رفتیم تا اینکه ناخدا غفلت کرد و کشتی از راه به در شد. پس از چند روز شهری پدید گشت. از ناخدا پرسیدیم که: این کدام شهر است؟ گفت: نمی شناسم و تمامی عمر در دریا کشتی رانده ام و هرگز این شهر را ندیده بودم، اکنون که بدینجا آمده ایم شما کالای خویش به شهر برده بفروشید اگر خریدار نباشد دو روز برآسوده توشه بگیرید پس از آن کشتی به سوی مقصد برانیم.

پس ناخدا برخاسته به شهر رفت. در حال باز گردیده گفت برخیزید و به شهر آئید و قدرت خدایتعالی را ببینید. آنگاه ما به شهر رفته دیدیم که مردم شهر همگی سنگ سیاه شده زر و سیم و دیگر کالای مردم جابجا مانده است. ما را عجب آمد. همه از یکدیگر جدا گشته از بهر تَفَرُّج شهر به هر کوی و برزن برقتیم و من به سوی قصر ملک

مدرسه فارسی اوستا
در کینگستون

کلاسهای فارسی و GCSE

کلاسهای ورزش: ابرویکس، بدنسازی، شکم و کمر توسط مربی
تایید شده از:

REPs (registered exercise professionals)

رقص کلاسیک ایرانی ، تکواندو و خط و نقاشی

The Quaker Meeting House
Eden Street 78

Kingston Town Centre (Next to Primark)

avesta_farsi@hotmail.co.uk

تلفنهای تماس:

020 8241 3833

079 3088 6194

نامی مطمئن و پیشرو

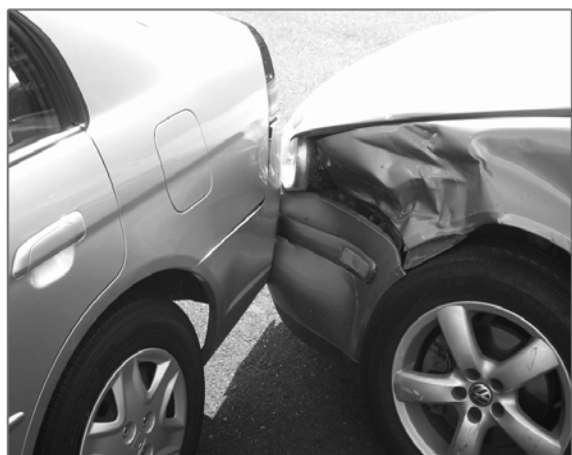
5 STAR SAT

ساتلایت ۵ ستاره

کنترل کلیه کانالها از هر جای منزل بدون نیاز به سیم کشی

نصب آنتن تلویزیون و نصب تلویزیون پلاسما

نصب و راه اندازی کانالهای ماهواره ای در تمام نقاط انگلستان

نصب و تبدیل سیستم ثابت و موتورایزر
جهت دریافت هزاران کانال افغانی، فارسی
کردی، عربی، ترکی و اروپاییTel: 020 8395 3114
Help Line: 07817 690 167Technomate
Your Digital Partner For Lifeآریانا TV از کابل
آریانا افغانستان از آمریکابا سپردن کلیه مشکلات خود در امور تصادفات به
کادر مجرب Signature Claim آسودگی خاطر خود را تضمین نمایید.تصادف کرده اید و فکر میکنید مقصر نیستید؟
در موقع تصادف سرنشین بوده اید؟
جهت دریافت خسارت از بیمه دچار مشکل شده اید؟
آیا دچار حادثه در محل کار یا خیابان شده اید؟
آیا راننده تاکسی هستید و ماشین PCO لازم دارید؟
با یک تلفن به کمپانی Signature Claim می توانید به همه خواسته های خود دست یابید.برای اطلاعات بیشتر با آقای محمد عزیزی
تماس حاصل فرماییدتعویض اتومبیل تصادفی شما رفع مشکلات دریافت خسارت
جلوگیری از افزایش قیمت بیمه قرار ملاقات در محل مورد نظر شماSignature
ACCIDENT CLAIM HELPLINE LTD

Tel: 020 8202 2822 08000 470 940

5Park Road, West Hendon, London, NW4 3QB

07958 192 192

azizi@signatureclaims.co.uk



info@persianweekly.co.uk

اقتصاد



پرش ۸ دلاری

با پرش ۸ دلاری طلا، این فلز گرانبها رکورد جدیدی را ثبت کرد. قیمت هر اونس طلا در بازارهای جهانی به ۷۹۳ دلار رسید. طلا در حالی به این ارزش رسید که طی چند روز گذشته که آخرین روزهای کاری هفته میلادی بود در نرخ ۷۸۵ دلاری و با ثبات نرخ معامله شد.

با وجود توقف دو روز گذشته طلا صعود ۸ پلکانی آن از مبلغ ۷۸۵ به ۷۹۳ دلار کمی غیرمنتظره بود. روز گذشته با پرش ۸ پله یی طلا، بازاریان مهوت و سردرگم به معاملات خود ادامه دادند و زمره هایی هم از سوی آنها در مورد علل این رشد به گوش می رسید. همان طور که از چندی پیش عنوان شد سقوط آزاد دلار، افزایش بی سابقه ارزش نفت و چالش های سیاسی دولت امریکا علل اصلی پرواز طلا است. سیاست های غیردوستانه و غیراخلاقی امریکا در منطقه خاورمیانه، تشنجات مرزی کشورهای عراق و ترکیه زمینه لازم برای سقوط دلار را فراهم کرد و بدین ترتیب یکی از سکوهای پرش طلا فراهم شد. در حالی که دلار در سرانشی قرار گرفته و این روند همچنان ادامه دارد طلا و نفت به مثابه دو دوست قدیمی و گرانبها، این پول را در زیر پاهایشان لگدکوب می کنند و بیشترین نفع را در این میان می برند. افزایش بی سابقه قیمت نفت و طلا موجب افزایش نگرانی های بین المللی در خصوص کاهش رشد اقتصادی و افزایش نرخ تورم اقتصاد جهانی شده است. گسترش تنش در مرزهای ترکیه و عراق و بحث تحریم های تجاری امریکا ضد ایران نیز از جمله علل مهم افزایش قیمت نفت و طلا اعلام می شود. قیمت هر اونس طلا در بازار نیویورک برای تحویل فوری به بیش از ۷۹۳/۵۵ دلار رسید که این رقم از ژانویه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون سابقه نداشته است. بر اساس این گزارش، ارزش دلار امریکا در برابر دلار کانادا نیز به شدت کاهش یافت و به پایین ترین رقم خود طی ۳۳ سال گذشته رسید.



رشد ۸ دلاری طلا در اونس باعث شد تا بازار طلای تهران نیز دستخوش تغییر شود. به یمن افزایش نرخ طلا بازارهای جهانی قیمت هر سکه تمام بهار آزادی را به قیمت ۱۹۶ هزار و پانصد تومان ارزش گذاری کردند. قیمت سکه طرح جدید نیز به تبع این صعود به قیمت ۱۸۶ هزار و پانصد تومان رسید. قیمت هر سکه طرح جدید نسبت به روز یکشنبه ۵ هزار و پانصد تومان افزایش یافت. نیم سکه نیز با رشد سه هزار تومانی و ربع سکه با پرش ۷۰۰ تومانی به ترتیب به قیمت های ۹۴ هزار و ۴۷ هزار و پانصد تومان رسیدند. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز با ۲۵۰ تومان رشد به مبلغ ۱۸۱۵۰ تومان رسید. محمد کشتی آرای نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران در خصوص رشد بی سابقه قیمت طلا گفت: «با توجه به شرایط اقتصادی جهان رشد طلا در سال جاری تا سقف ۸۰۰ دلار در اونس قابل پیش بینی بود، اما با شدت گرفتن عوامل این رشد، در حالی که طلا در آستانه ۸۰۰ دلار قرار دارد، پیش بینی آینده این فلز بسیار دشوار است.» وی افزود: «روند طبیعی بازار در مورد طلا این گونه بود که معمولا پس از اینکه قیمت طلا کمی کاهش پیدا می کرد، صعود مجددی در پیش بود اما در این برهه زمانی طلا بدون عقبگرد و با سرعت رشد کرده است و این موضوع پیش بینی روزگار آتی این فلز را دشوار و حتی غیرممکن می کند.» کشتی آرای در مورد نوسانات افزایشی بازار طلای تهران گفت: «بازار طلای تهران متأثر از افزایش نرخ طلا در بازارهای جهان قیمت های بالاتر از حد معقول خورد.» وی اضافه کرد: «با توجه به طلای ۷۹۳ دلاری قیمت مسکوکات بالاتر از حد معقول رفته و در واقع با احتساب نرخ روز گذشته طلا، قیمت سکه های تمام حدود ۵ تا ۶ هزار تومان گران تر است. به طور مثال قیمت سکه طرح جدید باید ۱۸۱ تا ۱۸۲ هزار تومان باشد اما به دلیل تاثیرپذیری بازار از علل داخلی قیمت مسکوکات به بالاتر از حد معمول رسید.» به گفته نایب رئیس اتحادیه صنف طلا و جواهر تهران سقوط دلار، صعود نفت، افزایش خریدهای فصلی و افزایش میزان مصرف طلا از عمده دلایل رشد قیمت طلا است. وی اضافه کرد: «میزان مصرف سرانه طلا در دنیا افزایش پیدا کرد، چنانچه دویی به عنوان یکی از مبادی طلای جهان اعلام کرده است که میزان مصرف مصنوعات طلایی در این کشور ۵۵ درصد افزایش یافته است.» کشتی آرای ادامه داد: «البته سقوط دلار، صعود نفت و تقارن این اتفاقات با افزایش مصرف نیز مزید بر علت شده و رشد طلا را سهل تر از قبل کرده است.» با وجودی که طلا و نفت در حال رشد و افزایش قیمت هستند، اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی امریکا موجب افت ارزش این پول در بازارها شده است. بازار روز گذشته نیز متأثر از این اوضاع به معاملات خود پایان داد. در معاملات بازارهای جهانی ارزش دلار نسبت به سایر ارزها کاهش یافت. کاهش ارزش دلار در بازارهای جهانی و ثبات ارزش این ارز در برابر ریال تهران موجب افزایش نرخ یورو شد. در حالی که دلار تغییری نداشت و به نرخ روزهای گذشته به قیمت ۹۳۷۰ ریال معامله می شد، یورو با افزایش ۴۰ ریالی نسبت به روز یکشنبه به قیمت ۱۳۵۳۰ ریال رسید.

فرش ایرانی و عدم نگرانی از تحریم

خبرگزاری رویترز گزارش داد، تولید کنندگان فرش در ایران معتقدند تحریم های امریکا نمی تواند برای صنعت فرش این کشور که سابقه ۲۵۰۰ ساله دارد، مشکلی ایجاد کند.

یکی از تولید کنندگان فرش در ایران که هر قطعه فرش خود را با قیمت بیش از ۵۰ هزار دلار به فروش می رساند می گوید: فرش های ایرانی می تواند با فرش های ارزان آسیایی به رقابت بپردازند و حتی در برابر تحریم های امریکا مقاومت کنند.

فرش یکی از مهمترین محصولات صادراتی ایران است که از نظر مواد اولیه هیچ وابستگی به خارج ندارد. این محصول با مواد اولیه طبیعی و با رنگ های طبیعی به دست زنان روستایی بافته می شود.

به رغم قیمت بالای فرش ایرانی در برابر فرش های آسیایی تولید کنندگان ایرانی به هیچ وجه سعی نکرده اند دست به تولید فرش های ارزان قیمت بزنند. آن ها معتقدند فرش ایرانی هر قدر گران باشد به دلیل کیفیت منحصر به فرد خود با استقبال رو به رو خواهند بود.

فرش ایرانی که عمدتاً به مقصد امریکا و آلمان فرستاده می شود در کنار نفت یک محصول مهم صادراتی ایران و آمیخته با هویت این کشور است. در عین حال استقبال نه چندان قابل توجه از نمایشگاه بین المللی فرش که چندی پیش در تهران برگزار شد حکایت از آن دارد که این صنعت با چالش های بسیاری در ایران مواجه است.

تجار ایرانی فرش های ارزان قیمت هندی، پاکستانی و چینی و کپی برداری از نقش های ایرانی را علت کاهش استقبال از فرش ایران می دانند.

اگر چه ایران گران ترین فرش ها را به بازار عرضه می کند این کشور در میان تولید کنندگان فرش (اعم از ماشینی و دست بافت) طی پنج سال پنج پله سقوط کرده است. اکنون این کشور در صنعت ۱۰ میلیارد دلاری فرش جایگاه هشتم را به خود اختصاص داده است. بلژیک در راس این رده بندی قرار دارد.

در عین حال یک تاجر ایرانی معتقد است وضعیت صنعت فرش ایران در سال قبل بهتر بوده است. او تاکید می کند هیچ بحرانی در صنعت فرش ایران وجود ندارد.

برخی دیگر از افزایش قیمت مواد اولیه و دستمزدها شکایت می کنند و در نتیجه این امر قیمت محصولات خود را بالا برده اند.

تحریم های امریکا می تواند مشکل دیگری برای صنعت فرش ایران باشد. کنگره این کشور در ادامه تلاش های خود برای اعمال فشار به ایران طرحی را ارائه کرده است که در صورت تصویب، صادرات ایران به امریکا ممنوع می شود.

در سال ۲۰۰۰ رئیس جمهور وقت امریکا ممنوعیت صادرات ایران به امریکا را لغو کرد.

طرح ممنوعیت مجدد صادرات ایران به امریکا در ژوئن سال جاری به اتفاق آرا در یکی از کمیته های کنگره به تصویب رسید. کنگره هنوز این طرح را تصویب نکرده است.



کارخانه جدید تویوتا در ژاپن

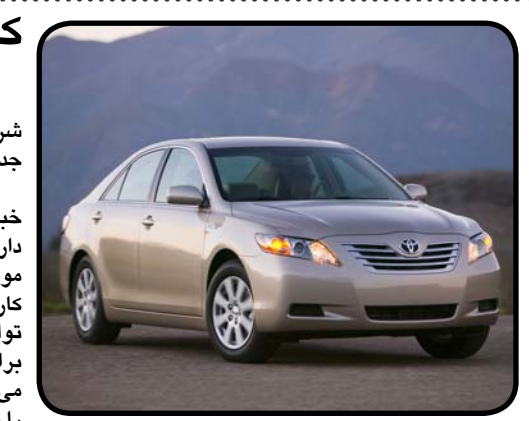
شرکت خودروسازی تویوتا اعلام کرد، قصد دارد پس از گذشت یک دهه کارخانه جدیدی در ژاپن احداث کند.

خبرگزاری رویترز ضمن اعلام این خبر افزود: کارخانه کنونی بیش از ۵۰ سال عمر دارد و برای پاسخگویی به تقاضای بازار ژاپن بسیار کوچک است. کارخانه جدید موجب افزایش بهره وری و کارایی در روند تولید خودروهای تویوتا خواهد شد. کارخانه جدید تویوتا از سال ۲۰۱۰ میلادی فعالیت خود را آغاز خواهد کرد. ظرفیت تولید این کارخانه ۱۲۰ هزار دستگاه در سال خواهد بود.

برای احداث و راه اندازی این کارخانه بیش از ۵۰ میلیارد ین سرمایه گذاری انجام می شود. تویوتا برای تبدیل شدن به بزرگترین خودروساز جهان، رقابت تنگاتنگی را با جنرال موتورز آمریکا آغاز کرده است.

شرکت گوگل از یک شرکت رایانه ای تایوانی و شرکت ال جی خواست تا به منظور همکاری در این طرح های جدید به ساخت گوشی هایی مجهز به سیستم عامل موبایل گوگل بپردازند. علاوه بر این از شرکت های خدمات رسانی بی سیم Verizon و T-mobile امریکایی نیز درخواست کمک کرده است.

همکاری شرکت گوگل با دومین شرکت خدمات رسانی بی سیم در امریکا Verizon تعداد ۶۳ میلیون و ۷۰۰ هزار کاربر را به جمع مشترکین گوگل می افزاید. در صورت تکمیل موفقیت آمیز این طرح ها در اواسط سال ۲۰۰۸ گوگل وارد تلفن های همراه شده و به هدف خود خواهد رسید.



ارائه خدمات گوگل در تلفن های همراه

شرکت گوگل به منظور جلب نظر مشتریان بیشتر قصد دارد، خدمات خود را به کاربران تلفن همراه نیز ارائه دهد. این شرکت، خدمات موتور جستجوگر و نرم افزارهای اینترنتی خود را از جمله نقشه گوگل، فایل های تصویری YouTube، سرویس پست الکترونیکی Gmail و سایر ابزارها را در تلفن های همراه ارائه می دهد.

شرکت گوگل به منظور موفقیت در این مسیر باید از موانعی که شرکت های خدمات رسانی بی سیم امریکایی بر سر راه آن قرار داده عبور کرده و از قوانین امنیتی و حفاظتی تلفن همراه نیز پیروی کند.

صادات فرش ایران در سال ۲۰۰۵ به ۶۳۵ میلیون دلار رسید.

مقامات ایران معتقدند در صورت تصویب چنین طرحی روند صادرات فرش ایران به امریکا متوقف نمی شود و خریداران امریکایی فرش ایران از راه های دیگر این محصول را خریداری می کنند.

جلال الدین بسا مدیر عامل صنعت فرش ایران با تاکید بر این موضوع گفت تجارت گذشته نشان داده است این گونه اقدامات تاثیری منفی بر صنعت فرش ایران که سابقه آن به ۲۵۰۰ سال قبل برمی گردد ندارد.



مدرسه چیستا

(فرشته دانش و خرد)



هر هفته روزهای شنبه
از ساعت 12 نیم روز
پذیرای شما می باشد.

هیچ می دانید که روش تدریس زبان فارسی بطورکلی عوض شده است؟؟
کادر مخصوص مدرسه چیستا متعهد است که با شیوه جدید، فرهنگ و تاریخ ایران
زمین را به همراه زبان شیرینش به فرزندان شما بیاموزد.

این شیوه ها از سوی آموزگاران چیستا همچون خانم دکتر مریم بهنام و
آقای دکتر زرتشت ستوده (ایرانشناس، پژوهشگر و نویسنده) آموزش داده می شود.

- کلاسهای آموزشی از آمادگی تا GCSE و A Level
 - کلاسهای آموزش فارسی برای بزرگسالان
 - آموزش زبان های ایران باستان (پهلوی-اوستا)
- دانشجو می پذیرد.

Q K Quintin - Kynaston
Marlborough Hill St, Johns Wood
NW8 0NL

جهت اطلاعات بیشتر با تلفنهای :

020 8442 8818 - 077 1989 5896



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید

برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

قبله‌ی گربه‌های عالم

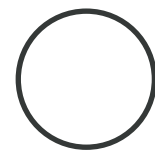
روزنامه خاطرات سفر ببری‌خان به فرنگستان



برگی از یک وبلاگ

نگاه طنز ناصر خالیدیان به جامعه، فرهنگ و رسانه‌ها

www.noqte.com



نقطه

ت ه خ ط!

بسیار بی‌هنرند. چند کُرت هم این هنر نازل و آن گربه‌ی قرشمال را تشویق نمودند.

بعد یک گربه با لباس فراک آمد روی صحنه و به اتفاق گربه مزغونچی‌های فرنگی چیزهایی به زبان گربه‌فرنگی خواند که چرت‌مان گرفت. گفتیم این «میوباشی» آوازه‌خوان حنجره‌طلایی ما برود روی صحنه از طرف ما قطعه‌ای اجرا کند که بفهمند آواز چیست.

میوباشی رفت و در دستگاه راست‌پنجولگاه قطعه‌ای خواند که تنها بیست دقیقه‌ای اولش تحریر می‌او کشدار بود و بسی محظوظ شدیم. کار که تمام شد دیدیم کسی تشویق نمی‌کند و همگی از سالن بیرون رفته‌اند. گفتیم که این جماعت گربه فرنگی بی‌هنرند.

■ سه‌شنبه چهارم نیسان

از طرف دانشگاه «کتی‌بیا»ی پاریس دعوت‌مان کردند برویم خطابه بکنیم. این دانشگاه کتی‌بیا بسیار معتبر است و از دانشگاه گربشتاین آلمانیا و کتسفورد انگلیز هم قدیمی‌تر است. تعلق خاطر ما نیز خطابه و نصیحت خلایق است ولو در دیار کفر باشد.

رئیس دانشگاه «کتی‌بیا» گربه‌ی سیبیلوی دم‌درازی بود که با آمدن ما رفت پشت منبر و از برای خوشامد و خیرمقدم چیزهایی به زبان گربه فرنگی عرض کرد بدین قرار:

– فاک داگ میو پیشته میشته بیجته ماوو... و الی آخر

ما نیز گفتیم باید جواب این را باید بدهیم وگرنه می‌گویند چه سلطان نادانی است این که زبان فرنگی نمی‌داند. پس بر منبر دانشگاه رفته و فرمودیم:

– ما که ملتفت نشدیم شما چه عرض کردید ولی عجلالتاً بر لحد ابوی مکرم‌تان غائط غلیظ باد.

■ چهارشنبه پنجم نیسان

ما را بردند میدان کتکورد از ارتش گربه‌های فرنگستان سان ببینیم. به اتفاق کنت کتیه و همراهان در جایگاه نزول اجلال فرمودیم. ارتش گربه‌های فرنگستان با سلاح‌های زرق و برق‌دار و کلاه خود و یک عالم تجهیزات و ادوات جنگی در برابر چشمان ملوکانه‌مان رژه رفتند.

به پنجول‌السلطنه وزیر جنگ می‌فرماییم: این فرنگستان که امن و امان است. این همه قشون و اسلحه می‌خواهند چکار اینها؟

پنجول‌السلطنه عرض می‌کند: فدایت شوم اینها محض بازارگرمی است. اینها می‌سازند تا ما بخریم و در محاربه با یکدیگر استفاده کنیم وگرنه فرنگی جماعت دنبال منافع خود است، چه گربه باشد چه آدمیزاد.

ما که ملتفت نشدیم پنجول‌السلطنه مقصودش چه بود ولی از این قشون تله‌موش فرنگی‌ها خوش‌مان آمد. یادمان باشد بدهیم چند تا از این تله‌موش‌ها برای قشون‌مان ایتباع کنیم که خوب سلاحی است و ما را از سر به دنبال موش گذاردن خلاص می‌کند. فقط اشکالش این است که برای هر تله‌موش باید کلی موجب مستشار پتیر و مستشار فتر و مستشار تله‌شناسی بدهیم.

■ پنج‌شنبه ششم نیسان

«ملوس‌السلطان» ولیعهدمان آمده یکی از جراید یومیه فرنگستان به نام پوسی‌تایمز را گرفته می‌گوید: اعلی‌حضرت ببینید این اجنبی‌ها حال فتوغراف مضحک قلمی شما را کشیده و این وهن غیرقابل بخشایش است.

جریده را مشاهده می‌فرماییم. ما را با دماغ بسیار طویل و سیبل تا بناگوش دررفته ترسیم کرده‌اند که در حال خطابه برای مجسمه وحوش هستیم. بسیار خنده کردیم. ملوس‌السلطان دلخور می‌شود و خرناس‌کشان می‌گوید: به شان اعلی‌حضرت با تصاویر مستهزاهات نموده‌اند آن وقت شما می‌خندید؟ می‌فرماییم: عزیز اعلی‌حضرت! ما خوش‌مان می‌آید تصویرمان را در ولایت فرنگ به طبع برسانند حتی اگر مضحک قلمی باشد. این دال بر شوکت و شهرت ماست که تا دیار فرنگ نیز رفته. پس هراس به خرد راه مده که از قدیم گفته‌اند گربه هفت جان دارد.

■ جمعه هفتم نیسان

پیشولی‌بانو و میومیوبانو و سایر گربه‌بانوهای اندرونی رفته‌اند خیابان Montaigne پالتو پوست موش بخرند. «مخمل‌الملوک» همسر پیشول‌الملک سفیر ما در پاریس آنها را برده و با خرید مقداری جواهر و البسه خرج فراوان برای خزانه تراشیده است. علیاحضرتین نیز از حسادت هم به خزانه رحم نکرده یک عالمه جواهر و البسه خریده که با وجه آن می‌شود کل گربه‌رعایای ممالک محروسه را سیر کرد. بعد به همان حالت که بیرون آمده‌اند یک گربه‌ی چرکینی پالتو پوست آنها را قاپیده و فرار کرده و جماعت به دنبال او که گربه‌ی دزد را بگیرند و او از کلیسای نتردام دوپاری بالا رفته و آخر سر دستگیر شده است. از وی بازخواست کرده که چرا پالتو پوست موش علیاحضرت را به سرقت برده و جواب داده از سر جوع و گرسنگی. استنطاق می‌کنند نامش گربه‌ی ژان‌والژان بوده است.

ایضاً: قبله‌ی گربه‌های عالم (۱) – خاطرات یومیه

■ شنبه اول نیسان

به اتفاق شاه به سفر فرنگ رفتیم. ما البته برای تفریح و تفرج به فرنگستان نرفته‌ایم چون اهل اندرونی و خدم و حشم و ملازمان رکاب را نیز مثل سلطان صاحبقران در معیت خود برده‌ایم و تفرج با اهل اندرونی معنا ندارد. ما به فرنگستان آمده‌ایم تا با گربه‌های فرنگی مراودتی نماییم و سری به اتحادیه ملل گربه‌سانان بزنیم و آنجا نطقی بکنیم.

در بدو تشریف‌فرمایی ما «کنت کتیه» به اتفاق «مادموازل پیشیه» و جمعی از گربه‌های دارالخلافه پاریس و حومه به پیشوازمان آمدند. در مسیر شانزدهلیزه جمع زیادی گربه‌های فرنگی به تماشا آمده بودند و لهله فرنگی می‌کردند. در طاق نصرت اتوال، به اتفاق چند فقره فتوغراف به یادگار انداختیم. چند گربه عورت فرنگی آمدند مقادیری رقصیدند که خوشمان آمد و هیجان‌زده پنجولی زده و احسنی فرمودیم. سوگلی ما پیشولی بانو با چشم غره‌ای ما را تحت نظر داشته و با تحیر و تهدید عرض کرد:

– قبله‌ی عالم؟ ای خاک عالم!

گفتیم که برای تفریح و تفرج به فرنگستان نرفته‌ایم.

■ یکشنبه دوم نیسان

ناهار را در زیرزمین قصر ورسای میل فرمودیم که با عنشوفات الکلی همراه بود و پس از تناول، چشمان همایونی‌مان مقداری دستخوش قبلی‌ویلی گردید. به همان حالت و با چشمان کلایپسه ما را بردند داخل تالار اتحادیه گربه‌سانان و رفتیم بالای منبر که گربه‌سانان ملل دیگر را نصیحت نماییم که به وفور شیر و ببر و پلنگ نیز آنجا بود و همه به احترام ورود ما به تکریم ایستاده و تکان نخوردند. احساس کردیم گربه فرنگی‌ها پلک نمی‌زدند و هاله نوری دور کله‌ی همایونی‌مان بسان حلقه‌ی زحل در حال دوران بود و همه‌ی گربه‌سانان حاضر در مجلس را به شکل موش، سوسک، خرچسونه و سرکین‌غلطان دیدیم. پس به همان حالت نطق غرابی ایراد فرمودیم:

– ایهاالوحوش، حضار محترم، دلاوران میزگرد! مستحضرید کل امور ما در مجمع بین‌الملل گربه‌سانان «گربتا الی الله» است و ما برای صلح بین‌الکگره‌ای نهایت مجاهدت خود را نموده و اعلام می‌داریم که استکبار کلبی و استعمار سگی و دوران داگپریالیسم و سگسالاری به سر آمده و ما ضمن زدن مشت و پنجول محکم به دهان سگ‌ها و استعمار داگلند اعلام می‌فرماییم که ممالک محروسه گربستان ام‌القرای عالمیان بوده و مابقی ممالک عالم سراسر ملک فساد و ضلال می‌باشند. لهذا امر می‌فرماییم اجمعین گربه‌سانان به مسلک و سیاست ما بگروند و از عنایات و رهنمودهای ملوکانه ما در راه ترقی و تجدد منتفع گردند...

و همان گونه قریب دو ساعت نطق فرمودیم. پیشول‌الدوله سفیر ما در پاریس عرض می‌کند خطابه‌مان آنچنان گیرا بود که بعد از آن نیز افراد حاضر در مجلس به همان حالت بهت‌زده باقی مانده و حاضر به ترک مجلس نشده بودند. «میوباجی» دایه‌ی بچه‌ها می‌گوید خودشان به آنجا می‌گفتند «موزه» که در آن وحوش را «تاکسیدرمی» می‌نمایند. میوباجی سواد ندارد و نمی‌داند موزه به چکمه می‌گویند. فقط نمی‌دانیم تاکسیدرمی چیست. یقیناً از آثار نصایح همایونی ما باید باشد.

■ دوشنبه سیم نیسان

ما را بردند سالن اپرای گربه‌های پاریس. یک گربه‌ی ماده‌ی چاقی با دامن چین‌چین و دمب روبان بسته به شمایل سوزمانی آمد روی سن و انگار دمش را به مقراض چیده باشند چنان صیحه‌ای کشید که سیبل همایون‌مان وا رفت. پیشول‌الدوله کنار دست‌مان نشسته بود و دیلماجی می‌کرد. عرض کرد این اپراست و گربه فرنگی‌ها را خوش می‌آید. خرناس‌الدوله وزیر خارجه‌مان هم بیلمز نشسته بود و گوش به این اراجیف گرفته بود. ما که اوقاتمان تلخ شد. والله که این گربه فرنگی‌ها



info@persianweekly.co.uk

لطفاً ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

سالن مجزای رستوران ژینو با حداقل ۸۰ نفر همراه با موزیک زنده و رقص عربی

بیا یید
ببینید
بچشید
غذاوت کنید

Zhi Noo Restaurant

175 South Ealing Road
London, W5 4QP
Telephone: 020 8847 1740

www.cafezhinoo.co.uk
E-mail: bijankimiachi@hotmail.com

فرهنگ وب زندگی و وب زندگی فرهنگی

اکنون تحقیرم کن*

■ یاسر نوروزی

Yasser_noruzi@yahoo.com

یک user و password به هر اهل و نااهلی که می دانید رو کنید که از نان شب واجب تر است. سایت ها را زیر و رو کنید. به سیاه مشق ها و دست نوشته ها و نیم نوشته هایتان لینک بدهید. دقایقی تا سرحد مرگ روی مطلب خود کلیک کنید و دست از طلب مدارید تا کام تان برآید. حال، ذوق کنید. سرشناس شده اید. در صف پرمخاطب ترین ها جلوه می فروشید. خوشحالی صغیر و کبیر، هر چه کنید و از خود

چندی است به کشف تازه پی رسیده ایم. هم خود می دانیم و هم دیگران که نکرش شرم به جبین آورد و سر پایین و اما هیچ کس نمی خواهد از آن بگوید. گویی طبیعت مان این است و خلاف مزاج سابق اگر عمل کنیم، راه مخالف پیش گرفته ایم؛ هرچند اگر درست باشد. اما ماجرای کشف تازه از سایت ها و وبلاگ های فرهنگی و بیشتر ادبی آب می خورد. دوستان فضای مجازی ترتیب داده اند تا راحت تر بنویسیم و بخوانیم. دست شان درد نکند. اما بشکند دست مان که باز به عجایب و غرایبی متوسل شده ایم که عقل جن هم به آن نمی رسد. مطلبی می نویسیم و در فلان سایت ادبی لینک می دهیم و آنقدر کلیک می کنیم که بازدیدکنندگان فکر کنند مطلب مان بیشترین طرفدار را داشته. جل الخالق، اگر ساز و برگ مدرن تری هم داشتیم و دستی در علوم روز(ا)، نرم افزاری می خریم تا به جای کلیک کردن روی مطلب مان، رایانه کار را به دست بگیرد تا از پله های برقی ترقی بالا برویم. این هم از کشف تازه. گاهی هم مطلب خودمان نیست. خدا را شکر که نان روابط را می خوریم. پس اگر دوست و رفیقی داشتیم که از قبلش چیزی می ماسید، روی مطلبش کلیک می کنیم تا به صف بالاترین ها بیایید. بعد تماس می گیریم و مجیش را می گوئیم بلکه در آینده چیزی رسد.

چندی پیش نقدی دیدم بر کتاب یکی از دوستان که آمار بیشترین بازدیدکنندگان را داشت. شک نکردم. بدیهی بود و اظهر من الشمس. چیزی نبود که پیش ذهن زیر و رو کنم و پس آن به دنبال جواب باشم. منتها در پاسخ یکی از دوستان گفتم به چند جهت از همان کشف هایی است که می دانیم و می دانی. فرض که این نوشته، صواب و مظهر انتقاد و نقد و نقادی باشد؛ چند نفر هستند که کتاب را خوانده باشند. اصلاً مگر این روزها یک داستان کوتاه ایرانی چقدر رغبت خواندن برمی انگیزد. اصلاً اگر رغبت برانگیخت، مگر چند نفر کتاب می خوانند و چند نفر نقد فلانی را روی فلان کتاب کس ایضا. باری، صد اگر و مگر دیگر پیش کشیدم که حتی اگر کتاب را خوانده باشند هم بر چه حکمی می توان استناد کرد که این مطلب تا این حد شیفته و مشتاق داشته باشد. مشتاقی خیل کتابخوانان و علاقه مندان چنان است که بر پیشانی بازار خرید و فروش و تیراژ آن هویدا است. مهجوری این جمعیت از نقد کتاب که دیگر گفتن ندارد.

نقد را خواندم. نظری بود و از آن رو که نظری است به نظرم قابل تامل. همین. منتها اینکه همه بخواهند بخوانند و بدانند در این نوشته چه رفته، به نظرم نهایت تآنک مغزی آمد. یا ما از این بازار قلب نقدنما به دوریم یا دوستان زیادی نزدیک، اگر دوریم که دوریم و اگر نزدیک، این از همان خودشیفتگی های نسل ماست. امثال این بازی ها سر هر کسی را که گرم کند، ادبیات و ادبیت متن را نمی تواند. فردا که شد کتاب فلان کس (اگر بنا باشد از یاد رود) از یاد رفته است؛ نقد فلان کس که جای خود دارد. قصدم زیر سوال بردن شخص خاصی نیست. گاه پیش آمده روح طرف هم خبر نداشته از دوستی ها و دشمنی های بیجا که در حقش کرده اند.

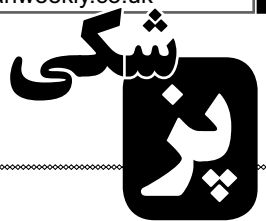
در آخر گله یی می ماند از سایت نویسان و وب نگاران و لینک کاران. اوضاع فرهنگی روشن تر از آن است که با بزرگنمایی یا کوچک نمایی ما تغییر کند. به نوعی همکاری و درد هم از غیر بیشتر می فهمیم. اما با حذف و الصاق و اتصال این و آن به نویسندگی و شاعری و نقادی و این حرف ها دیگی نمی جوشد. روی عجوزه به رنگ و روی و خال و خط، زیبا نمی شود. جدای اینها گاهی در نوازش یکدیگر هم خبره ایم. شکایتی نداریم. حرفی نیست. تمام آنچه نوشته ایم و ننوشته ایم از آن شما. نوشته ها را بگیرید. پیش و پس کنید. همه را به هم بریزید. از دل مطلب پاره یی بیرون بکشید و جای اصل جا بزنید. نام نویسنده را قلم بگیرید. هر چه خواستید ویرایش و پیرایش کنید بلکه به خواسته ها برسید. اگر رسیدید به ما هم بیاموزید تا دست به دست هم دهیم و آباد کنیم اگر آباد می شود با این قبیل زیرکی ها و چاره گری ها و زبل بازی ها. این سفره ها یک شبه است. پنج روز و شش باشد و دوامی ندارد. زمان به این خرد و بزرگ کردن ها اهمیتی نمی دهد. هنری اگر بود می ماند و گر نبود با کشف های تازه یی که ذکر آن رفت، فردا روز می رود.

*نام مقاله برگرفته از جمله پایانی داستان «زخم شمشیر» نوشته خورخه لوئیس بورخس است.





info@persianweekly.co.uk



جایگاه طب سنتی ایرانی



دانشمندان با مطالعه ساختار و شکل قرارگیری دندانها ادعا می کنند که در زمانها گذشته ما انسانها گیاهخوار بوده ایم و در اثر گذشت زمان و با توجه به نیازهایی که بر انسان عارض شده است از گیاهخواری به گوشتخواری تغییر عادت داده ایم. ریشه بسیاری از بیماری ها که اکنون با آن دست و پنجه نرم می کنیم در عدم حفظ تعادل میان این دو عادت غذایی است و یکی از عوامل اصلی پیشگیری از بیماری ها در رجعت دوباره ی ما به گیاهخواری است.

شاید از همین روست که دکتر مجید آویژگان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و شهرکرد هفت سال از عمر تحقیقاتی خود را در زمینه گیاه درمانی سپری کرده است. نام وی هفته گذشته در رسانه های اروپایی خوش نشست آنجا که وی توانست با کسب رتبه نخست در گنگره بین المللی ایتالیا برگ زرین دیگری را در طب

سنتی ایران رقم زد، به همین منظور سامانه خبری سلامت نیوز کارنامه علمی وی را بررسی می نماید. دکتر مجید آویژگان تحقیقات گسترده ای را در زمینه خواص گیاه خوشاروزه از سال ها پیش آغاز نمود و با حضور در یک گنگره بین المللی و ارائه ی مقاله ای در جهت خواص درمانی این گیاه و اثراتی آن در بیماریهای نظیر کچلی ،عفونت های رحمی و بیماری ها فک و دهان نوزادان تمامی آن را به اثبات برساند. این گنگره در سطح بین المللی و با حضور کشورهای نظیر آمریکا،برزیل ،کوبا ، هند، مالزی،پاکستان و ایران،در دو بخش ساختار طب سنتی و طرحهای جدید این حوزه و بخش مربوط به مقالات و پوستره های ارسالی در هفته ی گذشته برگزار شد.

با این حال درخشش مقاله دکتر آویژگان که از میان ۵۴ مقاله ارسالی انتخاب شده بود در رسانه های داخلی بسیار کمرنگ جلوه داده شد و انگونه که شایسته ی این افتخار آفرین ایرانی بود مورد توجه قرار نگرفت. گیاه خوشاروزه که عمدتاً مصرف خانگی دارد از آن رو مورد استقبال مردم قرار خواهد گرفته که بواسطه ی خاصیت ضد کبکی آن می تواند در مواد غذایی خانگی نظیر ترشیجات ،رب و پنیر و..... مورد استفاده قرار گیرد. همین خاصیت ضد کبکی ایده ای شد تا دکتر آویژگان تحقیقات خود را در این زمینه آغاز نماید.طی شروع مطالعات در ابتدا بر تأثیری که عصاره گیاه روی میکروبها دارد بررسی هایی انجام شد و سپس تمرکز مطالعات به سمت قارچها و باکتریها سوق پیدا کرد تا طی بررسی های انجام شده این فرضیه ثابت شد که این گیاه بر درمان توفیت ها که عامل کچلی هستند اثر بسزائی دارد.

در طول پنج مرحله تحقیقات گسترده که چهار سال به طول انجامید دکتر آویژگان به این نتیجه رسید که این گیاه می تواند بر علیه کاندیدا آلوکن عامل نسبتاً قابل قبولی باشد. از طرفی چون کاندیدا آلوکن عامل موثر برفک و دهان نوزادان همچنین عفونت های رحمی در خانم هائی که ازاین معزل رنج می برند است و عدم تولید داروی شیمیائی موثر بر ریشه کنی این بیماری این گیاه نقش موثری در درمان موارد نام برده ایفا می کند.

وقتی طب سنتی اینگونه می تواند در علاج بیماری ها موثر واقع شود علت کم توجهی ها به این شاخه از علم پزشکی مشخص نیست.

طب سنتی که تا سالهایی نه چندان دور در وزارت بهداشت از جایگاه خاصی برخوردار نبود اکنون وزارتخانه را بر آن داشته است تا با صدور آئین نامه ها و تشکیل ستاد طب مکمل نشان از اهمیت آن و توجه وزارت بر جایگاه تاثیر گذار طب سنتی داشته باشد.

همچنین دانشکده تربیت پزشکان با ایجاد شاخه طب مکمل اولین گروه از دانشجویان این رشته را پذیرفته است . البته با وجود پیشبینی آینده ای روشنی برای طب مکمل ایرانی وجود دارد راههای هست که به بیراهه ختم خواهد شد.

جایگاه طب ایرانی با قدمت چندین هزار ساله در میان گنگره ها و سمینارها مختلف خالیست به گونه ای که صحبتی از طب سنتی ایرانی به میان نمی آید .در حالی که طب چینی ،پاکستانی ،اندونزی، مالزی، ایتالیائی، مکزیکی، اروپائی و آفریقائی بسیار مطرح است و این نشان از کم کاری در حوزه ی طب سنتی ایرانی دارد. اگر توجه و حمایت های وزارت بهداشت و مراکز متولی از طب سنتی ایرانی نباشد تشخیص آن از انواع چینی و مکزیکی یا پاکستانی بسیار سخت خواهد شد و طب سنتی ما تبدیل به موسسه یا انستیتو گیاه درمانی خواهد شد که مشابه آن در کشوری مانند چینی به وفور وجود خواهد داشت.

بهرتر است با شناخت هر چه بیشتر ویژگی های طب مکمل ایرانی و پرورش آن در سطح بین المللی طب سنتی ایرانی را مطرح و جایگاه شایسته آن را بازخوانی نمائیم.

اندام ساعت شنی چیست؟

برگرفته از سلامت نیوز

این نکته را نباید فراموش کرد که ساعت شنی ها، در قسمت نیم تنه ی پایینی خود استعداد بیشتری در جذب چربی دارند. این دسته از افراد باید روی حرکات استقامتی که به طور مجزا برای قسمت های مختلف بدن طراحی شده اند، دقت بیشتری داشته باشند.

تا به حال چیزی درباره ی اندام های ساعت شنی شنیده اید؟ افرادی که در این گروه قرار می گیرند، قسمت بالا و پایین بدنشان وزن بیشتری داشته و درست مانند یک ساعت شنی دور کمرشان از سایر قسمت های بدن آنها کم حجم تر است. این مسئله ای است که بسیاری از خانم های ایرانی و تعداد کمی از آقایان با آن مواجه هستند. این نکته را نباید فراموش کرد که ساعت شنی ها، در قسمت نیم تنه ی پایینی خود استعداد بیشتری در جذب چربی دارند. این دسته از افراد باید روی حرکات استقامتی که به طور مجزا برای قسمت های مختلف بدن طراحی شده اند، دقت بیشتری داشته باشند.

افرادی که دارای اندام ساعت شنی هستند، چندان هم بد شانس تلقی نمی شوند، زیرا به همان سرعتی که اضافه وزن پیدا می کنند، به همان سرعت نیز می توانند، وزن خود را کاهش دهند. اگر جزو این گروه هستید نباید نگران شوید. شما باید تمرینات وزنه برداری را کنار بگذارید تا چربی ها به طور یکسان در سایر قسمت های مختلف بدنتان پخش شود. به همین علت است که یک شخص با چربی های پخش شده در تمام بدن، از یک فرد دارای هیکل ساعت شنی با وزن مشابه، لاغرتر به نظر می رسد.

تنها با رژیم غذایی نمی توان به وزن دلخواه دست پیدا کرد. از دست دادن وزن، آن هم در قسمت هایی که دارای چربی بیش از اندازه است، نیازمند انجام تمرینات مناسب است. شاید یک مرتبه به یک فرد لاغر تبدیل نشوید، اما به راحتی می توانید سایز لباس هایتان را کم کنید. حتما لازم نیست زمانی که روی ترازو می روید تغییر وزن را احساس کنید، بلکه می توانید با حفظ وزن فعلی فقط سایزتان را پایین بیاورید و خوش اندام شوید.

ساعت شنی بودن مزیت هم دارد!

افرادی که اندام ساعت شنی دارند، دارای استخوان های قوی هستند، از ماهیچه های قوی برخوردارند و نسبت به سایرین کمتر در معرض پوکی استخوان قرار می گیرند. در افراد مسن این گروه نیز، شکستگی های کمتری در ناحیه ی استخوان ها دیده می شود.

ورزش هایی که به سرعت و قدرت نیاز دارند، مخصوص ساعت شنی هاست. ورزش هایی مانند پیاده روی و کوه پیمایی که هم نیازمند قدرت در عضلات بالاتنه و پایین تنه هستند، برای این افراد مناسب تر است. افرادی که دارای اندام ساعت شنی هستند، صاحب بدن هایی انعطاف پذیر بوده و کمتر دچار ناراحتی های مربوط به کمر می شوند. این افراد عضلات شکمی قدرتمندی دارند. داشتن پا های لاغر و قوزک های کوچک و ساق های عضلانی از شاخص های مهم اندام ساعت شنی هاست. مشکل اساسی این گروه در قسمت خارجی بازوها، داخل و پشت ران ها و زیر باسن است. برخی از آنها نیز مشکل اضافه وزن را در قسمت پایینی شکم خود دارند که سبب افزایش اندازه ی دور شکم آنها می شود. این افراد باید خیلی مراقب باشند، چرا که به راحتی و با به کارگیری حرکات نامناسب ورزشی وزن آنها افزایش می یابد، به همین دلیل است که باید در اجرای تمرینات استقامتی و حرکات با وزنه دقت بیشتری به خرج دهند.

پیشنهاد ما به شما

اگر شما جزو یکی از افراد با هیکل ساعت شنی هستید، به شما پیشنهاد می کنیم برای مدتی انجام حرکات استقامتی و بلند کردن وزنه را کنار بگذارید تا وزنتان کاهش پیدا کند و توده های چربی از بین بروند، ولی رژیم غذایی مناسب را حتما در برنامه ی کاهش وزن خود قرار دهید.

ورزش های مناسب شما

طناب زدن سریع یا اجرای حرکات دوچرخه، راه رفتن با سرعت کم و کوه پیمایی آرام، حرک، استفاده از دستگاه های وزنه برداری داخل سالنی، انجام ورزش های متداول نیم تنه ی بالای بدن به همراه میله ی دو کیلویی هوازی، پرس پشت گردن، پرس سینه، بلند کردن وزنه های سبک و شنای کرال

از جمله ورزش هایی است که شما را به تناسب اندام دلخواهتان می رساند.

ورزش هایی که باید از آنها پرهیز کنید

تمرین با استپ، ورزش های هوازی، تمرینات استقامتی، دوچرخه زدن درجا، کوه نوردی و دویدن به ویژه در حال حمل وزنه های سنگین، پرس با طناب، پرس پا و قایق رانی های استقامتی، ورزش هایی هستند که به هیچ وجه مناسب افراد هیکل ساعت شنی نیستند و حتی می توانند باعث افزایش وزن آنها شوند.

این نکته را فراموش نکنید، اگر وزن بدنتان کاهش پیدا کرد و کمی لاغر شدید، می توانید به تدریج تمرینات استقامتی و بلند کردن وزنه را به تمرینات خود اضافه کنید، ولی اگر احساس کردید، دوباره در حال چاق شدن هستید، تمرینات استقامتی را برای همیشه از ورزش خود حذف کنید.

مبتلایان به ایدز را در پاپوآ زنده دفن می کنند

یک امدادگر بهداشتی می گوید برخی از مبتلایان به ایدز در پاپوآ گینه نو بوسیله بستگانشان که نمی توانند از آنها مراقبت کنند یا از سرایت عفونت آنها به خود می ترسند، زنده به گور می شوند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه مارگرت مارابه که پنج ماه را در یک پیکار برای آگاهی بخشی در مورد ایدز در نواحی دور افتاده "کوهستان های جنوبی" در این کشور واقع در جنوب اقیانوس آرام گذرانده است، می گوید خودش دیده است که مردم ۵ بیمار را که هنوز نفس می کشیدند دفن کردند.



به گفته مارگرت که برای یک سازمان داوطلبان کار می کند، یک از این بیماران در حالیکه با بیل روی سرش خاک می ریختند، "مادر، مادر" می گفت.

مارگرت گفت "وقتی از آنها پرسیدم چرا این کار را می کنید؟ آنها گفتند اگر ما آنها را زنده نگه داریم، و در یک خانه با آنها زندگی کنیم و ظرف مشترک داشته باشیم، ما هم این بیماری را خواهیم گرفت و خواهیم مرد."

روستائیان به او گفته بودند که زنده به گور کردن بیماران ایدز در این منطقه رایج است.

مارابه از دولت و سازمان های امدادی خواست با برنامه های آگاهی بخشی در مورد HIV /ایدز از شهرها و شهرک ها به مناطق روستایی که چهل مطلقاً نسبت به بیماری وجود دارد، گسترش دهند.

یک گزارش اخیر سازمان ملل می گوید پاپوآ گینه نو با یک مصیبت ناشی از ایدز روبرو است و حدود ۹۰ درصد موارد عفونت با HIV در منطقه اقیانوسیه به این کشور اختصاص دارد.

تشخیص HIV با افزایشی ۳۰ درصدی نسبت به سال ۱۹۹۷ پیدا کرده است و در سال ۲۰۰۵ به طور تخمینی ۶۰۰۰ نفر در این کشور با ایدز زندگی می کردند.



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

زنان هنگام تنها قرار گرفتن در بین مردان مضطرب می شوند



تحقیقات نشان می دهد حضور یک زن تنها، در مکانی که همگی اعضا آن مرد هستند باعث بروز استرس زیاد در زن می شود. به گزارش سلامت نیوز به نقل از خبرگزاری آلمان، نتیجه یک تحقیق صورت گرفته بر روی زنان حاکی از آن است که زنان تنهایی که در محیط پر از مرد قرار می گیرند ضربان قلبشان بشدت افزایش می یابد، عرق می کنند و در کل احساس تهدید شدن به آنها دست می دهد.

بنابراین گزارش، زنان در صورت قرار گرفتن در چنین شرایطی حوصله و صبرشان کم می شود و فشار عصبی به آنها وارد می شود.

این گزارش می افزاید، زنان هنگام قرار گرفتن در این موقعیت غیر عادی دچار عدم تمرکز و حواس پرتی می شوند و بیش از پیش به محیط اطرافشان توجه می کنند و این امر می تواند تاثیر منفی بر توانایی زنان، مثل هنگام تحصیل در رشته های تحصیلی مردانه ای مانند علوم ریاضی و مهندسی شود.

براساس این گزارش، محققان در این تحقیق رفتارگروهی از دانشجویان سطوح بالای تحصیلی را مورد بررسی قرار دادند که برای مثال در کلاس های دارای سه تا چهار مرد و یک زن شرکت داشتند.

این تحقیق نشان داد، مردان به عکس هنگام قرار گرفتن در جمع چند زن دچار این حالات و استرس نمی شوند.

چگونه از دردهای ناشی از کار با کامپیوتر جلوگیری کنیم؟



امروزه یکی از شایعترین شکایات در افراد جوان بویژه در میان کارکنان ادارات و بانک ها، عوارض کار طولانی مدت با کامپیوتر است. این عوارض شامل دردهای گردن و شانه که با خستگی شدید عضلات این ناحیه همراه است، دردهای مفصل آرنج، مچ، انگشتان و نهایتاً دردهای پشت و کمر می باشد.

در مواقعی که این دردها پس از یک کار طولانی و یا یک روز پر کار به سراغ شما می آید، بهترین اقدام استراحت، ماساژ ملایم نواحی درگیر، ریلکس کردن عضلات و آرامش است. اما برای جلوگیری از این گونه دردها که هیچ علت آناتومیک ندارد، یک راه بسیار ساده وجود دارد و آن هم رعایت وضعیت صحیح بدنی است.

قدم اول انتخاب میز و صندلی استاندارد است.

قدم دوم استفاده صحیح از میز، صندلی، مانیتور، صفحه کلید و موس است.

دو مورد فوق با دقت در تصاویر زیر بدست می آید:

قدم سوم برنامه ریزی کاری است، به این صورت که بیش از ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به حالت ثابت نشسته یا ایستاده ننماید و در بین کار حتماً وضعیت بدنی خود را تغییر دهید. حتی هر نیم ساعت سر جای خود بایستید و یا چند قدم راه بروید. قدم چهارم انجام حرکات نرمشی ساده به صورت روزانه است که می تواند شامل موارد زیر باشد:

- تمرین (۱) در حالت کاملاً صاف بنشینید. دستها در کنار بدن قرار بگیرند. به آرامی هر دو شانه را بالا ببرید ۵ ثانیه مکث کنید و سپس شانه ها را رها کنید. حرکت را ۵ مرتبه تکرار کنید.

- تمرین (۲) در حالت کاملاً صاف بنشینید. دستها در کنار بدن قرار بگیرند. به آرامی هر دو شانه را ۵ مرتبه به جلو بچرخانید و سپس ۵ مرتبه به عقب بچرخانید.

- تمرین (۳) در حالت کاملاً صاف بنشینید:

(الف) هر دو دست را به صورت کشیده در جلوی خود بگیرید و انگشتان و مچ را باز و بسته کنید (۵ مرتبه)

(ب) هر دو دست را به صورت کشیده در طرفین خود بگیرید و انگشتان و مچ را باز و بسته کنید (۵ مرتبه)

(ج) هر دو دست را به صورت کشیده در بالای سر خود بگیرید و انگشتان و مچ را باز و بسته کنید (۵ مرتبه)

تمرین (۴) در حالت کاملاً صاف بنشینید:

(الف) کف هر دو دست را به هم بچسبانید و تا جاییکه ممکن است آرنج ها را بالا بیاورید

(ب) پشت هر دو دست را به هم بچسبانید و تا جاییکه ممکن است آرنج ها را پایین بیاورید

- تمرین (۵) در حالت کاملاً صاف بنشینید. دستها در کنار بدن قرار بگیرند. سر را به یک سمت خم کنید به طوریکه گوش به شانه همان سمت نزدیک شود ۵ ثانیه مکث کنید و سپس به حالت اول برگردید (۵ مرتبه) حرکت را برای سمت دیگر تکرار کنید

- تمرین (۶) سر را از حالت کاملاً صاف در راستای بدن به آرامی به پایین خم کنید به طوریکه چانه به قفسه سینه نزدیک شود ۵ ثانیه مکث کنید و به حالت اول برگردید

- تمرین (۷) سر را از حالت کاملاً صاف در راستای بدن به آرامی به عقب خم کنید به طوریکه احساس کشیدگی در جلوی گردن کنید ۵ ثانیه مکث کنید و به حالت اول برگردید

- تمرین (۸) در حالت کاملاً صاف بنشینید. عضلات شکم را منقبض کنید (شکم را داخل بکشید) ۵ ثانیه مکث کنید ۵ مرتبه تکرار کنید

- تمرین (۹) در حالت کاملاً صاف بنشینید. پای راست را از روی زمین بلند کنید و مستقیم در راستای ران نگه دارید ۵ ثانیه مکث کنید (۵ مرتبه) حرکت را با پای چپ تکرار کنید

- تمرین (۱۰) بایستید و دستها را در گودی کمر بگذارید. به آرامی و فقط ۱۰ درجه به عقب خم شوید و قفسه سینه را باز کنید ۵ ثانیه مکث کنید و به حالت اول برگردید (۵ مرتبه) سپس ۳ تا ۵ نفس عمیق بکشید و به کار خود ادامه دهید.

استرس موجب اختلالات شنوایی ناگهانی در افراد می شود

محققان دریافته اند، با توجه به اینکه سلسله اعصاب درون گوش بسیار ظریف و حساس هستند، فشارهای روحی و عصبی می تواند این اعصاب را به طور ناگهانی دچار مشکل کند و باعث ناشنوایی شود. بررسی ها نشان می دهد، استرس با تاثیر بر سیستم عصبی نه تنها اندامهای داخلی مانند گوارش را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد بلکه عملکرد طبیعی گوش را نیز مختل می کند. بررسی ها نشان داده، افرادی که تحت استرس شدید

قرار دارند بیشتر در معرض خطر ناشنوایی هستند. متخصصان عقیده دارند که در این ناحیه از گوش سلول های حسی بسیار کوچکی یافت می شود که سیگنال های صوتی را دریافت می کنند و به سیستم عصبی مرکزی منتقل می کنند و چنانچه سیستم عصبی به خوبی عمل نکند شنوایی دچار مشکل می شود. به همین دلیل افرادی که مدتی تحت استرس شدید بوده اند ممکن است در حین انجام کارها و به طور کاملاً ناگهانی دچار ناشنوایی شوند که البته در اکثر موارد این امر موقتی است. به گفته متخصصان نوشیدن مایعات زیاد باعث رقیق شدن خون شده و با تسهیل در امر گردش خون در بدن و گوش به بهبودی افراد کمک می کند.

Woodside Park
Physiotherapy Clinic

دارای تائیدیه از تمامی انجمن ها و مراکز سلامت در انگلستان و کلیه مراکز بیمه

آیا از دردهای مزمن رنج می کشید؟



زیر نظر متخصص فیزیوتراپ ناصر نادری

درمان دردهای ستون فقرات - سیاتیک، عصبها، مهره های ستون فقرات

سردردهای ناشی از عوارض ستون فقرات
درمان دردهای صدمات ورزشی - عضلات - تاندونها - رباط ها و غضروفهادرمان دردهای ضربات نابهنکام در حوادث و تصادفات
درمان دردهای مفاصل مچ پا و دست - بازو و انگشتان و کتف
درمان التهابات عضلانی و خشک و گرفتگی عضلات در ناحیه کمر و باسن - زانو - مچ دست و پا و گردنWe offer home visits and rehabilitation.
We are registered with all relevant health councils and associations, as well as being chartered and state-registered. We are also recognised by all major health insurance companies.Woodside Park Physiotherapy Clinic
78 Southover, London N12 7HB

Tel: 020 8446 8558

www.woodsidephysio.co.uk

Email: info@woodsidephysio.co.uk



طراحی و تزئینات کیک

تخفیف ویژه به مناسبت عید سعید قربان و عید غدیر خم

جهت مناسبت های تولد، نامزدی، عروسی و اعیاد

طراحی و ساخت انواع کیک، دسته گل عروس - طراحی بالن و تزئینات جشنها و میهمانیها
تهیه دسرها و شیرینی های ایرانی



قیمت های باور نکردنی

کیک برای 10 نفر	£20
کیک برای 15 نفر	£27
کیک برای 20 نفر	£32
کیک برای 30 نفر	£40
کیک برای 40 نفر	£49
کیک عروسی سه طبقه برای 100-110 نفر با طراحی کامل	£195

We cater for every occasion, from the simplest to the most elaborate, birthday, anniversary, christening, communion, engagement and wedding cakes.

Sandwich platters available.

Eggless Cake and Kosher Cake Available

Tel: 020 8248 3111

9am- 7pm

www.cakecreate.co.uk - cakes@cakecreate.co.uk



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

صرافی آسان

انتقال سریع ارز به تمام نقاط ایران و بلعکس فقط در یک روز

با بهترین قیمت و کمترین هزینه

اولین دارنده مجوز رسمی در شمال انگلستان

اطمینان و سرعت هدف ماست

شما میتوانید در هر وقت روز از قیمت ارز با خبر

شوید فقط با یک تماس.

Mobile 077 3704 2007

Tel/Fax 011 3324 4205

Registration Number 12269534



Technomate
Your Digital Partner For Life

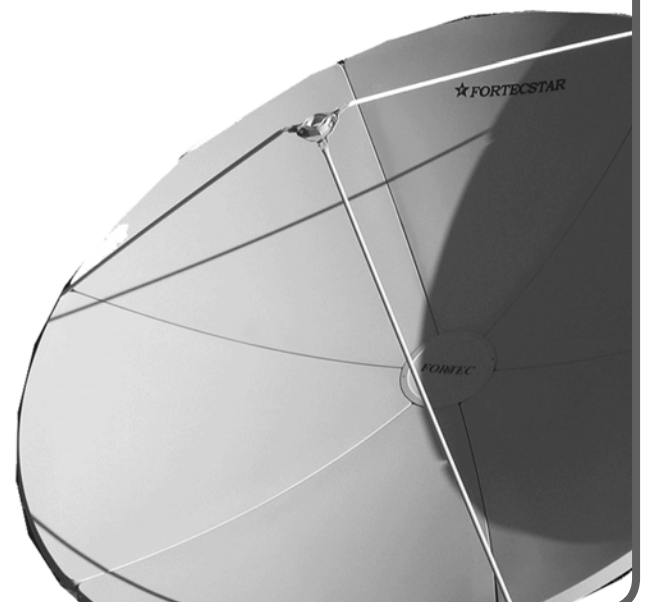
افغان ست

AFGHAN SAT

بهترین سرویس قبل و بعد از فروش
کیفیت برتر، قیمت مناسبتر
کلیه شبکه های افغانی، فارسی، عربی، ترکی
کردی و کانالهای اروپایی
نصب سیستم ثابت و موتورایزر

نصب آنتن تلویزیون
و
نصب تلویزیون پلاسما

Tel: 020 8640 9605
Help Line: 07967 724 435



هزار و یک شب Boat Party یکشنبه در نوا مایر

8 شب تا 1.30 بامداد

جمعه و نوا مایر

9 شب تا 3 بامداد

Live music & Dj voice



The Yacht Club

Temple pier, Victoria
Embankment london
WC2 2PR

Admission: B4 10 pm £7.00

Dress code: Strictly smart

(No jeans, No trainers)

Info :079 6702 1001



DICLE INTERNATIONAL FOOD CENTRE



سوپر دِ جله گوشت حلال، میوه جات و سبزیجات تازه



Halal Meat

£30 سرویس دوستانه تحویل درب منزل شما برای خرید بیش از

151-153 Ballards Lane,
Finchley, London, N3 1LJ

هر آنچه مورد نیاز است در سوپر دِ جله موجود می باشد
بهترین زیتون و پنیر یونانی

ساعت کار: ۷ روز هفته از ۷ صبح تا ۱۱ شب

Tel/Fax: 020 8349 3414



رستوران آریانا

Afghan_Persian

RESTAURANT

حلال

رستوران آریانا در پارک



رستوران آریانا در پارک

عرضه کننده بهترین غذاهای ایرانی و افغانی
محیطی مناسب برای سرو قلیان و چای در حیاط رستوران
آماده پذیرایی از جشن ها م مهمانی های شما

آریانا 1 با هنرمندان آشنا و معتبر

جمعه شبها ملودی

شنبه شبها کوروش و سیاوش

یکشنبه شبها ملودی به همراهی کیبورد و

هنرمند آشنا رضا همراه با رقص عربی

Ariana1
108 Bourne Terrace, Paddington, London, W2 5TH
02072669200

Ariana2
Midlothian Road, London, E3 4SE

Direct Number: **020 8981 6393**

020 8981 8266



Salaam Restaurant



اگر در جستجوی فضایی با نشاط و متفاوت هستید کافیت یکبار ساعتی را در رستوران سلام سپری نمائید

سالن پذیرایی سلام با امکانات ویژه
مولتی مدیا و ویدئو پروجکشن آماده
برگزاری کنفرانسها و سمینارها می باشد

رستوران سلام با ظرفیت ۳۵۰ نفر در دو
سالن آماده پذیرایی از جشن ها و
میهمانیهای شما می باشد

203 High Street, Harlesden, London NW10 4TE
www.salaamrestaurant.co.uk t: 020 8838 0007



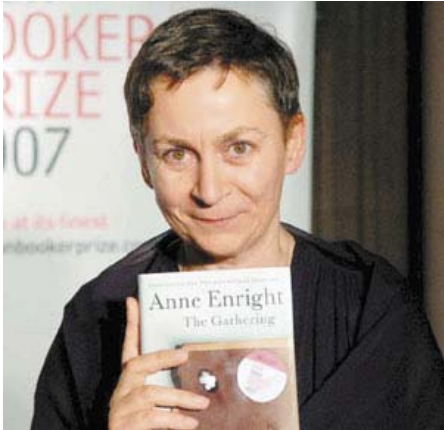
info@persianweekly.co.uk

ادبیات و اندیشه



وقت فراموشی عطر گل یخ

سعید کمالی دهقان - گاردین و جایزه بوکر سال ۲۰۰۷



اهدای جایزه بوکر سال ۲۰۰۷ به «آن انرایت» نویسنده ۴۵ ساله ایرلندی مهم ترین خبر این هفته رسانه های ادبی جهان بود. خانم «انرایت» در حالی این جایزه ۵۲ هزار پوندی را از آن خود کرد که پس از «دوریس لسینگ» دومین زنی است که طی دو هفته گذشته یکی از مهم ترین جوایز ادبی دنیا را از آن خود می کند. جایزه سال گذشته بوکر نیز به خانم «کیران دسای» رسیده بود. «آن انرایت» این جایزه را به خاطر نوشتن رمان «گردهمایی» از آن خود کرده است. «هوارد دیوین» رئیس هیات داوران بوکر کتاب «گردهمایی» را «نگاهی بی دریغ به خانواده یی محزون در ناملایمات زندگی» توصیف و آن را «تلخ» اما «قابل وقوع» معرفی کرد و گفت: «مطمئنم که مردم از خواندنش شگفت زده می شوند».

داستان «گردهمایی» توسط شخصیت اصلی اش «ورونیکا» روایت می شود و ماجرای خانواده یی مفلوک در ایرلند است. خانواده یی با پدری خشن، مادری مسوولیت ناپذیر و کشیشی از خودراضی. روزنامه انگلیسی زبان «گاردین» پس از اعلام خبر اهدای جایزه بوکر به سراغ «انرایت» رفته و با او گفت وگویی کوتاهی کرده است. «انرایت» به «گاردین» می گوید: «شوهرم غسر اینکه جایزه را من می برم شرط بسته بود... دوست دیگری هم در لندن داشتم که سر همه شرط بسته بود به غیر من، چون می گفت که بدشناسی می آورد.» «انرایت» در پاسخ به این سوال گاردین که درباره دیگر کتاب هایی که در لیست نهایی بوکر بودند، چه فکر می کند، می گوید: «هنوز در کتابفروشی هم نگاه شان نکرده ام. وقتی در لیست نهایی قرار گرفتم، به خودم گفتم، چه خوب، این شش هفته غتا اعلام برندگان نهاییف حسابی خوش می گذرد. باید بنشینم و نگران باشم».

«آن انرایت» با وجودی که امروز نویسنده مشهوری است، اما تا قبل از اهدای بوکر تنها در محافل ادبی شناخته شده بود. وی یک پسر چهارساله و یک دختر هفت ساله دارد و در پاسخ به سوال گاردین که چطور با حضور این دو کودک به فعالیت ادبی اش ادامه می دهد، می گوید: «الان که به مدرسه می روند، راحت تر است، اما واقعیت این است که هیچ گاه آن قدر ها سخت ام نبوده. یادم می آید که سال ها پیش گاهی مجبور می شدم با یک دست کالسکه بچه را هل بدهم و با دست دیگر تایپ کنم.» «انرایت» با آن دسته از منتقدانی که داستان «گردهمایی» را رونوشتی از زندگی نویسنده آن معرفی کرده بودند، مخالفت می کند و در همین رابطه به گاردین می گوید: «با وجودی که راوی داستان همسن من است اما کتاب خودزندگینامه نیست. البته شباهت هایی جزئی وجود دارد.» «آن انرایت» ۱۱ اکتبر سال ۱۹۶۲ در دویلین ایرلند به دنیا آمده. از کالج ترینیتی دویلین مدرک انگلیسی و فلسفه گرفته است و وقتی مادر و پدرش برای سالروز تولد بیست و یک سالگی اش ماشین تحریر خریدند، تصمیم گرفت که نویسنده شود. سپس از دانشگاه آنجلای شرقی بورس تحصیلی گرفت و همانجا «نگارش خلافت» خواند. پس از اتمام تحصیلات به مدت شش سال در شبکه های تلویزیونی ایرلند، تهیه کننده فیلم بود و اولین کتابش را دوازده سال پیش به نام «کلاه گیس» که پدرم سر می کند» منتشر کرد. پنج سال بعد از آن یعنی در سال ۲۰۰۰ رمان «شبی که هستی؟» را منتشر کرد. «گردهمایی» چهارمین کتاب «آن انرایت» است که امسال منتشر شده و جایزه معتبر بوکر را برایش به ارمغان آورده است. «انرایت» همچنین با نشریات مختلفی در سرتاسر جهان همکاری کرده است که مهم ترین آنها، «نیویورکر»، «پاریس ریویو»، «گرانتا» و «گاردین» است. دغدغه های مادرانه، مذهب کاتولیک و ادبیات زنانه از مهم ترین مسائل مطرح شده در رمان های «انرایت» است.

بوکر از مهم ترین جوایز ادبی دنیا است و در آینده ادبی برنده آن نقش بسزایی دارد. «کیران دسای» برنده سال گذشته بوکر درباره تاثیر این جایزه در حرفه نویسندگی اش به گاردین می گوید: «نویسنده جوان بودن کار ساده یی نیست. باید دیگران و حتی خود را متقاعد کنی غکه نویسنده خوبی هستی. وقتی بوکر بردم؛ توجه همه به کتابم بیشتر شد، من هم بابت این موضوع خوشحالم اما بیشترین تاثیری که این جایزه بر زندگی ام گذاشت این بود که احساس می کردم در آینده ممکن است تمرکز من را از دست بدهم و بیشتر گرفتار بازی غهای ادیبف بشوم».

عرصه ی سیاست کرده و نویسندگان روس سعی می کنند با استعاره و تلمیحات شاعرانه، هدف غایی و پنهان خود را بنمایانند؛ هرچند که اداره سانسور با دقت بسیار آثار را مورد بررسی قرار می دهد، اما باز هم نمی توانند از عهده ی زیرکی نویسندگان بر بیایند.

گوگول در گفتگویی که با بلینسکی دارد، متحول شده و وارد عرصه ی سیاست می شود.

گوگول از کشورهای اروپایی انتقاد می کند و بلینسکی می گوید: شما چه می خواهید؟ می خواهید همه چیز در کشور ما، در این مام مین، کماتان مانند گذشته باشد؟ یعنی که بگذاریم پرنپکنو به مردم ستم کند و اموالشان را بچابد؟ یعنی بگذاریم شخصیتی مانند شکوننیک یا شبونکا آدمها را همانند حیوانات خرید و فروش کنند؟ دختر دهاتی ها را با توله سگ های شکاری معاوضه کنند و کودکان را از مادران، پدران را از پسران و نامزدهای جوان را از یکدیگر جدا سازند؟ یعنی بگذاریم خدمه ی آشپزی را به باد کتک بگیرند و به ازای این آن ها را وادار سازند که به دست اربابانشان بوسه زنند؟ مگر نمی بینی مردم ما تا چه حد به حقارت کشیده اند؟ شما که آفریننده ی «تاراس بولبا» و «بازرس» هستید هنوز هم در فایده ی آزادی مردم تردید نشان می دهید.

گوگول با شنیدن سخنان بلینسکی شادان از زمین می جهد و دست های او را به گرمی به دست می گیرد که ویساریون کریگوریویچ، شما روح مرا تکان دادید؛ ممنونم. اکنون با قلبی شاد به دیار دور دست زیبای خود می روم. بدین ترتیب انگیزه ی نگارش «نفوس مرده» به گوگول دست می دهد و ادبیات او آمیخته می شود با سیاست.

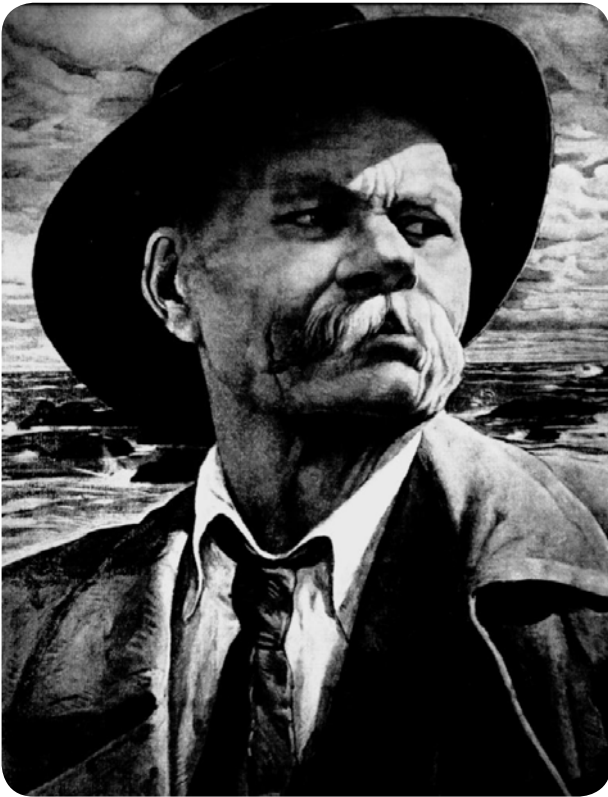
اما ایوان تورگنیف، دیگر نویسنده ی روس، در سال ۱۸۱۸ در خانواده ی ملاک ثروتمندی در اوول روسیه مرکزی به دنیا آمد. او در خانواده، رابطه ی ارباب رعیتی را می دید و بعدها درصدد بهبود وضع دهقانان می کوشید. همه ی خدمت کاران خانه را آزاد کرد و در زمان الغای بردگی در سال ۱۸۶۱ با دولت همکاری کرد. تورگنیف با ارائه ی طرح های بردگان آرمان گرا و دارای خصوصیات انسانی در نمایشگاه خود، بر شناعت بارز بردگی تاکید کرد و این تاکید بسیاری از صاحبان نفوذ را به خشم آورد. مامور سانسوری که نسخه ی دست نویس، از زیر دست او رد شده بود، باز نشسته شد و دولت از اولین فرصت برای مجازات نویسنده استفاده کرد.

تورگنیف پس از مرگ گوگول مقاله ی کوتاهی نوشت که دستگاه سانسور در پترزبورگ آن را توقیف کرد، اما وقتی آن را به مسکو فرستاد از سانسور گذشت و منتشر شد. او یک ماه به جرم نافرمانی به زندان افتاد و بعد او را به ملکش تبعید کردند که بیش از دو سال همان جا ماند. وقتی از تبعید برگشت، نخستین رمانش به نام «رودین» و سپس «آشیانه ی نجبا» و در «شب عید» را منتشر کرد.

رودین، نام آرمان خواهی است که فقط حرف می زند و اصلا اهل عمل نیست؛ او حتی در مقابل دختری که عاشق او شده است ضعف نشان می دهد و با توجه به این که دختر حاضر است با او فرار کند، رودین نمی پذیرد و بی ارادگی خود را آشکار می سازد. او از دختر جدا شده و سراسر روسیه را می گردد و فقط آرمان های خود را بازگو می کند و بالاخره در یک وضعیت، شخصیت خود را استحکام بخشیده و به مرگی بیهوده، اما قهرمانانه در سنگرهای خیابانی در پاریس در سال ۱۸۴۸ می میرد.

در «آشیانه ی نجبا» نیز تورگنیف به ستایش از عناصر عالی در آرمان های ارتدکس نجبای قدیم می پردازد و در «شب عید»، داستان دختری را روایت می کند که تنها هدفش در زندگی، آزادی کشورش است....

* آنچه رفت، مختصری از تاثیر سیاست بر ادبیات داستانی روس بود؛ بررسی کامل این موضوع مجال گسترده تری را می طلبد که از حوصله ی این مقال خارج است.



پالاشکاها) صدا می کنند؛ و سرانجام منظره کشوری که در آن نه تنها هیچ گونه تضمینی برای خود شخص، شرف و اموال او در کار نیست، بلکه حتی پلیس هم هیچ نظمی برقرار نمی کند و در عوض پر است از موسسات عظیم دزدان و سارقان حکومتی. حادث ترین مسائل ملی معاصر در روسیه درحال حاضر از این قرارند: لغو حق تملک برده؛ الغای تنبیه بدنی و اقدام به اجرای حتی المقدور سخت گیرانه ی دست کم آن قوانینی که درحال حاضر وجود دارند. این را حتی خود دولت هم احساس کرده است) که خوب می داند ملاکان با دهقانانشان چه رفتاری دارند و هرساله سر چندتایشان را گوش تا گوش می برند) و این از نیمچه اقدامات بی حاصل و ترس خورده ی آنان به سود سیاهان سفید پوست ما پیداست...."

وضعیت ناپهنجار آن روزگار روسیه در نامه بلینسکی کاملا هویدا و آشکار است. بعد از قرن نوزدهم در وضعیت ادبی روسیه تحولی حاصل نشد. وقتی اندکی کمتر از یکسال پس از انقلاب لیبرال، رهبران بلشویک رژیم دمکراتیک کرنسکی را سرنگون و حکومت وحشت خود را مستقر کردند، اغلب نویسندگان روسی راهی کشورهای دیگر شدند. لنین وظیفه ی نویسنده را نوشتن برای مقاصد حکومت قلمداد کرده و از همان زمان آثار داستانی در روسیه به طور دردناکی به یک نواختی دچار شد. بلشویکها معتقد بودند که شخصیت هنرمند باید آزادانه و بدون قید و بند شکل بگیرد، اما یک چیز از او می خواهیم: تابید اعتقادات ما. لنین نیز می گوید هر هنرمندی حق دارد آزادانه خلق کند، اما ما کمونیست ها باید او را بر طبق برنامه مان ارشاد کنیم.

هنرمند روسیه هیچ آزادی ندارد و باید پایان داستان ها به نفع بلشویکها تمام شود. بعد از سرکار آمدن استالین هم هیچ تغییری در این روند دیده نمی شود. در چنین وضعیتی توهینی که به نویسندگان روا می دارند، آن ها را ناخودآگاه وارد

سیاست و ادبیات داستانی روس

حسین فدوی

ادبیات داستانی روسیه را باید با دقت کامل بررسی کرد. بیشتر تاریخ ادبیات روس عجین شده با نظریه متفکرانی است که ادبیات را وسیله ای ارزیابی می کنند جهت به رفاه رساندن مردم. اگر تزارها در مقطعی معتقد هستند که باید ادبیات در خدمت دولت باشد، منتقدان رادیکال اعتقاد داشتند که نویسنده باید خدمتگذار توده باشد.

شخص تزار نیکولا، از نویسنده ی شهر روس پوشکین متفرد بود، چرا که او به جای این که در خدمت دولت باشد به فکر تمسخر مستبدان بود. کلیسا از سبک سری او بیزار بود. ماموران امنیتی، کارکنان عالی رتبه و مزدوران دولت به او لقب نازل سطحی می دادند. شیوه های دولت برای خفه کردن پوشکین تبعید وی بود و یا ارشادهای مداوم که در وی کارساز نبود.

از طرف دیگر منتقدان رادیکالی بودند که تفکرات انقلابی داشتند و نویسندگان را در خدمت توده ها می پنداشتند. آن ها نیز از نویسندگان مستقلی چون پوشکین متفرد بودند، چرا که آثار وی به طور مستقیم در ستیزه با مستقدان نبود، بلکه در لافاهی هنری سعی می کرد که دیدگاه های خود را بیان کند. آن ها می گفتند که یک جفت پوتین درست و حسابی، خیلی خیلی بیش تر از همه ی پوشکین ها و همه ی شکسپیرها به درد مردم روسیه می خورد. القابی که رادیکال های افراطی به بزرگترین شاعر روس نسبت می دادند با القابی که سلطنت طلبان افراطی به کار می گرفتند، بسیار شبیه هم بود و این شباهت انسان را به حیرت و می داشت.

یعنی عملا نویسندگان آن دوره در برزخ عظیمی گیر افتاده بودند و به هر طرف که برمی گشتند، بی مهری و نامهربانی نصیبشان می شد. نویسندگان قرن نوزده روسیه تماما سیاسی بودند و هیچ چاره و گریزی از سیاست هم نبود. بلینسکی در سال ۱۸۴۷ نامه ای به گوگول می نویسد که دقت در آن، وضعیت آن روزگار روسیه را نشان می دهد: "شما متوجه نشده اید که روسیه راهی خود را نه در عرفان می داند، نه در ریاضت و نه در زهد؛ بلکه در دستاوردهای تمدن، روشنگری و انسان گرایی؛ روسیه نه به موعظه احتیاج دارد که موعظه زیاد شنیده است و نه به دعا که بارها و بارها دعا کرده است. روسیه محتاج آن است تا در مردم عادی اش ادراکی از عزت انسانی سر برآورد، چرا که قرن هاست میان لجن و کثافت کم شده است. محتاج حقوق و قوانینی که نه با آموزه های کلیسا که با عقل سلیم و عدالت منطبق باشد و محتاج اجرای حتی المقدور سختگیرانه ی آن ها. اما در عوض این ها تصویر روسیه تصویری است دهشتناک... سرزمینی که در آن انسان ها تجارت انسان می کنند و هیچ توجیهی هم ندارند. مثل توجیهی که زمین داران آمریکایی با هوشمندی تمام برای خود دست و پا کرده اند و می گویند سیاه اصلا انسان نیست؛ منظره ی سرزمینی که مردم همدیگر را نه به نام، که با اسم های مستعار زشتی چون جک و تام (وانکاها و اسکاها و استشکاها و



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید

برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

درس هایی از ادبیات فرانسه

فراز و فرود زندگی ژان ژاک روسو

در میان دیگر نویسندگان قرن هجده فرانسه، شاید ژان ژاک روسو تنها کسی است که زندگی و تفکرش بعدی افسانه یی و اسطوره یی داشته باشد.

نابغه یی که نه تنها درک نشد، بلکه مجبور بود رنج و درد بسیاری را از جانب دنیای اطرافش به جان بخرد؛ دنیایی که خودش از آن با صفت سبک سر و نادان یاد می کرد. جمهوری خواهی پرشور و تنها الگو و پایه گذار تفکر انقلاب ۱۷۸۹، دوستدار طبیعت و مخالف فساد تمدن مدرن، در یک جمله می توان گفت او متفاوت بود.

کودکی و نوجوانی پریشان

ژان ژاک روسو در ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ در ژنو متولد شد. پدرش پس از به دنیا آوردن او مرد. پدرش ساعت ساز بود، با شخصیتی افتاده و متواضع که نه خشونت و سخت گیری و نه اقتدار لازم را برای به عهده گرفتن تعلیم و تربیت دو پسرش داشت. ژان ژاک و برادر بزرگ ترش فرانسوا بی هیچ قید و بندی بزرگ شدند. برادرش در همان نوجوانی سر از دارالتادیب درآورد و پس از آن ناپدید شده، هیچ ردی از خود به جای نگذاشت. دایی ژان ژاک مسوولیت او را به عهده گرفت و رسماً قیم او شد. از آن پس تربیت و آموزش ژان ژاک به همراه پسر دایی اش به کشیشی به نام لامبرسیه واگذار شد.

در عین حال که کودک از پرسه زدن در کوه و دشت لذت می برد، با تربیتی خشن و سخت گیرانه آشنا می شد. کشیش لامبرسیه به همراه خواهرش این دو شاگرد نوجوان را با مهر و محبت خاص خود بزرگ می کردند، البته در مواردی هم که خودشان تشخیص می دادند از تنبیه های سخت و شدید چشم پوشی نمی کردند. این مجازات ها که تا آن زمان از آنها بی بهره بود، گاهی اوقات غیرعادلانه می نمود و ژان ژاک نوجوان را عمیقاً تحت تاثیر قرار می داد؛ تا آنجا که در اعترافات خود نیز از آن یاد کرده است؛ «روزی به تنهایی در اتاق مجاور آشپزخانه سرگرم درس خواندن بودم. خدمتکار زن شانه های دوشیزه لامبرسیه را روی لوح سنگی اجاق گذاشته بود تا خشک شود. هنگامی که برگشت تا آنها را بردارد، دیده که ندیده های یک طرف یکی از شانه ها به کلی شکسته است... از من بازخواست کردند؛ من منکر دست زدن به آن شانه شدم. آقا و دوشیزه لامبرسیه یکصدا باهم مرا به گفتن حقیقت برانگیختند، فشار آوردند، تهدید کردند. من سرسختانه بر گفته خود پا فشردم؛ اما باور آنان بر گناهکار بودنم چنان استوار بود که بر همه اعتراض هایم غلبه کرد... شیطنت، دروغ و یکدنگی مرا یکسان سزاوار تنبیه دانستند... تنبیهی طاقت فرسا. چندین بار بازجویی را از سر گرفتند و مرا در وضعی سخت ناخوشایند قرار دادند، اما من تزلزل ناپذیر بودم...»

پس از گذشت دو سال کشیش درصدد برآمد برای ژان ژاک حرفه یی پیدا کند. او را نزد یک دفتردار محکمه فرستادند که خیلی زودتر از آنچه فکر می کردند، همکار جوان و پرتلاش خود را از سر باز کرد. پس از آن او را نزد یک کنده کار فرستادند، اما روسو دیگر نتوانست این موقعیت تحقیر کننده را تحمل کند، چرا که دروغ و دزدی - که اساس کار این حرفه ها بود - با روحیه او جور در نمی آمد. این گونه بود که او در سال ۱۷۲۸ در حالی که شانزده سال بیشتر نداشت، از ژنو فرار کرد و خانه به دوش و سرگردان به زندگی خود ادامه داد.

خانه به دوشی

«هر قدر آن لحظه یی را که از فرط ترس و وحشت فکر فرار به سرم افتاد در نظرم غم انگیز بود، همان قدر زمانی که آن را اجرا کردم به چشم جلوه یی دلپذیر داشت. من که هنوز کودک بودم، می بایست کشورم را، خانواده ام را، پشتیبانانم را، امکانات مالی ام را ترک گویم و کارآموزی ام را نیمه تمام بگذارم بی آنکه بدان اندازه با حرفه ام آشنا شده باشم تا بتوانم از آن راه گذران کنم. می بایست خود را تسلیم کابوس فقر و فلاکت کنم و هیچ راهی برای بیرون شد از آن نداشت به باشم...» تنها و بی پول چند روزی را در ایالت ساوونا در فرانسه سرگردان بود تا سرپناهی در ایالت آنسی (در مجاورت ساوونا) نزد خانم وارن پیدا کرد. این خانم او را به دارالایتمای مذهبی در تورین فرستاد تا مذهب کاتولیک را به ژان ژاک جوان تلقین کند. پس از انجام مراسم غسل تعمید، نزد خانم دو ورسلیس به خدمتگزاری مشغول شده و پس از مرگ او به نوکری کنت گوون مشغول شد، همان جا که برای دزدیدن یک روبان کوچک کهنه مورد اتهام قرار گرفت؛ «خانم دو ورسلیس برای خدمتکاران فرودست خود معادل دستمزد یک سالشان را به ارث گذاشته بود، اما چون اسامی همه نوکرانش را یک به یک در وصیت نامه اش درج نکرده بود، به من چیزی نرسید. با این همه کنت دو لاروک دستور داد که سی لیره به من بدهند، و لباس نویی را هم که به تن داشتم و آقای لورنزی می خواست از من پس بگیرد، برابم باقی گذاشت.»

بنابراین او بار دیگر آوارگی را از سر گرفت و پس از مدتی پرسه زنی، دوباره نزد خانم وارن بازگشت. با حمایت او، آموزش ها و تعلیمات پیشین را آغاز کرد، با موسیقی آشنا شد و شروع به کار کرد؛ نقشه برداری زمین های مزروعی.



در سال ۱۷۳۲ خانم وارن مسوولیت ژان ژاک را به عهده گرفته و رسماً از آن پس به او متعلق بود. روسو فکر می کرد با وجود رفت و آمدهای همه روزه خزانه دار خانم وارن، دیگر به آرامش رسیده و طعم خوشبختی را خواهد چشید. اما جنون، روسو را وادار به دوری کرد؛ وسوسه سفر او را در تملک خود گرفته و برای ماجراجویی های بیشتر بازهم به جاده پناه برد. در سال ۱۷۳۸ نزد خانم وارن بازگشت اما دریافت که مهرش کاملاً از دل خانم وارن بیرون رفته است. ناامید و دل شکسته، یک سال را به تنهایی گذراند و پس از آن در لیون، در خانه آقای مابلی، به عنوان معلم سرخانه پسرش، ساکن شد.

در جست وجوی افتخار

روسو دیگر سی سال داشت و هنوز هم کسی او را نمی شناخت. در موسیقی تخصص پیدا کرده بود و فکر می کرد بتواند با مطرح کردن ابتکاری که در سر داشت، نام خود را در آکادمی علوم پاریس ثبت کند. او یک روش نت نویسی را پیشنهاد کرده بود که کاملاً جدید بود. اما آزرده خاطر و ناامیدتر از سابق، شغل منشی گری سفارت فرانسه در ونیز را که به او توصیه شده بود، پذیرفت. کمتر از یک سال نگذشته بود که فهمید نمی تواند با این شغل پرطرفدار کنار بیاید، به پاریس بازگشت و با فروتنی و تواضع بسیار در مسافرخانه یی مقیم شده و از مستخدمه آن مسافرخانه صاحب پنج فرزند شد. روسو هر پنج تایشان را به شیرخوارگاه سپرد. رفتاری که موجب شد مدت ها بعد نیز منتقدانش هرگز از طعنه زدن به او باز نایستند؛ که چگونه نویسنده یی با این گفتارها و نوشته ها توانسته فرزندان خود را این گونه رها کند. ولی روسو با این توجیه که جایی برای تربیت درست و رشد صحیح آنها نداشته، از خود دفاع می کرد.

در همین سال ها بود که روسو معاشرت با محفل های فلسفی را شروع کرد و جایگاه قابل توجهی نزد خانم دپینی برای خود دست و پا کرد. از همین طریق توانست مقالات قسمت موسیقی دایره المعارف را بنویسد. پس از آن با نوشتن یک اپرا، تعدادی رساله از جمله «گفتار در باب علوم و هنرها»، «غیب گوی دهکده» و «نامه یی در باب موسیقی فرانسوی» بالاخره توانست به شهرت برسد؛ «نامه درباره موسیقی فرانسوی به جد گرفته شد و تمام ملت را که گمان می کرد به موسیقی اش اهانت شده، بر ضد من برانگیخت... آن زمان مصادف بود با دعوی میان مجلس و روحانیان. مجلس تعطیل شده بود. ناآرامی به اوج رسیده بود. همه چیز از وقوع شورشی نزدیک حکایت داشت. این نامه منتشر شد. در دم همه دعوای دیگر فراموش شد. تنها چیزی که فکر همه را مشغول کرد، خطری بود که موسیقی فرانسوی را تهدید می کرد. و تنها شورشی که برپا شد، بر ضد من بود... اگر به آزادی ام تعرض نشد، دست کم از توهین مصون نماندم. ارکستر اپرا هم برای کشتن من هنگام خروج از آنجا شرافتمندانه توطئه چینی کرد...»

از سال ۱۷۵۰ تا سال مرگش (۱۷۷۸)، روسو آثار متعدد خود را یک به یک منتشر می کرد، اما به دلیل روحیه زودرنجی که داشت، مجبور بود منزوی باشد. تک و تنها در مقابل تمامی منتقدانش می ایستاد و دست از نوشتن برنمی داشت. در سال ۱۷۶۴ دیگر مطمئن بود باید به نوعی با دشمنانش که در صدر آنها می توان از ولتر نام برد، مبارزه تن به تن را آغاز کند. این گونه شد که نوشتن اعترافات را شروع کرد. هدفش این بود که چهره واقعی روسو را به همگان نشان دهد و سوءتفاهم هایی که در موردش وجود دارد، توجیه کند؛ «من حقیقت را گفته ام. اگر کسی مطالبی خلاف آنچه بازنموده ام بداند، حتی اگر هزار بار آنها را به اثبات برساند، چیزی جز دروغ و حيله گری به دست نخواهد داد...»

منبع: مسیرهای ادبی، قرن هجده؛ انتشارات آتیه پاریس، ۱۹۸۹

آزادی کامل «کافکا» در زادگاهش



فارس؛ مجموعه کامل آثار «فرانتس کافکا» که در زمان حکومت نازی ها ممنوع بود و در دوران استیلای کمونیست ها نیز با سکوت مواجه شده بود، برای اولین بار در پراگ، زادگاه این نویسنده، به زبان چک انتشار یافت. انجمن فرانتس کافکا در شهر پراگ اعلام کرده

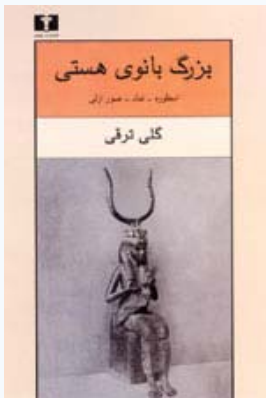
است؛ با انتشار سیزدهمین جلد از یادداشت ها و نامه های این نویسنده پروژه چاپ مجموعه آثار «کافکا» به طور کامل به پایان رسید. رمان ها و داستان های کوتاه فرانتس کافکا (۱۸۸۳-۱۹۲۴) به زبان آلمانی نوشته شده اند. انجمن فرانتس کافکا بعد از تغییرات سیاسی در کشور چک با سرمایه یی در حدود ۳۶۰ هزار یورو پروژه ترجمه آثار کافکا را به زبان چک آغاز کرد. آثار کافکا با وجود وصیت او مبنی بر نابود کردن همه آنها، اکثراً پس از مرگش منتشر شدند و در زمره تاثیرگذارترین آثار در ادبیات غرب به شمار می آیند. کافکا در یک خانواده آلمانی زبان یهودی در پراگ به دنیا آمد. وی زبان آلمانی را به عنوان زبان اول آموخت، ولی زبان چک را هم تقریباً بی نقص صحبت می کرد.



ویدا اسلامییه «پندراگون» را به ایران می آورد

مهر؛ نخستین جلد از مجموعه داستان های «پندراگون» با ترجمه ویدا اسلامییه در ماه های آتی از سوی نشر تندیس وارد بازار کتاب می شود. این مجموعه هفت جلدی نوشته دی جی مک هیل است که در حال حاضر ترجمه جلد اول آن با عنوان «تاجر مرگ» آماده انتشار شده است. ویدا اسلامییه قرار است بعد از انتشار جلد نخست، به ترجمه شش جلد بعدی نیز بپردازد. او پیش تر عنوان کرده بود که بعد از ترجمه آثاری فانتزی چون هری پاتر، از رمان پندراگون و فضا سازی های آن حیرت کرده است. در «تاجر مرگ»، پندراگون ۱۴ ساله متوجه می شود ماموریتی برعهده اش گذاشته شده است. او بی آنکه به جزئیات این ماموریت پی ببرد برای انجام آن راهی می شود و به دنیایی تخیلی راه می یابد. از اسلامییه پیش تر مجموعه داستان های هری پاتر در هفت جلد، جی کی رولینگ جادوگری در پس چهره هری پاتر، کوئیدپچ در گذر زمان و... ترجمه و منتشر شده است.

پیوند هنرمند و انسان اساطیری



«هنرمند اصیل به دنیای دیگری نقب می زند و از آن دنیا پیام می آورد. این امر حتی در مراسم آیینی و مذهبی یا در لحظه آفرینش یک هنر بزرگ هم دیده می شود. در آن لحظه خاص آفرینش، فرد از تاریخت خود بیرون آمده و در یک لحظه همزمان با عالمی متعالی می شود. این حرفی است که عرفا و شعرای بزرگ می گویند. «جایی دیگر» و «آن سو» تعبیراتی از

این دست است. از اینجاست که پیوندی میان هنرمند و انسان اساطیری و حتی انسان مذهبی که در آیین عبادی شرکت می کند، برقرار می شود. در این حالت انسان از زمان کرانه مند فارغ می شود یا می گریزد و با زمانی بی کرانه هم عصر می شود.»



info@persianweekly.co.uk

تاریخ



پیدا شدن کشتی نوح

دکترجانانان گری - باستان شناس و محقق استرالیایی

در دل کوههای آرارات در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه، جسم عظیم فسیل شده ای قرنهایست که آرمیده و طوفان مهیب را پشت سر گذاشته است. کشتی بزرگ و مجهزی که یکی از پیامبران خدا را در رسالتش یاری داده است. این فسیل غول پیکر، راز و رمزهای بسیاری در دل خود نهفته دارد. ماجرای آن قرنهایست که مورد توجه بوده و دهها سال کانون کاوش ها و کنجکاوپها خواهد بود. تحقیقات هم چنان ادامه دارد.

در سال ۱۹۵۹، یک خلبان ترک، براساس مأموریت محول شده، چندین عکس هوایی برای مؤسسه ژئودتیک ترکیه برداشت. هنگامی که مأموریت به پایان رسید، در میان عکس های او تصویری جلب نظر می کرد که بیشتر شبیه یک قایق بود تا چیزی دیگر. قایقی بزرگ که بر سینه تپه ای، در فاصله بیست کیلومتری کوههای آرارات آرمیده بود.

بلافاصله پس از مشاهده این تصویر، تعدادی از متخصصان، علاقه مند به پیگیری شدند. دکتر براندنبرگ از دانشگاه ایالتی اوهایو یکی از این علاقه مندان بود. او کسی بود که قبلاً در زمینه کشف تأسیسات روی زمین از طریق هوا، مطالعات دانشگاهی داشت و پایگاههای موشکی کوبا را در دوران کندی کشف کرده بود.

دکتر واندنبرگ با دقت عکس ها را مورد مطالعه قرار داد و اظهار کرد: «من هیچ شکی ندارم که شیء موجود در عکس های هوایی یک کشتی است. من تا به حال در طول مدت فعالیتیم، هرگز چنین شیء عجیبی در یک عکس هوایی ندیده بودم.» پس از آن یک گروه کاوشگر آمریکایی نیز به منطقه مورد نظر اعزام شد، ولی حتی با انجام تحقیقات کوتاه مدت، نتوانست اطلاعات قابل توجهی بدست آورد.

۱۷ سال از آخرین تحقیقات در منطقه گذشت و هیچ اکتشافی تا سال ۱۹۷۶ انجام نگرفت. در سال ۱۹۷۶ یک باستان شناس آمریکایی به نام «ران ویت» تحقیقات جدید خود را در منطقه آغاز کرد. او بسیار زود دریافت که این شیء قایق مانند، بسیار بزرگتر از حدی است که قبلاً تصور می کرد. او بزودی با انجام محاسبات دقیق دریافت که طول این شیء عظیم الجثه بلندتر از طول یک زمین بازی فوتبال و اندازه آن به بزرگی یک ناو جنگی است که کاملاً در زمین دفن شده است. اما کشتی کشف شده در زیر گل و لای قطوری دفن شده بود و بسختی به جز از ارتفاع قابل رؤیت بود.

به دلیل همین عدم مشاهده دقیق از سطح زمین، امکان هر تحقیقی غیر ممکن بود. از سوی دیگر جسم کشف شده آنقدر بزرگ و سنگین بود که هر گونه اقدامی را در وهله اول عقیم می ساخت. «ران وایت» و گروه همراهش که مشتاقانه کار را پیگیری می کردند، به جایی رسیدند که تنها وقوع یک حادثه عجیب و نادر می توانست راهگشای کار آنها باشد:

«زمین لرزه!» آنها متوجه شدند که حرکت دادن و در آوردن جسم مذکور از درون زمین، به دلیل ابعاد وسیع و بزرگ آن غیر ممکن است و تنها با یک لرزش زمین، این شیء می تواند از دل خاک سر در آورد و مورد کاوش قرار گیرد.

از تحقیقات ران ویت مدت زیادی نگذشته بود که در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۷۸، وقوع زمین لرزه ای در محل، باعث شد تا کشتی مزبور به طور شگفت آوری در دل کوه بیرون بزند و سطح زمین اطرافش را به بیرون براند. بدین ترتیب دیواره های این شی، شش متر از محوطه اطرافش بالاتر قرار گرفت و برجسته تر شد.

بدنبال این زمین لرزه، ران وایت ادعا کرد که شیء مذکور می تواند باقیمانده کشتی نوح باشد. سپس بدبینی ها به خوش بینی مبدل و این سؤال ها مطرح شد: «اگر این جسم عظیم قایقی شکل به طول یک زمین فوتبال، در ارتفاع ۱۸۹۰ متری کوههای آرارات، کشتی نوح نیست، پس چه چیز می تواند باشد؟ و اگر جسم کشتی نوح است، آیا طوفان نوح واقعاً بوقوع پیوسته است؟»...

«... آیا ما شاهد بقایای کشتی افسانه ای حضرت نوح که در کتب مقدس ادیان جهان از آن صحبت شده است، هستیم؟»

طوفان و سیل در زمان حضرت نوح در سطح وسیعی به وسعت کره زمین واقع شده است. به اعتقاد مسیحیان و بنا به انجیل، این حادثه عظیم و دهشت آور، برای تنبیه مردمان آن روزگار که دست به سرکشی زده بودند و به منظور نجات نوح پیامبر و پیروانش واقع شده بود.

بررسیهای زمین شناسی در نقاط مختلف دنیا، نابود شدن و مرگهای دسته جمعی موجودات زنده را بر اثر حادثه ای غیر منتظره نشان می دهد. برخی از این حوادث با زمان طوفان نوح همخوانی دارد.

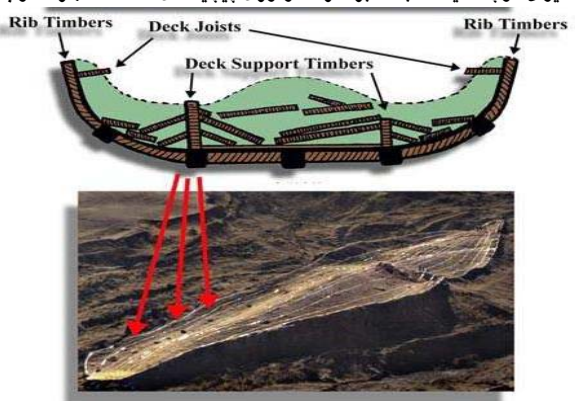
وجود لایه های مخلوط فسیل شده حیواناتی چون فیل، پنگوئن، ماهی، درختان نخل و هزاران هزار گونه گیاه جانوری، تأییدی بر این واقعیت است. این سنگواره ها که بعضاً در برگیرنده حیوانات مناطق گرمسیر با مناطق سردسیر (در کنار هم) هستند، نشان می دهند که با فرونشستن آب، جانوران و گیاهان خارج شده، در زیر رسوبات مانده و به فسیل تبدیل شده اند. امتراجی عجیب از جانوران خشکی و دریا، حاره و قطبی که مرگی آنی و دلخراش را روایت می کنند.

تاریخ در مورد محل به گل نشستن کشتی چه می گوید؟
داستان کشتی نوح از گذشته های دور مورد توجه اقوام مختلف بوده است.



مورخان از ۲۰۰۰ سال پیش نقل کرده اند که توریست ها و مسافران کنجکاو بسیاری از قدیم این منطقه را در کوههای آرارات کشور ترکیه، مورد بازدید قرار می دادند و گاهی تکه های کوچکی از آن به غنیمت برده می شد. در تاریخ آمده است که حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، آشوریان اقدام به ورود به کشتی کردند و موفق به ورود به طبقه سوم آن که در زیر زمین واقع شده بود شدند. این نشان می دهد که اقوام مختلف در مورد موقعیت جغرافیایی کشتی، متفقند.

تکنولوژی پیچیده در ساخت کشتی اینجا صحبت از ساخت یک قایق کرجی کوچک هشت نفره با ظرفیت چند حیوان کوچک نیست. بحث بر سر تکنولوژی پیچیده ای است که مهارت ذوب



فلزات، ابزار پیشرفته و نیروی انسانی حاذق می طلبیده است. از آنجا که یاران حضرت نوح تعداد بسیار کمی بوده اند، این سؤال پیش می آید که نوح برآستی چگونه این کشتی را ساخته است. کشتی ای که تاکنون از عجایب کتب مقدس به شمار می رفت و اکنون یک واقعیت علمی لمس شدنی است. آیا نوح به تنهایی توانسته است کشتی ناوگونه خود را به طول یک زمین فوتبال و به وزن تقریبی ۳۲۰۰۰ تن بسازد؟ آیا ساخت یک کشتی با دست خالی با امکانات آن زمان، به کنجایش ۴۹۴ اتوبوس دو طبقه مسافربری با تصورات ما درباره قدام، همخوانی دارد؟ برآستی چه تعداد جانور و چگونه جمع آوری شدند و در کشتی جایگزین شدند؟ آب و غذا چگونه تأمین می شد؟ جانوران وحشی چگونه به سوی کشتی هدایت شدند؟ باید کار جمع آوری و هدایت حیوانات کاری سخت بوده باشد ولی بهرحال فرمان خدا باید انجام می شد.

کشف سنگ واره و فسیل حیوانات خوشبختانه تحقیق بیشتر در محل، حضور حیوانات را در کشتی یافت شده، تأیید کرد. کشف مقادیر قابل توجهی فضولات حیوانات که به صورت فسیل در آمده اند و از ناحیه خسارت دیده کشتی به بیرون رانده شده اند، فرضیه ما را بیشتر به واقعیت نزدیک کرد. علاقمندان به کاوش در مورد کشتی نوح بارها و بارها سعی کرده اند به درون کشتی فسیل شده راه یابند ولی همیشه با توده های عظیم سنگ و خاک نیمه ویران مواجه شده اند. در آخرین تلاشها، کاوشگران سعی کردند لایه های گل و لای خشک شده اطراف کشتی را در هم بشکنند و از میان بردارند تا شاید راهی برای ورود به اتاقهای زیرین کشتی پیدا کنند، اما خیلی موفق نبودند. در سال ۱۹۹۱، «گرگ برو» باستان شناس، بخشی از شاخ فسیل شده جانوری را کشف کرد که از قسمت تخریب شده کشتی که فضولات حیوانی بیرون ریخته بودند، به بیرون افتاده بود. به تشخیص محققان، این شاخ که مربوط به یک پستاندار بوده است، مقارن با شاخ اندازی سالانه جانور به هنگام خروج از کشتی در آنجا رها شده است... آزمایشات دانشمندان وجود قطعات آهن را در فواصل منظم و معین در ساختار کشتی تأیید کرده است.

باستان شناسان با کشف رگه ها و تیرهای باریک آهنی، الگویی ترسیم کرده اند که حاصل کار به صورت نوارهای زرد و صورتی بر روی کشتی علامتگذاری شد. آنها همچنین کره ها و اتصالات آهنی محکم و برجسته ای را

یافته اند که در ۵۴۰۰ نقطه کشتی بکار رفته اند.

تصویر برداری های راداری نشان داده که در محل تصادم کشتی با صخره به هنگام فرود آمدن یا به عبارت دیگر به گل نشستن، نوارهای آهنی یا تیرهای فلزی کج شده اند. آنها می گویند که استفاده وسیع و همه جانبه از فلزات در ساخت کشتی خارج از حد تصور ماست.

به نظر می رسد که تکنولوژی پیشرفته و رشد یافته ای در آن دوران وجود داشته که به هر حال نوح توانسته از آن بهره مند شود. تکنولوژی و تمدنی که ذهن ما را از تمرکز بر روی بناها و اماکن منحصر به فرد در نقاط مختلف دنیا به این نقطه از جهان معطوف می کند.

اکتشافات زمانی جالبتر شد که باستان شناسان توانستند طرح مشبکی حاصل از تقاطع تیرهای فلزی افقی و عمودی بکاررفته در بدنه کشتی بدست بیاورند. تصویری که نشان می دهند ۷۲ تیر فلزی اصلی در هر طرف کشتی به کاررفته است. به نظر می رسد که برای هر چیزی طرح و الگویی وجود داشته است. وجود اتاقها و فضاهای کوچک و بزرگ در طبقات مختلف، نظریه وجود طرح مهندسی پیشرفته را تأیید می کند.

در طول تحقیقات، بررسی هایی در مورد تعیین طول، عرض و قطر کشتی انجام گرفته است که متخصصان را قادر ساخته تا از جزئیات کف کشتی، ساختمان و الگوی اولیه و مواد تشکیل دهنده آن اطلاعاتی بدست آورند. دستیابی به چنین کشفیاتی مبهوت کننده بود، چرا که در بسیاری از مواقع، درک واقعیت کشف شده از حد تصور خارج بود.

کشف یک لایه غلافی و کپسولی شکل در داخل کشتی از این جمله بود که در واقع کشتی را به دو لایه یا پوسته اصلی مجهز می کرد. این آزمایشات، وجود دیوارهای داخلی کشتی، حفره ها، اتاقها و دهلیزها و همچنین وجود دو مخزن بزرگ استوانه ای را تأیید کرد. در این آزمایشها که به «رادار اسکن» یا «اسکن های راداری» معروفند، معلوم شد که دو مخزن استوانه ای بزرگ که هر کدام چهار متر و ۲۰ سانتی متر بلندی و هفت متر و بیست سانتی متر عرض داشته اند و به دور هر یک از آنها کمربندی فلزی نصب شده بود، در نزدیکی تنها در ورودی کشتی وجود داشته اند. در یکی از آزمایشات رادار اسکن که به درخواست استاندار استان آگری ترکیه انجام شد، معلوم شد که جنس بدنه کشتی از سه لایه چوب به هم چسبیده تشکیل شده است. این سه لایه با مواد محکم چسبیده، بهم چسبیده بودند.

...در نزدیکی محل فرود کشتی در بالای تپه، لوحه ای کشف شد که ادعاهای باستان شناسان را به طرز زیبایی اثبات کرد. کتیبه ای که حداقل ۴۰۰۰ سال قدمت دارد. بر روی این تابلوی سنگ آهنی، در سمت چپ، تصویر رشته کوههایی دیده می شود که در کنار یک تپه و سپس یک کوه آتشفشان قرار دارد. در سمت راست، یک تصویر قایقی شکل با هشت نفر انسان کنده کاری شده است... در بالای سنگ کتیبه، دو پرند در حال پروازند. کشف این کتیبه همگان را به شگفتی وا داشت. در واقعیت موجود، کوه آرارات در سمت چپ، تپه ای در کنار آن و قله یک کوه آتشفشان در کنار تپه وجود دارد.

...در پایان به برخی نکات در تأیید تحقیقات اشاره می کنیم:

۱- انجیل، می گوید که کشتی نوح در ناحیه کوههای آرارات فرود آمده است. ۲-قرآن، می گوید که کشتی نوح بر روی کوه «جودی» نشست است. کوهی که در حال حاضر کشتی مورد نظر بر آن قرار دارد به ترکی «کودی» داغ یا همان کوه «جودی» نام دارد.

۳- آشور نصیرپال دوم، پادشاه آشور (۸۵۹ - ۸۸۳ قبل از میلاد) مدعی بود که کشتی نوح در محلی به نام نی سیر پهلو گرفته است. در فاصله کمتر از ۵۰۰ یاردی محل کشتی، دهکده ای وجود دارد که اوزون گیلی نام دارد و پایین تر از آن بر روی نقشه های بسیار قدیمی، محلی به نام نی سیر یا نسیر مشاهده می شود.

هم اینک دولت ترکیه با اعزام گروههای باستان شناس، کشتی را مورد حفاظت قرار داده و برخی از یافته های باستان شناسان برای حفاظت و مراقبت بیشتری، مورد توجه ویژه قرار گرفته اند. کشف چهار ستون فلزی فسیل شده که هرکدام ۱۲۰ سانتی متر طول دارند و از بخشهای مهم در ساخت کشتی بوده اند، از جمله این اشیاء است که هم اکنون در تملک وزارت معادن و فلزات ترکیه قرار دارد.



info@persianweekly.co.uk

موسیقی



ادای احترامی به استاد حسین علیزاده

■ پیمان سلطانی - نوازنده و رهبر ارکستر مل



موسیقی دهه پنجاه همراه است با آغاز رفتارها و صورت‌های نوعی بینش منشعب شده از دموکراسی و آزادی و تلاقی میان سنت و تجدد. گونه‌ای از تداوم زندگی و رودرروی شرق و غرب و گفت‌وگو میان روایت با محوریت فرد، میراث آن دوره است. اگر بپذیریم که موسیقی در ارتباط با تاریخ بررسی خواهد شد و اگر بپذیریم که تاریخ ترکیبی است از اجتماع، مبارزات طبقاتی، سنت، امیدهای آینده، آنارکونیسم، سیاست و فرهنگ و خیلی چیزهای دیگر و اگر معتقد باشیم که برای درک تاریخ، مواردی به کار می‌رود که متفاوت از موازین هنری است با این مبنا که برای شناخت تاریخ باید تاریخیت دانش تاریخ را بیان کرد، پس می‌پذیریم که هستی‌شناسی تاریخی به طور کلی با هستی‌شناسی موسیقی تفاوت دارد. ماهیت عناصر دانش، بنیه فهم و درک آن دانش است. بنابراین وقتی تفاوت مطرح می‌گردد، هر عنصری که بر بنیاد دیگرگونه بودن استوار می‌شود، از یک سو با موازین تاریخی مواجه خواهد شد و از سوی دیگر با موازین ماهیت آن دانش خاص، که در این جا مقصود ما موسیقی است. نتیجتاً وقتی تقابل و تعامل تاریخ و موسیقی مطرح می‌شود و در این رودرروی به دهه پنجاه مراجعه می‌کنیم، یک نام بیش از حد خودش را به رخ می‌کشد که خوشنام و خوش چهره است. حسین علیزاده دهه پنجاه را این گونه آغاز می‌کند.

علیزاده موسیقیدان دگرگون شده به صورت شکل است و همچنین یک معترض اجتماعی. به همین دلیل توانسته از محتوای موسیقایی عصر خود با فرم‌های معاصرش فزاینده رود. در دوره‌ای از شرایط اجتماعی حاکم در ایران که بحران‌های حاکم از برخوردهای ذهنی و عینی ناشی از جدال‌های طبقاتی و مادی بود، عده‌ای از اهالی هنر تلاش می‌کردند تا بخش مهمی از تشنگی و بحران و تخاصم درونی‌شان را کنار بگذارند و با عقب زدن تمام این درونیات، ساخت‌های اصیل عصر خود را بیافرینند. علیزاده در آن دوره با رفتارهای عمیقش نسبت به فرم، از رویکرد صرف ملودیک و ریتمیک به سوی اتمسفر و سیادت فرمی در موسیقی پیش می‌رود و این در حالی است که تابوی ساختار موسیقی دستگاهی مدام او را با بحرانی ناشی از تردید مواجه می‌کند.

من این تردید را در قیاس با تردیدم به آینده در مواردی مشابه می‌دانم. هر گاه به گذشته نگاه می‌کنم، افسوس لحظه‌هایی را می‌خورم که دیگر

نیستند، دلم هوای آدم‌هایی را می‌کند که دیگر نفس نمی‌کشند. اضطراب و هراس امانم نمی‌دهد. وقتی که به آینده نیز فکر می‌کنم، این اضطراب همواره همراه من است؛ این که درون زمانی خواهم شد که عده بی‌شماری نیز از کنارمان رفته‌اند. در گذشته و آینده عده بی‌شماری از من دور شده و خواهند شد و چیزی برای رجعت وجود نخواهد داشت. محل عبور فقط خاطره‌های ذهنی من است و خاطره‌ها اغلب احساس لذت را از من می‌گیرند. من به دنبال لحظاتی برای لذت و شمع بی‌واسطه می‌گردم. غالباً زمان حال چنین چهره‌ای دارد و امکان لذت را سریع‌تر فراهم می‌کند. پس من گذشته را با خود معاصر می‌کنم تا ترس‌های درون از طریق اصوات پرتاب شده از گذشته، کنار گذاشته نشوند. وقتی که «تار و پود» علیزاده را می‌شنوم و بارها از اوایل ۱۳۷۰ آن را شنیده‌ام، و می‌بینم که این اثر ترس‌های مرا پرتاب کرده است و مرا در مقابل نور، تولد و زایشی دوباره قرار داده است، نمی‌دانم این همه اضطراب کجا مخفی می‌شود. چرا موسیقی علیزاده در بیان این گونه است؟ بیانی که به دو گونه حضور می‌یابد؛ بیان کنکاش و بیان دیدار. در بیان کنکاش، او خودش را به گذشته تبعید نمی‌کند، بلکه رویت و دیدار همراه با جست‌وجو مطرح است که در آن موضوع تعهد به صورت یک کلیت از تاریخ شفاهی و میراث معنوی و فرهنگی جامعه در می‌آید و قدرت فراروی علیزاده از تاریخ روایی متکی می‌شود بر پشتوانه مردمی تا سیاسی و این به تصور من در مسیر تحول قرار گرفتن و هموار کردن راه برای تحول دیگران است. علیزاده نه ریتم را به صورت قبل می‌خواهد، نه ملودی و نه ترکیب را. او همه عناصر را نابود شده خواسته است؛ در واقع یافتن فراروی تاریخی به صورت استحاله. چرا که عبور محتوای معاصر از درون فرم‌های همان عصر، کنکاش صورت نوعی فرم هاست و فرارفتن از محتوای تاریخ معاصر و جست‌وجوی تاریخ، اجتماع، فرهنگ و نوع بشری است که تا آن لحظه نبوده. ماهیت و هویت اصلی موسیقی معاصر ما در تلاطمی از روزمرگی قرار گرفته که علیزاده از آن‌ها چپیده است.

در این سه دهه، هر زمان که یک فضای موسیقایی، یا موازین فرم‌های موسیقایی، یا چارچوب‌های یک ساخت از درون تغییر می‌کند، خیلی سریع در پی علیزاده می‌گردیم. همیشه راه‌های تأثیر پیچیده است. ساخت اشراق سیطره‌اش را پس از عبور قرن‌ها در وجود موسیقیدانی بازسازی کرده که شاید در بحران زده ترین دوران موسیقی، شکل و محتوا را با خصایص غنی تر ارائه می‌کند. علیزاده اگر چه تحت تأثیر نوازندگان سلف خود، درویش خان، آقا حسینقلی، وزیر و علی اکبرخان بوده، اما او خودش را از آنچه در پیشینیانش به گسترده‌ی جغرافیای کشور انباشته، کوشیده تا به زبانی سخن بگوید و سنتی را ادامه دهد که بر ضد همان سنت واکنش داشته باشد.

در واقع او در قالب میراث فرهنگی و شفاهی‌اش دست به آفرینش آثار خود می‌زند. این یعنی انباشت کردن خود از تاریخ یک ملت. در اوان کودکی، رمانتیسم کوچکی و بازار از طریق ملودی و ریتم بی‌آن که متوجه باشیم، چنان به احساسمان تحمیل شده است که نسل ما تصور می‌کند باید تسلیم این همدلی همگانی گردد و این در حالی است که در آن دوران صداهای ماندگار و تازه‌ای در کنارمان نفس می‌کشیدند و در جست‌وجوی زمانی دیگر بودند. علیزاده جزو معدود کسانی بود که از این بی‌مهری زمانه جان سالم به در برد و توجه بسیاری را از همان اوایل به خود جلب کرد. البته زخم‌های بسیاری خورد، اما همین زخم‌ها در شمار قدرت هایش در می‌آید. علیزاده درست فهمید که چگونه متأثر شود و کجا تأثیر نگیرد و چگونه گرایش را به سوی فرم - به تندی فرمالیسم - معطوف کند. پس از «حصار» و «سواران دشت امید»، کم کم دیده می‌شود که او در زبان موسیقایی‌اش به سوی یک استقلال شخصی گام بر می‌دارد و ترکیب‌های صوتی‌اش شخصیت پیدا می‌کنند.

گرچه در آثار اولیه‌اش به رهایی کامل نمی‌رسد، اما همان آثار جولان و سیلان دارد. همچنین با این که فرم را تحت کنترل کامل ندارد اما آزادی را آزمایش می‌کند و این آزمایش‌ها را از ریتم آغاز می‌کند. عناصری که در ما حسی از بازگشت، نوستالژی و حسی از تعصب نسبت به سنت را ایجاد کرده‌اند، می‌بایست یا نزد ما گرامی باشند و یا دست رد بر ارتجاع و عقب ماندگی بزنیم و متهم و محکوم به غیر ایرانی و غرب زده بودن شویم. بلاتکلیفی میان این دو ما را به محل بحران پرتاب می‌کند. چیزی که ما را و عناصر پیرامون در حال کمون را از بطن تاریخ بیرون کشید و به درون جامعه فرستاد، مشروطیت بود. تحولی که در ادبیات فارسی عمیقاً درک شد و چندی بعد در هنرهای دیگر، نمایش و نقاشی. اما موسیقی نتوانست آن را درونی کند. کارساز بودن بحران به این دلیل است که ساختار گذشته را منقرض می‌خواهد و ساختارهای خودش را از خرابه‌ها و عناصر فرسوده گذشته به دست می‌آورد. علیزاده در کشف این بحران دخالت داشت، کشف بحرانی که بخشی از آن نتیجه موسیقی دربار و تفکر ملی‌گرایی بود و بخشی به دلیل بلاتکلیفی هویت ملی موسیقی، بخشی به سبب مدون نبودن گذشته موسیقایی و بخشی مربوط به شیفتگی موسیقیدانان سلف و سالخورده‌ای که از انقلاب مشروطه هم چندان خرسند نبودند. اما علیزاده واقف بود که تغییر در این موسیقی بقای آن را تضمین خواهد کرد. من به این هوش و تلاش علیزاده احترام می‌گذارم و پیروزی هایش را تبریک می‌گویم.

صدای گوشخراش

رسول صفات

اغلب کلاهی را تا روی پیشانی اش پایین کشیده و سیگاری از گوشه لبش آویزان است. می‌گوید، می‌خواند و گاهی هم تصنیف های عاشقانه می‌نویسد، که برخی از آنها توسط «ایگلز»، «لی جونز» و دیگران اجرا شده. نوازنده گیتار، ترومپت، آکاردئون، کیبورد و گاهی هم ساکسیفون است. اشعار را خودش می‌نویسد، از ۱۹۸۵ همسرش کا ترین در نوشتن اشعار به او کمک می‌کند، صدایی منحصر به فرد دارد که مخصوص خودش است و از بزرگان موسیقی جز و بلوز محسوب می‌شود.



تام ویتس که ادعا می‌کند در یک تاکسی در حال حرکت به دنیا آمده، بزرگ شده کالیفرنیا است. در دوران نوجوانی در یک ماشین می‌خوابید و جلوی در کلوپ شبانه لس آنجلس درباری می‌کرد و همان جا بود که فکر کرد باید ترانه‌هایی را که در سر می‌پروراند بنویسد. نوازندگی را در سال ۱۹۶۹ اولین بار در کلوپ Troubadour L.A.S شروع کرد، خیلی زود از ماشین بیرون آمد و در هتل Tropicana L.A.S جایی که مورد علاقه ستاره های راک بود اقامت گزید. تام ویتس در سال ۱۹۷۲ Closing Time را

به عنوان اولین آلبوم خود ضبط کرد. با وجود توفیق اندک این اثر در بازار فروش، قطعه (۱۵۵-) توسط «ایگلز» بازنوازی شد. سال بعد ویتس بیشتر وقتش را در تورهای مختلف با اجرای ساکسیفون، بیس و درام گذراند یا با فرانک زاپا و گروهش همکاری می‌کرد. ۱۹۷۵ ویتس تعداد کمی از طرفداران داخلی خود را داشت ولی به دلایل مالی مجبور بود گروه سه نفره اش را منحل کند. هرچند در همان سال ویتس به کمک یکی از دوستانش، یکی از هوادارانش و یک نوازنده ساکسیفون گروه چهار نفره یی را برای ضبط Nighthawks at the Dinner the گردآوری کرد. سال بعد نیز چند تور آمریکایی - اروپایی برگزار کرد که نسبتاً مورد قبول بود. همان سال در لندن کار بعدی را با نام Small Change ضبط کرد. ۱۹۷۷ (Foreign Affair) شامل اجرای دوصدایی با بت میدلر بود و در Blue Valentine برای اولین بار از گیتار الکتریک در آلبومش استفاده کرد. در سال ۱۹۷۸ تام ویتس نقش یک پیاننست کافه یی را در فیلم «کوچه بهشت» (سیلوستر استالونه) ایفا کرد. فعالیت سینمایی او با ساختن موزیک متن فیلم «درباره پول» در سال بعد ادامه یافت و بعدها در سال ۱۹۸۵ دو قطعه دیگر برای مستند «بچه های خیابان سیاتل» و فیلم Streetwise ساخت و از بهترین موسیقی فیلم‌هایی که ساخته می‌توان به موزیک متن فیلم «شب روی زمین» (جیم جارموش) در سال ۱۹۹۲ اشاره کرد. موزیکی که برای فیلم One from the heart فرانسس فورد کاپولا ساخت نامزد دریافت اسکار شد. همین امر سبب شد که کاپولا او را در چند فیلم دیگرش از جمله «کاتن کلاب»، «ماهی پرنجب و جوش»، «حاشیه نشینان» و «دراکولای برام استوکر» که در آن ویتس نقشی به یادماندنی را خلق کرد شرکت دهد. او در فیلم های دیگری چون «سقوط با قانون»، «قهوه و سیگار» هر دو از جیم جارموش و برش های کوتاه (رابرت آلتمن) به عنوان بازیگر حضور داشته است. به تندی فرمالیسم - معطوف کند. پس صدای گیتار الکتریک بیشترین فروش را تا آن زمان برای ویتس داشت. او دست از هرگونه تغییر صدا برداشت و با صدای واقعی خودش که صدای عجیب و غریب و گوشخراش بود کارهای بعدی را اجرا کرد. Swordfish trombones یک کار راک آزمایشی بود با دامنه سوررئالیستی و تنظیم ارکستری که خود ویتس از آن به عنوان سروصدای ارکستر از یک گورستان اتومبیل یاد می‌کند. Rain Dogs از برترین کارهای اوست که ادامه یی بر کار راک بود. در این آلبوم صدای تام ویتس را بیشتر از پشت یک بلندگوی دستی می‌شنویم. پس از آن بود که خوانندگان دیگر کارهای ویتس را با همان صدا بازخوانی کردند.

Frank's wild years s براساس ترانه هایی بود که تام ویتس و همسرش «کا ترین برنان» باهم نوشته بودند. اشعار راجع به خواننده یی گنمان بود که روی نیمکت پارک دراز کشیده و از سرما به حال مرگ افتاده و زندگی اش را در توم تجسم می‌کرد. Big time هم فیلمی بود که خود تام ویتس از برترین کنسرت هایش تهیه کرده است. سال ۱۹۹۲ آلبوم Bone machine برنده جایزه گرمی شد. «سوار سیاه» در شهر وایمار آلمان، نتیجه همکاری تام ویتس با پیشگامان طراحی و کارگردانی تئاتر رابرت ویلسن و آرتور ویلیام بود. ویتس و ویلسن سال ۹۲ همکاری دوباره یی در اجرای نسخه جدید آلیس در سرزمین عجایب داشتند. ویتس همچنین در گروه جز و راک Primus the sear of sailing the cheese و در لندن با گوین برایزر (آهنگساز) در اثری عجیب و غریب که سال ۹۳ برایزر آن را رهبری کرد در نقش یک دائم الخمر که سرود هایی را زیر لبی نجوا می‌کند، حضور یافت. پس از مدتی غیبت در سال ۱۹۹۹ دوباره به صحنه کنسرت بازگشت. Mule Variation در کالیفرنیا ضبط و روانه بازار شد. فروش این آخرین اثر به حدی غیرمنتظره بود که به بالا ترین جایگاه در نمودار آلبوم هایش رسید و مقدمه یی شد برای اولین تورش طی این دهه و مضاف بر این به خاطر بهترین آلبوم مدرن فولکلوریک دوباره جایزه گرمی دیگری نصیب تام ویتس کرد. سال بعد در دانمارک با کا ترین برنان و ویلسن دوباره همکاری کرد. ویتس اکنون ۵۸ ساله است. او تا سال ۲۰۰۷، ۳۴ آلبوم، ۵۸ قطعه موسیقی برای فیلم و سریال های مختلف و ۲۶ فیلم سینمایی در پرونده هنری اش داشته. از طرفداران پروپاقرص باب دیلن و از جمله پرکار ترین هنرمندان جهان در زمینه موسیقی به شمار می‌رود.

تایپ فارسی پذیرفته میشود

۰۷۹۳۱۵۰۱۱۴۲



info@persianweekly.co.uk

ورزشی ایران و جهان



روزهای تلخ لژیونرها ادامه دارد

زمستان فصل جدایی هاشمیان از هانوفر

سکونشینی وحید هاشمیان در چند بازی اخیر هانوفر این شایعه را در فوتبال آلمان تقویت کرده که مهاجم ایرانی هانوفر در این تیم هم به پایان خط رسیده و حتی قبل از پایان فصل جاری، یعنی در تعطیلات زمستانی هانوفر را ترک خواهد کرد. هاشمیان که در فصل جاری تنها یک گل برای هانوفر زده، فرصت چندانی



برای بازی پیدا نکرده است و سرمربی هانوفر هم اعتقاد چندانی به وحید ندارد. روز گذشته پایگاه اینترنتی Stock-world طی گزارشی به این موضوع پرداخت و نوشت: «هاشمیان در دو بازی اخیر هانوفر نامش حتی در میان ۱۸ نفر تیمش جای نداشت و همین موضوع موجب شده او قصد ترک باشگاه در زمستان را داشته باشد.» روزنامه Neue presse هم می نویسد: «اگرچه قرارداد هاشمیان تا تابستان ۲۰۰۸ اعتبار دارد اما این بازیکن ۳۱ ساله از موقعیت کنونی اش ناراضی است و می خواهد هر چه زودتر به زمین چمن برگردد.» هاشمیان در حالی گرفتار این شرایط شده که بارها طی مصاحبه های مختلف از شرایط مطلوب خود در هانوفر صحبت و اعلام کرده بود حداقل می خواهد دو فصل دیگر در بوندس لیگا به بازی خود ادامه دهد. در همین حال سایر لژیونرهای ایرانی در اروپا هم شرایط نامناسبی دارند و به نظر می رسد فصل ۲۰۰۸-۲۰۰۷ فصل ناکامی بازیکنان ایرانی حاضر در قاره سبز باشد. رحمان رضایی که پس از خداحافظی با تیم ملی می خواست بدون دغدغه تنها به لیوورنو فکر کند، نمایش چندان خوبی در ترکیب این تیم نداشته، مهدوی کیا هم چند هفته مصدوم بود و چند مسابقه اینترنت را از دست داد. در انگلیس هم آندرانیک تیموریان پس از یک فصل فوق العاده، روزهای سختی را سپری می کند و حسین کعبی هم جایی در ترکیب اصلی لسترسیتی ندارد و زمزمه بازگشت او به ایران شنیده می شود. به هر حال ظرف چند هفته آتی تکلیف هاشمیان مشخص می شود اما آنچه مسلم است حضور در جام ملت ها و غیبت در تمرینات پیش فصل تیم های اروپایی، به لژیونرهای ایران ضربه سنگینی زده است.

فوتبال کویت تعلیق شد

فدراسیون فوتبال کویت را به دلیل دخالت های دولت در امور این فدراسیون از روز دوشنبه محروم کرد. این محرومیت شامل حضور در تمام فعالیت های بین المللی فوتبال است و تا اطلاع ثانوی به قوت خود باقی است. به نوشته سایت رسمی فیفا، این محرومیت پس از آن اعمال شده که سازمان جوانان و ورزش این کشور در انتخابات (۹ اکتبر) اول مهرماه فدراسیون فوتبال این کشور دخالت داشت و کویتی ها نتوانستند خود را با تصمیمات قبلی کمیته اجرایی فیفا تطبیق دهند.

بعد از باخت استقلال حجازی اخراج شد!

در بخش اعظم اخبار و تحلیل های شماره دیروز خبرگزاری هل به پیشواز تحولات آینده استقلال رفته است. این خبرها که همیشه رابطه یی به شکل حمایت عاشقانه یا انتقاد سرشار از تنفر با ناصر حجازی داشته است ابتدا به گفت وگو با حجازی می پردازد و از قول او می نویسد: «لیگ شروع نشده به من گفتند اخراجم، اما کنار این گفت وگو خبرهایی محرمانه از جلسات رسمی و غیررسمی فتح الله زاده در روزهای اخیر درج شده. فتح الله زاده می گوید: «با قلعه نویی اختلافی ندارم و دو شب پیش او را در خانه یکی از دوستان ملاقات کردم.» جهان



فوتبال این دوست را (پ.خ) معرفی می کند که در سال اول و دوم حضور قلعه نویی در استقلال از یاران او بود. البته گویا این خورشیدی با آن خورشیدی که او هم در استقلال و یکی از باشگاه های تهران سر و سری با قلعه نویی داشت تفاوت دارد. کمی پایین تر این روزنامه از اولتیماتوم جدی علی آبادی به فتح الله زاده در جلسه هیات مدیره استقلال خبر می دهد. یکی دو صفحه جلوتر کامران منزوی معاون اجرایی استقلال با این توجیه که «همه ما سوار بر یک کشتی هستیم، اگر این کشتی در حال غرق شدن باشد یا همه با هم غرق می شویم یا همه از آن پیاده می شویم» ادعا کرده که اگر حجازی برکنار شود او هم خواهد رفت. منزوی معتقد است برخی از روزنامه ها و رسانه ها و همچنین لیدرها و هواداران با برخی از افراد «گاو» بسته اند تا حجازی را زمین بزنند و نگذارند استقلال با او نتیجه بگیرد. در حالی که در دوره اول مربیگری حجازی در استقلال چنین شایعاتی پشت سر خود منزوی هم به گوش می رسید. اما خواندنی ترین بخش جهان فوتبالی گفت وگوی قلعه نویی است که خیلی مظلومانه پرسیده: «فکر می کنید منتظرم تا حجازی شکست بخورد؟» خلاصه اگر می خواهید به «علت العلل» تحولات آبی ها پی ببرید این روزنامه کماکان سیاه و سفید اما جدی را از دست ندهید.

در حال حاضر تیم استقلال با ۱۴ امتیاز از ۱۲ بازی در رده نهم جدول قرار دارد، در حالی که پرسپولیس، رقیب اصلی این تیم، با ۲۵ امتیاز صدرنشین است. جدول لیگ برتر ایران تا پایان روز چهارشنبه از این قرار است:

- ۱- پرسپولیس (۱۱ بازی، ۲۵ امتیاز)
- ۲- سپاهان اصفهان (۸ بازی، ۱۹ امتیاز)
- ۳- صبایبتری (۱۱ بازی، ۱۸ امتیاز)
- ۴- برق شیراز (۱۱ بازی، ۱۷ امتیاز)
- ۵- استقلال اهواز (۱۱ بازی، ۱۶ امتیاز)
- ۶- ملوان انزلی (۱۱ بازی، ۱۶ امتیاز)
- ۷- پیکان (۱۲ بازی، ۱۵ امتیاز)
- ۸- پاس همدان (۱۰ بازی، ۱۴ امتیاز)
- ۹- استقلال تهران (۱۲ بازی، ۱۴ امتیاز)

رضایت لیندر از دوچرخه سواران ایرانی



پس از بازگشت تیم ملی دوچرخه سواری پیست ایران از مسابقه های جام جهانی مسکو که برای نخستین بار در تاریخ این رشته دو مدال طلا، دو مدال نقره و شش مدال برنز کسب کرد، سرمربی تیم ملی از عملکرد ملی پوشان ابراز رضایت کرد. ولفرام لیندر سرمربی آلمانی تیم ملی اظهارکرد: شرایط ملی پوشان جوان ایران در مسابقه های جهانی مسکو خوب و عملکردشان مطلوب و راضی کننده بود. وی افزود: تیم دوچرخه سواری ایران در جام های جهانی در سال های گذشته عملکرد خوبی نداشت اما در این دوره بهتر ظاهر شد و عملکرد رضایت بخشی داشت. سرمربی تیم ملی دوچرخه سواری با تاکید بر اینکه هنوز به هدف خود نرسیده ایم، خاطرنشان کرد: می خواهیم در صدر دوچرخه سواری آسیا قرار بگیریم. برای این کار دو سال زمان نیاز است که این مساله دور از دسترس نیست. لیندر گفت: به جوانان دوچرخه سواری ایران ایمان دارم و مطمئنم که می توانیم روزی در صدر آسیا و جزء ۱۰ تیم برتر جهان باشیم. وی ادامه داد: یکی از مهمترین دلایل موفقیت ملی پوشان در این دوره برخلاف گذشته این بود که رکابزنان ایرانی در مدت زمان تمرینی کوتاه مدت پاسخ بهتری دادند.



علیرضایی به رکورد المپیک نزدیک می شود

سرمربی تیم ملی شنای ایران پس از انجام مسابقات انفرادی و تیمی از کسب نتایج به دست آمده ابراز خرسندی کرد و گفت: نتایج نشان می دهد که ایران همچنان در قسمت تیمی وضعیت بهتری دارد. بهزاد مهدی خبازیان اظهارکرد: در رقابت های شنا، کشورهای شرکت کننده بسیار پرقدتر ظاهر شدند و به غیر از ژاپن که مشخص نیست به چه دلیل در این رقابت ها حضور نیافته، تیم قزاقستان تقریباً با اعضای کامل خود در این رقابت ها حضور یافته است که در این میان تیم های چین و هنگ کنگ از بهترین های این رقابت ها بوده اند. وی ادامه داد: مسابقات سالنی ماکائو از بازی های آسیایی دوحه سبک تر و به

غیر از چین، ژاپن، قزاقستان و کره که سطح شنای آنها کاملاً از آسیا بالاتر است، ایران می تواند با تیم هایی مانند هنگ کنگ، چین تایپه، سنگاپور و... دست و پنجه نرم کند. سرمربی تیم ملی شنا ادامه داد: به غیر از علیرضایی همه شناگران ما برای اولین بار در رقابت های مسافت کوتاه حضور می یابند و بچه های ما همه در استخرهای ۲۵ متر تجربه داشته اند. وی با ابراز امیدواری نسبت به علیرضایی اظهارکرد: رکوردی که وی از خود بر جای گذاشت، بسیار قابل قبول بود و امیدوارم بتواند رکورد نزدیک به المپیک را نیز از خود بر جای بگذارد.

فوتبال ایتالیا همچنان بیمار است

توطئه علیه یوونتوس



برای سال ها این اعتقاد وجود داشت که یوونتوس بر دنیای فوتبال ایتالیا حکم می راند. بیشتر این تصورات به خاطر حسادت و تنفر سایر تیم ها نسبت به یوونتوس موجه بود البته نمی توان از این مساله گذشت که اشتباهات داوری در مواقعی هم به نفع یوونتوس تمام شده. در اینجا به سه قضیه جنجالی در این زمینه اشاره می کنیم.

اولین قضیه مربوط به فصل ۱۹۸۱-۱۹۸۰ است زمانی که یوونتوس مقابل رم قرار گرفت. آن دیدار در مشخص کردن قهرمان فصل تاثیر بسزایی داشت. در آن دیدار یوونتوس که یک امتیاز بیشتر از رم داشت در صدر جدول سری A قرار گرفته بود. این بازی بدون گل دنبال می شد که مائوریتسیو تورونه با ضربه سر یک گل برای رم به ثمر رساند، اما داور این گل را به دلیل آفساید نپذیرفت که البته صحنه آفساید کاملاً مشکوک بود. آن بازی با تساوی بدون گل تمام شد و یوه دو بازی بعدی اش را برد و قهرمان سری A شد.

جنجال بعدی یک فصل بعد صورت گرفت. یوونتوس و فیورنتینا در روز آخر فصل در شرایطی که هم امتیاز با هم در صدر قرار داشتند باید مقابل حریفانشان به میدان می رفتند. فیورنتینا در شرایطی مقابل کالیاری به تساوی بدون گل رضایت داد که داور گل صحیح آنها در جریان بازی را نپذیرفت اما در دیدار یوونتوس داور یک پنالتی بی جهت را برای بیانکوری گرفت و آنها سرانجام قهرمان شدند و سرانجام نوبت به «اتفاق رونالدو» رسید. در فصل ۹۸-۱۹۹۷ در حالی که ۴ بازی به پایان فصل مانده یوونتوس و اینتر تیم اول و دوم سری A با هم یک امتیاز اختلاف داشتند که این دو تیم در دل آبی به مصاف هم رفتند. بیانکوری یک بر صفر در نیمه دوم جلو بود که یولیانو در محوطه جریمه بر روی رونالدو خطا کرد اما داور از روی این صحنه گذشت. یوونتوس در آن دیدار پیروز شد و در نهایت قهرمان هم شد. برای سال ها یوونتوس متهم بود که داوران را می خرد. این مساله زمانی که آنها در دهه ۹۰ لوچانو موجهی را به عنوان مدیر خود برگزیدند پررنگ تر از قبل شد. موجهی زمانی که در ناپولی و تورینو حضور داشت به خاطر تاثیری که بر روی مسوولان داشت معروف شده بود. او زمانی که در تورینو بود هزاران پوند خرج کرد و با خریدن داوران توانست آنها را به فینال جام یوفا ۹۲-۱۹۹۱ برساند اما در نهایت در فینال بازی را به آژاکس واگذار کرد.

در رسوایی کالچو پولی که در سال ۲۰۰۶ فاش شد لوچانو موجهی و یوونتوس مقصر شناخته شدند و یوه به خاطر تخلفاتش به سری B سقوط کرد. یوونتوس تاوان سختی برای تخلفاتش پرداخت.

اما آن طور که به نظر می رسد داوران ایتالیایی در این فصل با هم هم قسم شده اند تا اجازه ندهند یوونتوس قهرمان سری A شود. در دیدار یوونتوس و ناپولی داور دیدار دو پنالتی بی مورد را به نفع ناپولی گرفت تا یوونتوس استادیوم سن پائولو را با دست خالی ترک کند.

پس از انتقادهای فراوانی که از داوری مائورو برگونزی شد کمیته داوران ایتالیا برای رقابت های این هفته سری A قضاوت هیچ مسابقه یی را به این داور ندادند. در شرایطی که دیدار یوونتوس و ناپولی با نتیجه یک- یک دنبال می شد ناگهان ورق برگشت و برگونزی در دو اشتباه دو ضربه پنالتی برای ناپولی اعلام کرد. زمانی که کلینی بازیکن یوه سعی داشت توپ را از لوزتی بگیرد بازیکن ناپولی سرنگون شد و برگونزی نقطه پنالتی را نشان داد. این در حالی بود که تصاویر تلویزیونی حاکی از آن بود که کلینی هیچ خطایی انجام نداده است. در پنالتی دوم هم مارچلو زالاپتا مهاجم سابق یوونتوس خودش را بر زمین انداخت و داور باز هم نقطه پنالتی را نشان داد. گزارش ها حاکی از آن است که پی یر لوییجی کولینا رئیس کمیته داوران ایتالیا برگونزی را برای یک ماه از قضاوت کردن محروم می کند و سپس این داور را برای داوری به رقابت های سری B می فرستد. این در حالی است که مسوولان سری A پس از بررسی فیلم دیدار یوونتوس و ناپولی، زالاپتا مهاجم ناپولی را به خاطر فریب دادن داور و گرفتن یک ضربه پنالتی نادرست دو جلسه محروم کردند. در حالی که اشتباهات فاحش برگونزی به بهای گزافی برای یوونتوس تمام شد طرفداران این تیم یک کمپین اینترنتی به راه انداخته و خواهان اخراج این داور شده اند. طرفداران یوونتوس سایتی را به آدرس J1۸۸۹۷.com راه انداخته اند و در آن از سایر طرفداران خواسته اند با عضویت در این سایت آنها را برای رسیدن به هدفشان همراهی کنند. تاکنون هزاران امضا برای اخراج کردن برگونزی به ثبت رسیده است و آن طور که به نظر می رسد این قضیه به این زودی ها پایان نخواهد پذیرفت.

دیوید ترزگه پس از این جنجال ها گفت: «اتفاقاتی که افتاده درست شبیه یک خیانت و توطئه است.» کوبولی گیگه لی رئیس یوونتوس هم می گوید: «با ما نباید این طور رفتار کنند. من در زندگی ام تاکنون چنین چیزی ندیده بودم.» فوتبال ایتالیا هنوز هم بیمار است و مسوولان فوتبال این کشور نتوانسته اند علایجی برای دردهای فوتبالشان پیدا کنند.

منبع: Goal



info@persianweekly.co.uk

رقابتهای بوکس قهرمانی جهان - شیکاگو (مرتضی سپهوند) المپیکي شد

مرتضی سپهوند با پیروزی بر بوکسور رومانیایی سهمیهی حضور در بازیهای المپیک ۲۰۰۸ پکن را کسب کرد.

در جریان هفتمین روز از مسابقات بوکس قهرمانی بزرگسالان جهان در شیکاگوی آمریکا «مرتضی سپهوند» در وزن ۶۴ کیلوگرم با پیروزی ۱۹ بر ۱۶ مقابل «گئورگ اینوت» قهرمان نامدار رومانیایی به جمع هشت بوکسور پایانی این وزن راه یافت و جواز حضور در بازیهای المپیک ۲۰۰۸ پکن را نیز کسب کرد. سپهوند در راند اول ۶-۵، راند دوم ۶-۳ و راند سوم ۵-۴ برابر حریفش به پیروزی رسید و در راند چهارم ۲-۴ مغلوب شد.



همچنین سپهوند با راهیابی به جمع هشت نفر پایانی این وزن بهترین نتیجهی تاریخ بوکس ایران در مسابقات قهرمانی جهان را به نام خود ثبت کرد.

روز چهارشنبه (امروز) و در روز هشتم مسابقات قهرمانی جهان «جاسم دلاوری» در وزن ۹۱+ کیلوگرم با مایکلنتر مصاف میکند و در صورت پیروزی

برابر این بوکسور آمریکایی وی نیز جواز حضور در بازیهای المپیک ۲۰۰۸ را کسب خواهد کرد. مسابقات بوکس قهرمانی جهان با حضور ۵۰۶ بوکسور از ۷۴ کشور جهان در سالن پاولیون دانشگاه ایلینویس شیکاگو برگزار میشود.

از رؤیا تا حقیقت ؛ تا فینال آسیا ۶ سال راه بود



سپاهان اصفهان به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسید. چند نفر از ما حاضر بودیم روی این اتفاق شرط ببندیم؟ آنچه از ابتدای دهه ۹۰ و همزمان با آغاز سرمایه گذاری کلان تعداد زیادی از کشورهای آسیایی روی فوتبال برای استقلال و پرسپولیس تبدیل به یک آرزو و سپس رؤیایی دست نیافتنی شده بود؛ امروز در ظاهر به سهولت و در واقع در پس یک برنامه ریزی اصولی و بلند مدت برای سپاهان به دست آمده و ایران را برای اولین بار در تاریخ برگزاری لیگ قهرمانان آسیا به فینال رسانده است.

سلسله عواملی که دستیابی به این موفقیت بزرگ و دور از ذهن را برای سپاهان مقدور کرد چندان پیچیده و عجیب و غریب نیست اما در هر صورت می توان مدعی شد که در میان باشگاه های ایرانی تنها سپاهان به رعایت و اجرای آنها مقید بوده و لذا امروز راهیابی این تیم به فینال آسیا هرگز دلیلی برای تکرار این اتفاق برای سایر نمایندگان ایران در این عرصه نیست.

ظرفیت تیم اول اصفهان حتی در سالهایی که آنها به واسطه مشکلات مالی فراوان در آستانه انحلال به سر می بردند، ملموس و کتمان ناپذیر بود. بردن سپاهان در اصفهان مأموریت غیرممکنی بود که مدعیان تکراری قهرمانی به ندرت از پس آن برمی آمدند و توانایی تبدیل شدن به یکی از قطبهای فوتبال ایران را می شد در مقطعی که مربیانی چون ناصر حجازی، مهدی مناجاتی، حمید ندیمیان و استانکو پوکله پوویچ روی نیمکت این تیم می نشستند نیز احساس کرد.

استارت حرکت صعودی سپاهان اصفهان که در نهایت به پیش روی تا فینال لیگ قهرمانان آسیا ختم شد، از فصل ۸۱-۸۲ و همزمان با آغاز دومین دوره لیگ برتر فوتبال ایران شکل گرفت. رنسانس فرهاد کاظمی تیمی را متولد کرد که از نظر تاکتیکی فوتبالی فراتر از لیگ برتر را ارایه می داد و مدعیان همیشگی قهرمانی را آشفته کرده بود. پایه حرکتی آن تیم براساس سرعت تیمی، سرعت انتقال توپ از دفاع به حمله، بازی تک ضرب و حرکات بدون توپ بنا شده بود و به این ترتیب پایان دوران حکمرانی فوتبال مبتنی بر ارسالهای بلند بر فوتبال ایران به پایان رسید. در سپاهان بازیکنانی سرعتی و فانتزی مثل کریمی، نوید کیا، فرشاد، حاج صفی، پاپی و عده پرشمار دیگری فرصت ابراز وجود پیدا کردند و این در حالی بود که در فاز دفاعی هم به بازیکنان فیزیکی و دوندگی چون کریمی، بهادرانی، خادمی، عقیلی و عزیززاده بها داده می شد. رمز موفقیت سپاهان در آن است که طی ۶ سال اخیر با ثبات مدیریت و سرمایه گذاری اصولی اتفاقاتی ناخوشایند و بازدارنده را دور ریخته و فاکتورها و عواملی موفقیت را حفظ کرده است. کاظمی پس از دو سال و نیم فعالیت در اصفهان و کسب دو قهرمانی در لیگ برتر و جام حذفی کنار رفت اما مدیران سپاهان ساختارهای مثبتی که توسط او در تیم ایجاد شده بود را حفظ کردند و حتی در راستای تقویت آنها گام برداشتند. در یک کلام شاکله تیمی که قهرمان دومین دوره لیگ حرفه ای شد، دست نخورد و سپاهان فصل به فصل تیم کاملتری را روانه مسابقات می کرد. در نهایت لوکابونچیچ توانست تناسب منطقی و موزونی را میان دو فاز دفاع و حمله ایجاد کند و تیمی را پیش روی فوتبال ایران و آسیا قرار داد که توازن کم نظیری بر خطوط سه گانه اش سایه انداخته بود.

حضور سپاهان در فینال لیگ قهرمانان آسیا مسیر و اسلوب موفقیت را به سایرین نشان می دهد. این یک رؤیا نبود. آنها شش سال بهترین های خود را حفظ کردند و به سراغ رفع نقاط ضعف رفتند. نه مثل استقلال و پرسپولیس که هر سال یک مدیرعامل جدید و یک تیم نو را رو می کنند. سپاهان قبل از آنکه یک تیم پر ستاره باشد یک مجموعه هماهنگ و تاکتیک پذیر است، تیمی که می تواند بازیکنان معمولی را به ستاره تبدیل کند نه ستاره ها را به بازیکنی بی مصرف. به احترام آنها همه باید بایستیم و کلاه از سر برداریم.

قلعه نویی: دیگر در تیم ملی مسؤولیتی ندارم

امیر قلعه نویی درباره احتمال حضورش در استقلال پس از بازی چهارشنبه این تیم برابر پیکان گفت: هیچ صحبتی با من نشده است.



سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال اظهار داشت: من در این روزها به هیچ چیز جز کلاسهای مربیگری حرفه ای فکر نمی کنم و نمی خواهم درباره شرایط این روزهای استقلال صحبت کنم.

وی درباره تصمیم کمیته انتقالی برای استخدام مربی خارجی برای تیم ملی گفت: به هر حال این تصمیمی است که دوستان گرفته اند و امیدوارم هر کس می آید بتواند در تیم ملی موفق باشد.

قلعه نویی درباره احتمال حضورش در کادر فنی تیم ملی به عنوان مربی نیز گفت: چنین صحبتی با من مطرح نشده و اگر هم مطرح شود آن را نمی پذیرم، اما تک تک ما مربیان ایرانی وظیفه داریم به خاطر ایران به سرمربی بعدی تیم ملی کمک کنیم.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا حاضرید تا پیش از انتخاب سرمربی جدید فهرست ۵۰ نفره تیم ملی را به فدراسیون فوتبال بدهید؟ گفت: به نظر من هر فردی که سرمربی تیم ملی می شود باید بازیکنان را انتخاب کند. ضمن آنکه من مسؤولیتی در تیم ملی ندارم و بهتر است همان کسی که سرمربی می شود صاحب نظر باشد.

ستارگان فوتبال جهان به جنگ فقر می روند

ستارگان نامدار فوتبال جهان روز ۱۹ نوامبر مصادف با ۲۸ آبان ماه سال جاری در راستای مبارزه با فقر در یک دیدار خیریه شرکت می کنند. برگزارکنندگان این دیدار خیریه در نظر دارند از ۴۰ فوتبالبست مطرح جهان برای حضور در این دیدار خیریه که در تاریخ ۱۹ نوامبر در ورزشگاه «روسله دا» مالاگا برگزار می شود، دعوت به عمل آورند. انتظار می رود ریوالدو و روبرتو کارلوس هم جزء حاضران در این دیدار خیریه باشند. این درحالی است که بکام به تازگی اعلام کرده قصد دارد در یک دیدار خیریه به منظور کمک به حادثه دیدگان آتش سوزی کالیفرنیا به میدان برود.

شرکت حمل و نقل بین المللی

ارسال هرگونه کالا و لوازم به تمام نقاط دنیا
جابجایی و بسته بندی لوازم دفتری و
مسکونی و انبار داری کالا

تخفیف ویژه برای ارسال کالا به ایران

- * Home Removals
- * International Removals
- * European Removals
- * Domestic UK Removals
- * Storage* Office Removals
- * Corporate Relocation
- * Trade Moves



020 8451 00 22



info@persianweekly.co.uk

آموزش و فن آوری



One2One Tutors

آموزش خصوصی در منزل شما در رده های
GCSE, AS, A LEVEL
و کلاس های آمادگی و پیش دانشگاهی

MATH, ICT, PHYSICS, IELTS, ESL, ART
020 7582 6694
079 8480 1680

KHATIBI & ASSOCIATION

Business Advisors Chartered Accountants Registered Auditors



موسسه حسابداری

و حسابرسی خطیبی



مالیاتیهای اشخاص، شرکا و شرکتها
ثبت شرکت و برنامه های تجاری

PAYE & VAT; Personal, Partnership and Company's
Tax return

Complete Tax Planning, PAYE & VAT Auditing and Accounting
service, Business Plans & Company registration

Tel/Fax: 020 7604 4378

Office M32, Merlin House, 122-126 Kilburn
High Road, London, NW6 4HY

LUTON REMOVAL

انتقال اثاثیه منزل و محل کار

در لندن و یا شهرستانها با کارگر رایگان
جابجایی یا حمل وسایل سنگین محل کار و منزل
بردن وسایل و بازمانده کارهای ساختمانی
با کادر مجرب ایرانی

ما ارزانترین قیمت را با بیمه کامل به شما عرضه می کنیم

020 8830 7633

079 8416 6054 - 079 0466 0856



جی میل مجهز به دسترسی IMAP شد

بر طبق گفته گوگل از این پس کاربران هیچ محدودیت دسترسی به سرویس Gmail نخواهند داشت. پیش از این نیز کاربران می توانستند از طریق پروتکل مشابه POP ایمیل های خود را توسط نرم افزارهای مدیریت ایمیل دریافت نمایند.

اما پشتیبانی از دسترسی IMAP راه کارهای دسترسی به "جیمیل" را کاملتر نمود. گوگل ارائه پشتیبانی از IMAP را بطور رسمی در بخش تجهیزات جدید جی میل اعلام کرده است اما علاوه بر این گفته شده است که امکان عدم دسترسی برخی از کاربران به این قابلیت وجود دارد که تا چند روز آینده این اشکال نیز برطرف می شود.

اهمیت IMAP چیست؟ به دلیل آنکه IMAP یک پروتکل دو طرفه ایمیل است، نرم افزارهای میزبان پیغام های رسیده خواهند توانست که با یکدیگر تعامل مستمر داشته باشند. بطوریکه اتفاقات رخ داده در صندوق ایمیل شما بر روی تمامی نرم افزارهای میزبان دریافت پیغام، می تواند مشاهده شود (شامل شناسایی آنکه کدام پیغام پیش تر خوانده شده است).

گفتنی است که بدلیل تفاوت های رابط کاربری درونی سرویس Gmail با عمده نرم افزارهای میزبانی ایمیل، نظیر استفاده گوگل از "جسب ها" و پشتیبانی متفاوت دیگر نرم افزارها از "فولدرها" این امکان وجود دارد که تعداد زیادی از کاربران با استفاده از نرم افزارهای کنونی و اتصال به "جی میل" از این قابلیت بهره لازم را نبرند. کارشناسان از سوی دیگر استفاده از ابزار Google Gears را برای ساخت محیط آفلاین "جی میل" پیشنهاد کرده اند.

اما اهمیت قابل توجه راه اندازی دسترسی IMAP در جیمیل بیشتر متوجه گوشی تلفن همراه آی فون خواهد بود. حتی گوگل نیز رسماً پشتیبانی از IMAP را مرتبط با دستگاه "آیفون" دانسته است. زیرا پس از این کاربران دستگاه iPhone می توانند علاوه بر استفاده از آدرس اینترنتی <http://gmail.com> برای دسترسی به صندوق ایمیل خود، از دسترسی IMAP نیز استفاده کنند که تعامل دو طرفه با رابط کاربری درونی جی میل نیز برقرار می کند.

نسل جدید خنک کننده های CPU به بازار آمد

شرکت ASUS به منظور برآوردن نیازهای کاربرانی که خواهان یافتن راهی مناسب برای خنک نگه داشتن دمای CPU کامپیوترهایشان هستند، محصول جدید خود یعنی خنک کننده Silent Knight II را معرفی کرد. در این مدل از خنک کننده ها از مس خالص جهت ساخت پره ها، پایه و لوله های انتقال حرارت استفاده شده است.



همچنین کنترل دینامیکی سرعت فن بطرز موثری باعث از بین رفتن حرارت ایجاد شده توسط پردازشگرهای چهار هسته ای می گردد.

Silent Knight II عملکرد بدون صدا و همچنین طراحی منحصر بفرد که یک LED آبی رنگ را نیز شامل می شود برای کاربران به ارمغان می آورد.

Silent Knight II یک خنک کننده تمام مسی CPU است که از ویژگی های طبیعی فلز مس جهت انتقال و هدایت گرما استفاده می نماید. این خنک کننده همچنین با توجه به فضای وسیع برای انتقال حرارت و طراحی سبک آن افزایش

ایجاد شده بر مبادر بود می کاهد و با استفاده از شش لوله خمیده انتقال حرارت بطرز موثری ایجاد شده را به پره ها منتقل می نماید؛ بر همین اساس حرارت پردازشگر همواره در مرحله ای مناسب برای انجام عملیات کامپیوتری قابل اطمینان و با کارایی بالا تنظیم می گردد.

علاوه بر اینها، Silent Knight II با استفاده از یک PWM بطور خودکار سرعت فن را باتوجه به دمای CPU در محیطی کاملاً بدون صدا (۲۵dB) تنظیم می نماید.

Silent Knight II بخوبی قابلیت پشتیبانی از پردازشگرهای Intel's Core™۲ Extreme series, Pentium® D Dual-Core CPU, Pentium® ۴ LGA۷۷۵ و همچنین AMD's Socket AM۲/۹۴۰/۹۳۹/۷۵۲, Athlon™ ۶۴-FX, Athlon™ Sempron™ را دارا می باشد و آنها را آماده ی استفاده از جدیدترین پلت فرم های کامپیوتری در بازارهای امروز کرده است.

محافظت تنظیم ولتاژ درون خنک کننده از یک فن LED ۹ سانتیمتری که VRM را دربر گرفته تشکیل شده و وظیفه هدایت جریان هوا را برعهده دارد. این عمل برای بهبود عملکرد پردازشگر و همچنین عملکرد کلی سیستم کاملاً ضروری است. این طراحی منحصر بفرد حرارت VRM را ۱۰ تا ۱۵ درجه سانتیگراد کاهش داده و امکان انجام پایدار و دقیق عملیات مختلف کامپیوتری را برای کاربران فراهم می آورد.



ساخت بزرگترین ابر رایانه جهان

سازندگان بزرگ رایانه در جهان از جمله NEC، فوجیتسو و هیتاچی در ژاپن و IBM، اینتل و SGI در آمریکا از دهه ۱۹۷۰ برای ساخت قدرتمندترین ابررایانه که قادر به انجام محاسبات گیکافلاپس و ترافلاپس باشند در رقابت بودند.

به گفته ی شرکت NEC جدیدترین ابررایانه ی این شرکت به نام SX-۹ دارای قدرت محاسباتی ۸۳۹ ترافلاپس در ثانیه است.

ابررایانه های این شرکت در زمینه ی پیش بینی هوا، هوافضا و در موسسات تحقیقاتی بزرگ و شرکت ها به کار می روند و جدیدترین ابررایانه ی این شرکت برای استفاده ی پیشرفته در زمینه ی علوم کاربرد خواهد داشت.

تراشه ۱۲۸ گیگابایتی تا سال ۲۰۰۹ وارد بازار می شود

اکنون: سامسونگ الکترونیکس، بزرگترین تولیدکننده جهانی تراشه های رایانه ای اعلام کرد که فناوری تولید ابزارهای حافظه های USB برای ذخیره اطلاعات تا ۱۲۸ گیگابایت را توسعه داده است. شرکت کره ای سامسونگ موفق به توسعه فناوری شده است که امکان تولید ابزارهای حافظه USB بر پایه فناوری ۳۰ نانومتری را فراهم می کند. این فناوری منجر به تولید نسل جدیدی از کارت های حافظه می شود که گنجایشی برابر با حافظه ۸۰ "دی وی دی" را دارند. این ابزار USB که در سال ۲۰۰۹ تولید می شود، می تواند در بازار تلفن های همراه، دوربین های فیلمبرداری دیجیتال و ابزارهای بازتولید موسیقی Mp3 تحول بزرگی ایجاد کند. به گفته سامسونگ، این حافظه ۱۲۸ گیگابایتی می تواند در مدت سه سال ۲۰ میلیارد دلار از درآمد بازار را به خود اختصاص دهد



دو ساعت خنده
هزار و یکشب

چهارشنبه ۱۱ نوامبر لندن



میری

سلطان خنده ایران در نمایش

یک کمدی شیرین با مقدار زیادی خنده برای خانم ها و یک پیام جدی برای آقایان

زخما چه میخواهند؟

با سرمدی: رضا جزایری

سایه یاجنده

نویسنده و کارگردان - منصور پورمند

فیلمبرداری اکیدا مستوع

محل اجرای برنامه

Conway Hall
25 Red lion Square
London WC1R 4RL
Info: 0796702 1001

محل فروش سوپر مارکت های ایرانی

بهای بلیط: £15 - £20 - £25

ورود به سالن: ۷/۳۰ شب

به علت محدود بودن جا لطفا بلیط های خود را قبلا تهیه فرمایید.



info@persianweekly.co.uk

خانه و خانه داری

ایجاد فضای مردانه در خانه

هنگامی که یک زوج وظیفه تغییر چیدمان و تغییر مدل منزل را بر عهده میگیرند، معمولاً نبرد بین دو جنس مخالف به دنبال تصمیم گیری درباره نما و چیدمان داخلی رخ میدهد.

یک نوع مصالحه و توافق میتواند این باشد که لا اقل یک اتاق خانه



اتاقی "مردانه" باشد! فضایی که مشخصاً به شوهر تعلق داشته باشد. چنین اتاقی معمولاً در گوشه ای از خانه، در زیر زمین یا بخشی پارکینگ هم میتواند باشد. جایی که به استراحت، سیگار کشیدن و مطالعه بدون دردسر او اختصاص داشته باشد. (در آپارتمانهای کم اتاق میتوان بخشی از اتاق نشیمن را به مرد خانه اختصاص داد، هرچند آنقدرها خصوصی نیست اما از هیچ بهتر است). در هر صورت کاربرد و محل این فضا هرچه باشد، آنقدر که شکل و شمایل آن اهمیت دارد، مهم نیست.

چند عنصر مهم تزئینی در فضاهای مردانه در اینجا معرفی شده اند که رنگهای گرم، میلمان راحت و قابل "لمیدن" هم باید در آنها اتخاذ شود.

رنگها و نقوش: رنگهای پرمایه، خالص و زمینی. اگر رنگهای قهوه ای، سرمه ای، شرابی، سبز تیره و حتی مقدار معینی سیاه اتاقی را در بر بگیرند، به وضوح اعلام میکنند که اینجا فضایی مناسب برای آسایش و امنیت است. میلمان چنین اتاقی یا باید فاقد نقش و نگار و یا دارای کمترین نقوش هندسی مانند راه راه یا چهارخانه باشد.

چوب: چوب تیره، محکم و زیبا دارای شخصیتی قدرتمند، استوار و مردانه است. هر اتاقی میتواند با تخته پوش کردن دیوار، الوارهای بیرون زده سقف، تخته های ناهموار کف و یا وجود قطعات چوبی ضخیم و بزرگ در مبلمان (دسته و پایه چوبی) دارای چنین حال و هوایی شود. این تزئینات چوبی باید دارای کمترین تزئینات بوده و یا کاملاً ساده باشند.

تزئینات: سطوح ساده و بدون اشیاء اضافه بهترین حالت ممکن است. دیوارها، قفسه ها و میزها را تا حد امکان از اشیاء ریز و خرده ریزهای صرفاً تزئینی خالی نگهدارید. بسیاری از مردان به بالشتکهای ظریف تزئینی، مجسمه و از این قبیل اشیاء که کاربردی ندارند، توجهی ندارند.

کاربردی فکر کنید: دیوار محل آویختن ساعت و قفسه ها جای قرار گرفتن کتاب هستند. یک میز کوچک برای گذاشتن چند کتاب دم دستی، فنجان قهوه، روزنامه و مجله و حتی "پا" است. روی این اتاق را میتوان با یادگارهای شخصی و نشانههایی چون جوايز، مدارک، عکسهای از مسافرتها و جشنها و کلکسیونها شخصی تزئین نمود.

مبلمان: مبلهای بزرگ و راحت مانند یک مبل راحتی چرمی و نیمکتی راحت که بتوان دقایقی روی آن دراز کشید و چرتی زد، میتوانند از لوازمی باشند که کاملاً کافی بوده، نه تنها مردانه به نظر میرسند، بلکه از چندین قطعه اسباب و اثاثیه ظریف و شکننده کاربردی تر هستند. شومینه: حتی اگر این شومینه واقعی نباشد و یا با آجرهای نسوز هیزم شکل کار کند، باز هم وجود آن در اتاق مردانه بسیار جذاب است. (اگر بخشی از اتاق نشیمن را به شوهرتان اختصاص میدهید، بد نیست که سمت "شومینه دار" باشد).

لوازم الکترونیکی: لوازم الکترونیکی را پنهان نکنید. این ابزار چه یک تلویزیون و یا یک دستگاه پخش صوت، DVD و یا کامپیوتر باشد، در کل لوازم الکترونیکی باید در دسترس و قابل رویت باشند. بیهوده کوشش نکنید که تلویزیون را در داخل یک کمد سرتاسری پنهان کرده یا کامپیوتر را در یک میز کشویی قرار دهید.

اجازه دهید که یک دیوار به وسایل سرگرمی صوتی/ تصویری اختصاص یابد یا بخشی از فضای اتاق با یک میز تحریر به شکل دفتر کار کوچکی دربیاید. و یک نکته که شاید مهمترین آنها باشد، هر کاری انجام میدهید، کنترل از راه دور این وسایل را در جایی پنهان نکرده و آنها را در دسترس قرار دهید



سوفله مرغ و قارچ

مواد لازم: گوشت مرغ پخته بدون استخوان : ۵۰۰ گرم، تخم مرغ کامل : ۴ عدد، سفیده تخم مرغ : ۲ عدد، کره : ۵۰ گرم، قارچ ورقه شده سرخ شده : ۵۰۰ گرم، پنیر : ۲۰۰ گرم، شیر : ۲ لیوان، آرد سفید : ۲ قاشق سوپخوری، نمک و فلفل : به مقدار کافی، خردل : یک قاشق مرباخوری

طرز تهیه: کره را روی حرارت آب کرده ، آرد را در آن تفت دهید ، سپس شیر را به تدریج اضافه کنید تا سس صاف و یک دست شود ، اگر گلوله شد از صافی رد کنید و روی حرارت قرار دهید تا جوش آید ، زرده تخم مرغ را خوب هم زده و به آن اضافه کنید ، خردل را هم اضافه کرده و پس از چند جوش ، شعله را خاموش کنید ، شش عدد سفیده را خوب زده تا مثل پنبه شود ، آن گاه مرغ خرد شده و قارچ ورقه شده سرخ شده

را با مایه شیر و زرده مخلوط کرده و نمک و فلفل را به آن اضافه کنید و در آخر با سفیده مخلوط کرده و مایه را در ظرف نسوز مناسبی که قبلاً چرب کرده اید بریزید ، مایه باید ظرف را پر کند ، پنیر رنده شده را روی آن بپاشید و. ظرف را در اولین طبقه فر با حرارت چهارصد درجه قرار دهید سوفله بهتر است چهل و پنج دقیقه در فر باشد



با چشمانتان لبخند بزنید!

لبخند زدن ، خود ما و دیگران را دلگرم می کند. با فراگیری نشاندن یک لبخند دوستانه و گرم که باعث احساس بهتر در وجود ما می شود. کسانی که ما را می بینند شاد می کند ، قادر خواهیم بود بر شادمانی جهان بیفزائیم. جایگزینی یک ظاهر تلخ با لبخند به نفع همه است. پس این تکنیک را بکار ببندید و بطور طبیعی لبخند بزنید. اما چگونه باید این کار را انجام دهید:

- لبخند با چشم آغاز می شود. به بارقه و احساس خوشی در چشمانتان توجه کنید. توجه داشته باشید که چگونه با آمدن لبخند به چشمانتان ، آنها بطور طبیعی حرکت می کنند. - به لبخند با دهانتان اکتفا نکنید چرا که تنها نوعی تظاهر است. - هنگامی که با چشمانتان لبخند می زنید ، این حالت گسترش می یابد و طبیعتاً یک لبخند واقعی بر دهانتان نقش می بندد. - پرتو لبخند را با چشمانتان ساطع کنید و بقیه صورت را بدون حرکت نگه دارید تا آنگاه که یک لبخند گرم و دوستانه بر آن بنشیند. این روش را بیاموزید و تمرین کنید تا دریابید که چگونه شما را در نظر دیگران محبوب تر می سازد.

نمایش شگفت انگیز زندگی!

گاهی اوقات زندگی مانند یک نمایش شگفت انگیز و پر احساس یا یک کمدی است. اما آیا هرگز تصور کرده اید چه چیز آن شبیه به بازی کردن در یک نمایش جالب یا کمدی است؟ بازیگران برای اینکه خنده دار بنظر آیند خود را در موقعیت ها و حالت های اسف باری قرار می دهند. آنها مجبورند این کار را بارها و بارها تکرار کنند تا زمانی که آن را درست ایفا نمایند. آنها خسته ، بد اخلاق و از کار زده می شوند. اما بعداً می توانند در میان تماشاچیان بنشینند و نمایش را تماشا کنند و بخندند. شاید این کار در زمان انجام ، خسته کننده و دشوار باشد اما کاری است که در گذشته انجام شده و اکنون آنها جزء بینندگان تلقی می شوند و می توانند بخندند. حال ممکن است ما آنقدر در زندگی در گیر شده باشیم که فراموش کنیم بعنوان تماشاچی صندلی را بگیریم و سوی دیگر ماجرا یعنی قسمت طنز آمیز آن را ببینیم. شاید شما الان نخندید اما ارزشش را دارد که به عقب برگردید ، بازی خود و دیگران را در این نمایش خنده دار تماشا کنید. بیاد داشته باشید این نمایش کمدی ، بسیار جدی است!

نورپردازی مناسب در خانه

شاید تشخیص این موضوع که آیا در اتاق خوابتان نورپردازی درست و اصولی وجود دارد یا نه، در وهله اول، کار چندان راحتی نباشد اما به راحتی از تبعات آن می توان به این مطلب پی برد. اگر صبحها با سردرد از خواب بیدار می شوید، چشم هایتان می سوزد، هاله ای قرمز رنگ اطراف مردمک چشم هایتان دیده می شود یا اگر از همان اولین ساعات شروع روز، عادت به بدخلقی و پرخاشگری دارید، همه و همه نشانگر جای خالی نورپردازی مناسب در اتاق تان است؛ چرا که نورپردازی خوب موجب می شود در خانه خود احساس آرامش و امنیت داشته باشید.

راه حل تمامی این مشکلات، ایجاد یک شمای انعطاف پذیر نوری است به نحوی که برای تمامی ساعات روز مناسب باشد و به اتاق های شما در هر لحظه از شبانه روز، حالتی خوشایند ببخشد. نورپردازی باید به گونه ای طراحی شده باشد که با فشاردادن یک کلید ساده، به راحتی بتوانید نور اتاق را زیاد یا کم کنید و مثلاً اتاق خود را از یک اتاق نورانی، به یک اتاق آرام با نوری رمانتیک که برای خوردن یک شام دوفره با همسرتان مناسب است، تبدیل کنید.

نور طبیعی

نور طبیعی، یکی از ویژگی های مثبتی است که یک خانه می تواند داشته باشد اما کیفیت نور در هر قسمت خانه متفاوت است و بستگی به جهت اتاق ها دارد. شاید بد نباشد نگاهی به نحوه نور اتاق ها با توجه به جهت قرارگرفتن شان در عرض و طول جغرافیایی بیندازیم.

اتاق های رو به شمال: این اتاق ها سرد هستند، نور زنده ای دارند و نور مستقیم خورشید به آنها نمی تابد. هنرمندان نقاش معمولاً اتاق کار خود را رو به شمال انتخاب می کنند تا در نور آن، بهتر بتوانند رنگها و طیف های مختلف را تشخیص بدهند.

اتاق های رو به شرق: اولین اتاق هایی که با طلوع خورشید روشن می شوند، اتاق های رو به شرق هستند اما بعد از گذشت چند ساعت از زمان طلوع، سایه ای بلند و طولانی مدت بر این اتاق ها سایه می افکند و طی روز دیگر خبری از نور خورشید در این اتاق ها نیست. بهتر است برای تعدیل نور شدید و خیره کننده آفتاب در زمان طلوع، در این

اتاق ها از نور مصنوعی استفاده شود. با

این کار می توان در اواسط روز نیز تا حد ممکن، نور طبیعی روز را به نوعی در این اتاق ها ایجاد کرد. این تمهید برای اتاق های رو به شمال هم کار آیی دارد.

اتاق های رو به جنوب: نور و گرمای خورشید در تمام مدت روز در این اتاق ها وجود دارد؛ البته ممکن است طی روز و در فصل های مختلف، کیفیت و میزان آن اندکی تغییر کند. بهتر است آشپزخانه، اتاق نشیمن و هر جایی که معمولاً مدت زمان زیادی را طی روز در آنجا می گذرانید، رو به جنوب باشد. اتاق های رو به غرب: در گرم ترین ساعات روز، نور خورشید به این اتاق ها می تابد و زمانی که نور شدید است، چشم را آزار می دهد. بعدازظهرها در این اتاق ها سایه می افتد و نور خورشید، ملایم تر می شود.

نور اتاق خواب بزرگسالان

نور خوب در اتاق خواب، به شما این امکان را می دهد که بعد از یک روز سخت کاری، خوابی راحت داشته باشید. البته این را فراموش نکنید که منظور این نیست که اتاق خواب باید تاریک باشد تا خوب بخوابید، چون در این صورت، صبح روز بعد برای پوشیدن لباس مشکل پیدا می کنید و ممکن است با جوراب های لنگه به لنگه سر کار بروید!

بهترین نور برای اتاق خواب، نور کنار تختخواب است که برای مطالعه و حتی دیدن تلویزیون خوب است و حتی اگر هم اتاقی شما بخواهد بخوابد، چشمانش را آزار نمی دهد. می توانید برای نور کنار تختخوابتان از آباژورهای کنار تختی استفاده کنید یا نوری را در قسمت بالایی تخت خود تعبیه کنید یا روشنایی های دیوارکوب در اتاق خود نصب کنید.





info@persianweekly.co.uk



لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید

برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

خدمات تصویر برداری و مجالس

شمشیری و کبابپاش توسط بسیاری از نویسندگان و داستان‌نویسان نوشته های زیادی به تحریر در آمده است و در این نوشته ها از چلوکباب شمشیری به عنوان یکی از قدیمی ترین و خوشمزه ترین کباب در ایران نام برده شده است. در حال حاضر نیز بسیاری از چلوکبابی ها نام شمشیری را برای خود انتخاب می



کنند که تداعی کننده کسبیت بالای چلوکباب آنها می باشند. بسیاری از آنها نیز معتقد هستند که آشپزشمشیری بوده اند اما در حقیقت خود آقای شمشیری در حدود ۳۰ سال پیش فوت کرده است و آشپز او نیز سن زیادی داشته است که می تواند تا امروز مشغول کار باشد و شاید هم چون کسی اورا نمی شناسد از دنیا رفته باشد. تنها نکته ای که ممکن است باشد این است که افرادی که در چلوکبابی های دیگر مشغول بکار شده اند و مدعی بوده اند که آشپز چلوکبابی شمشیری می باشند.

اعتمادالسلطنه وزیر انتشارات ناصرالدین شاه و رئیس دفتر مترجم در آن زمان برای پرداخت بهترین چلوکباب که توسط چلوکبابی نایب ارائه می شد بین ۳ تا ۵ ریال آن زمان پرداخت کرده است.

همچنین در سال ۱۲۹۵ عبدالله بهرامی معاون اداره امنیه تهران (پلیس امروزی) بیشترین مبلغی که برای هر وعده چلوکباب پرداخت می کرده است ۴ تا ۵ ریال بوده است. حدود سی سال قبل در سال ۱۳۲۰ روزنامه اطلاعات برای یک پرس چلوکباب مبلغ ۵ ریال دریافت می شده است که شامل کباب برگ بزرگ، کره ۳۳۰ گرم برنج پياز و نان می بوده است. در همان زمان چلوکباب کوئیده مبلغ ۴ ریال قیمت داشته است. در بین سالهای ۳۵-۱۳۳۰ یک کباب کوئیده ۲/۵ ریال در تهران قیمت داشته است ولی در شهرهای دیگر دو عدد کباب همراه با نان و کوچه فرنگی کباب شده که شکل یک پرس کامل را دارد ۸ ریال قیمت داشته است. اگر لیموناد یا نوشابه نیز همراه غذا صرف می شده است بین ۲ تا ۴ ریال نیز پرداخت می شده است. بنابراین با پرداخت ۱۰ تا ۱۲ ریال کاملترین غذا را یک فرد می توانست بخورد.

در آن زمان بود که از آب کباب برای خوشمزه کردن کبابها استفاده می شد و توسط چلوکبابی ها با بوی آب کباب که بر روی زغال می ریختند مشتری های زیادی را گرسنه می کردند. در سال ۱۳۵۲ چلوکباب برگ همراه با کره و کوچه فرنگی کباب شده و پياز و سماق مبلغ ۶۰ ریال بوده است و اغلب افرادی که سرکار بودند و منزل نمی توانستند بروند، چلوکباب می خوردند. دانشجویان که درآمد بهتری داشتند معمولاً چوچه کباب سفارش می دادند که قیمت آن ۱۲۰ ریال بوده است. در آن زمان در چلوکبابی ها یک کاسه خیلی بزرگ قرار داشت که در آن دوغ درست می کردند و همراه با کباب به مشتری داده می شد. یکی از موضوعاتی که مدتها در بین مردم رایج بوده است در مورد چلوکباب این بوده که اگر پسری که به سن بلوغ نرسیده بوی کباب به مشامش می رسید او باید بلافاصله چلوکباب می خورد در غیر این صورت قدرت مردانگی اش را از دست می داد!!!

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از کبابی هایی دایر شد که فقط کباب با نان می دادند و یک تنور دارند که خودشان نان مورد نیاز را درست می کردند و کلمه نان داغ کباب داغ را بر روی تابلوهایشان نصب کرده اند.

جواد فریفته آشپزمخصوص احمد شاه حدود ۸۰ سال پیش هنگامیکه مقیم پاریس شد اولین کسی بود که چلوکباب را در خارج کشور ارائه کرد و نام چلوکبابی اش فریفته بود. همچنین احمد خان از ایرانیانی که در آلمان زندگی می کرد، در زمان حکومت نازی رستورانی باز کرد و نامش را هیتلر گذاشت و افرادی که هیتلر و نازی را قبول داشتند اجازه ورود به رستوران را داشتند.

در شهر لس آنجلس آمریکا یک چلوکبابی به نام نایب می باشد که اکثر ایرانیان مقیم آمریکا از مشتریان این چلوکبابی می باشند.

و چلوکبابی دیگر پسدود(pseudo) چلوکباب می باشد. هنگامیکه از مسئول آنجا سؤال شد چرا نام پسدودچلوکباب را انتخاب کردید و چه معنی می دهد؟ گفت چلوکبابی که در اینجا سرو می شود با برنج ایرانی است و از قبيله تازه گوساله تهیه می شود. هنگامیکه با گوشت گوساله کباب درست می شود بهتر است نامش را استیک پلو بگذاریم تا چلوکباب. البته این غذا چیزی شبیه چلوکباب واقعی است ولی صددرصد چلوکباب نیست.

تاریخچه چلوکباب

مورخین و جهانگردان اروپایی که در دوران صفویه از ایران دیدن کرده اند درباره چلوها، پلوهها، ترشی ها و مرباها که در ایران طبخ می گردیده است مطالب بسیار زیادی نوشته اند ولی هرگز راجع به چلوکباب حرفی به میان نیامده است. به احتمال زیاد بر اساس مطالبی که توسط میرزااحمدرضامعتمدالکتاب نویسنده کتاب تاریخ قاجاریان شده است. به دستور شخصی ناصرالدین شاه که اصلیتی قفقازی داشته است و بر اساس نوع کبابی که در آن منطقه طبخ می شده است تهیه می شده است که توسط آشپزان ناصرالدین شاه بعد از مدتی تغییر شکل داده شده است و به صورت امروزی در آمده است.

بر اساس داستانی که توسط دوستعلی خان معیرالممالک از نوادگان ناصرالدین شاه نقل شده است. حکایت از آن دارد که ناصرالین شاه ۸۷ هجری داشته است که ۴ نفر از آنها رسمی بوده اند بقیه صیغه. هنگامیکه یک روز جمعه شاه قصد زیارت از حضرت عبدالعظیم در شهر ری داشته است. پیشخدمتهای او مجبور بودند روز پنجشنبه به آن منطقه بروند و در حدود ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ کباب را بر اساس دستور شاه برای خود او و ۱۰۰۰ همراه و خدمه و همسرانش آماده کنند و کبابها نیز می بایست همیشه همراه با سبزی خوردن و پياز سرو می شده است.

در تاریخ راجع به چلوکباب و تاثیر آن در سیاست نیز مطالبی یافت می شود. در سال ۱۳۲۴ هنگامیکه قیمت قند وارداتی از روسیه بالا رفت و علت آن نیز جنگ بین روسیه و ژاپن بوده است علاءالدوله ، هاشم قندی و اسماعیل خان را که جزو تجارت بودند، قند را به ایران وارد می کردند و قیمت قند را بالا برده بودند احضار کرد و مشغول مذاکره با آنها شد ولی بعد از یکی صحبت علاءالدوله که مسئول وقت تهران بود دستور داد تا آنها را شلاق بزنند هنگامیکه می خواستند آنها را شلاق بزنند پسر هاشم قندی پیش علاءالدوله آمد و خواست تا او را به جای پدرش شلاق بزنند و علاءالدوله دستور داد تا او را ۵۰۰ ضربه شلاق بزنند.

و تئیکه موقع نهار خوردن فرا رسید علاءالدوله بلافاصله دستور توقف شلاق زدن را داد و به سه متهم گفت هنگام شلاق زدن باید شلاق بخورید و هنگام نهار باید نهار بخورید و الان چون چلوکباب حاضر است پس باید چلوکباب بخوریم و بعد از غذا بقیه شلاقها را باید بخورید.

در دوره مشروطه نیز هنگامیکه یکی از مشروطه گرایان در تبریز مشغول سخنرانی بوده است یکی از افرادی که چلوکبابی داشته است می پرسد مشروطه یعنی چه؟ سخنران می گوید مشروطه یعنی چلوکباب ارزان و سپس با دستش طول کباب را نشان می دهد و می گوید کبابی به این طول خواهد بود و سپس بازویش را نشان می دهد و قطر کباب هم به اندازه قطر بازوی من خواهد بود.

قدیمی ترین چلوکبابی که در تهران تاسیس شده است در حدود ۱۲۰ سال پیش بوده است.

اعتمادالسلطنه در نوشته هایش را نقل می کند و می نویسد اولین چلوکبابی نامش نایب بوده است که در بازار تهران قرار داشته است و شبیه رستورانهای اروپائیان غذا را بر روی میز سرو می کرده است: ولی اسناد دیگری نیز موجود می باشد که اولین چلوکبابی در تبریز نزدیک مرز با قفقاز تاسیس شده بوده است. پیشخدمتهای رستوران نایب در آن زمان برنج ها را به صورت هرم در بشقابها قرار می دادند و همراه آن تکه کره ای نیز سرو می شده است. پیشخدمتها یکی یکی برنجها را بر سر میزها می بردند و بلافاصله نفر بعدی کبابها را با سیخ در بشقابها قرار می داده است. در آن زمان هر نفر می توانسته هر چند تا مایل بوده است کباب بخورد و مبلغی که از مشتریان گرفته می شده است یکسان بوده است و فرقی بین کسیکه یک سیخ کباب خورده و چهار یا پنج سیخ نبوده است.

چلوکباب نایب یکی از قدیمی ترین چلوکبابی های تهران بوده است. این چلوکبابی توسط دکتر حسین یزدان منش که دارای مدرک دکتر در رشته جامعه شناسی از فرانسه می باشد اداره می شود و غذاهایی که در آن ارائه می شود بسیار خوشمزه هستند. دکتر یزدان منش عقیده دارد که داشتن یک رستوران شناخته شده که مردم به آن اعتماد دارند از داشتن مدرک دکترای جامعه شناسی کمتر نیست.

در سالهای اخیر نیز کباب برگ و کوئیده در سایز بزرگ که بزرگتر از اندازه استاندارد است بت زیادی پیدا کرده است که چلوکباب پهلوانی جزو اولین مکانهایی بود که کبابپاش بزرگتر از اندازه عادی بوده است و می توان به عنوان بنیانگذار این نوع کبابها از آن نام برد.

مالک یکی از معروفترین چلوکبابی های تهران که نامش چلوکباب شمشیری بوده حاج حسن شمشیری نام دارد که در قسمت شرقی سبزه میدان قرار داشت و در زمان رضاشاه تاسیس شده بود. بعدها این چلوکبابی به یک ساختمان ۴ طبقه منتقل شد که طبقه اول آشپزخانه بود طبقه دوم مخصوص مغازه دارها و بازاریان و افراد مجرد و طبقه سوم و چهارم برای خانواده ها و مقامات در نظر گرفته شده بود. هر طبقه با آئینه های زیادی تزئین شده بود و خود آقای مشیری بر طبقات سوم و چهارم شخصاً نظارت می کرد.

آقای شمشیری از یاران وفادار و حامیان صنعت ملی شدن نفت توسط دکتر مصدق بوده است و در این زمینه نیز در سال ۱۳۲۰ با پرداخت مبلغ یک میلیون ریال (که مبلغ زیادی در آن زمان بوده است) جهت خرید اوراق قرضه و حمایت از ملی شدن صنعت نفت اقدام می کند . بعد از کودتای ۲۸ مرداد و دستگیر شدن مصدق توسط زاهدی شمشیری نیز دستگیر می شود و به جزیره خارک تبعید می شود. هم زندانی او در خارک که نامش کریم کشاورز می باشد در خاطرات شخصی اش نوشته است که شمشیری متعهد شده بود که بهترین کباب کوئیده و برگ را به هم سلولهایش بدهد که متأسفانه این شانس را نداشت به این گفته اش جامه عمل نبوشاند. درباره چلوکباب

انسان برای به چنگ آوردن آنچه متعلق به دیگری است ، دو راه می شناسد: جنگ یا تجارت

(کلود سیمون)



عکاسی مدل - فیلمبرداری مراسم
شما با بهترین کیفیت

078 6509 4370



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید

برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

قانون "اصلا دروغ نگویید"، خانم ها هستند اگر دروغ مصلحتی نگویید (مانند تعریف از هیکل، دست پخت، علاقه به مادر زن....) در زندگی نمی



توانید به هیچ خانمی نزدیک شوید. این به این دلیل نیست که کذب خوب است بلکه دلیل آن این است که دنیای خانم ها متفاوت بوده و قانون های مخصوص به خود را دارد. بدون دروغ حقیقت زیاد میشود که اکثر آنها نیز جزء حقایق تلخ به شمار می روند. بین خودمان بماند اما خانم ها مانند آقایون توانایی تحمل تمام حقایق را ندارند. طبیعت آنها این چنین سرشته شده است. بهتر است شکایت خود را به درگاه خداوند ببرید. توجه کنید، شاید کمی دردناک باشد، اما حقیقت دارد. این مقاله مربوط به ملاقات خانم ها و آقایون نیست، مقاله ای برای صاحب اختیار کردن و قدرت بخشیدن به شما در مسایل شغلیست. فکر نکنید که نباید به خانم ها احترام بگذارید و هر طوری که دلتان خواست با آنها رفتار کنید. فقط می خواستم برای شما این مطلب را روشن کنم که قوانین دنیای تجارت با دنیای عشق و علاقه کمی متفاوت است. نکاتی برای شناسایی افراد دروغگو تصور کنید که شما همین دیروز متولد شده اید و نامتان هم " گول خور" است. در این قسمت نکاتی است تا اگر کسی در حال دروغ گفتن به شما بود بتوانید خیلی سریع آنرا تشخیص دهید: • چشم ها. چشم طرف مقابل را بخوانید. اگر آنها بی قرار بود و مردمک چشم بیش از اندازه گشاد شده بود نشانه از دروغگویی است. اگر تمام مدت پایی را نگاه می کرد و یا چشمش به این طرف و آنطرف بود و هیچ گاه مستقیما به چشم های شما خیره نمیشد بدانید که حرف هایش کذب محض است. • اگر جلوی دهان و یا قسمت های دیگر صورتش را گرفت. • اگر به این طرف و آن طرف حرکت می کرد تا به نحوی در تمرکز شما نسبت به موضوع مورد بحث اختلال ایجاد کند. • من من کردن و بعد درست کردن کلمات (شاید این اتفاق برای خودتان هم پیش آمده باشد در چنین شرایطی اصلا لازم نیست که بر گردید و کلمات غلط تلفظ شده را مجددا تکرار کنید) • اگر تنها اشاره مختصری به جزئیات قضیه می شود و همان حرف ها را برای متقاعد کردن خودش چندین بار تکرار می کند. او خیلی مشکوک به نظر می رسد درست مثل یک وکیل در زمان دفاع از متهم. • داستان او پیچیده و تا حدی تحریف شده است و باعث گیج شدن می شود. • دائما در حال تغییر دادن موضوع مورد بحثی است، پرسش های انحرافی می پرسد و به سوالات شما را نیز پاسخ نمی دهد. • همیشه در زمان جواب دادن به سوالات از جمله "آیا تو به من اعتماد نداری" استفاده می کند. • سوالاتی را که به نفعشان نیست نمی شنوند. چی؟ آیا در عرض ۱۰ ثانیه راه گوششان مصدوم می شود؟ آنها زمانی که از شما خواهش می کنند تا سوال خود را مجددا تکرار کنید، زمانی پیدا می کنند تا به گفته های کذبشان شاخ و برگ دهند. • جزئیات پس از چند روز از این رو به آن رو می شود (دوباره اگر یک چنین اتفاقی برای خود شما افتاده باشد، حتما به یاد می آورید که جزئیات را بارها و بارها عوض کردید) چند سال بعد در مورد همان داستان از او سوال کنید، آنگاه با تلی از دروغ های مختلف روبرو خواهید شد.

به کی میگن دروغگو؟

همه ما در زندگی فرد دروغگویی را سراغ داریم. یک لاف زن حرفه ای. فردی که حتی اگر تلاش هم کند، باز هم نمی تواند از دروغ گفتن دست بردارد. او در مورد هر چیز و همه چیز دروغ می گوید. تعداد خانم هایی که با آنها قرار ملاقات گذاشته، مسائل کاری، استعدادهایش، تحصیلات و در یک کلام همه چیز. او می خواهد با این کار خودش را بزرگتر جلوه داده و در دیگران تاثیر بگذارد. دلیل دروغگویی هر چیزی که باشد، کسی به این قبیل افراد احترام نمی گذارد. هیچ کس روی آنها حساب باز نمی کند و برای شخصیتشان نیز ارزش قائل نیست. توانایی تشخیص دروغ اعماق وجود بیشتر انسانها پاک و محجوب است. آنها هر چقدر هم که تلاش کنند و دروغی بگویند که به اصطلاح مو لای درزش نرود، باز چشمانشان گویای تمام حقایق است. چشم ها هیچ گاه دروغ نمی گویند. چشمانتان هیچ گاه نمی توانند کسی را فریب دهند. پس چرا خودتان را بیهوده به زحمت می اندازید؟ حرکات بدن گویای تمام حقایق هستند. اما اگر مطمئن هستید که آنها در روز روشن در حال دروغ گفتن هستند، نباید به سرعت عکس العمل نشان دهید. این کار باعث می شود که فرد مقابل احساس شرمندگی و خجالت زدگی کند؛ او فقط می خواهد به نوعی خود را در جلوی چشم همگان بزرگ تر جلوه دهد. (بعد از همه این حرف ها، به هر حال روزی فرا می رسد که یک فرد لاف زن از کرده خود پشیمان می شود، حالا چرا شما فردی باشید که او را به شرمندگی می رساند؟) گاهی اوقات بهتر است به شخص دروغگو نشان دهیم که فقط به خاطر دلایل ضمنی خودمان، دروغش را می پذیریم. این کار باعث می شود که او کمی بترسد و دفعه آینده دروغ نگوید. معمولا انسان ها خیلی مودب تر و با سیاست تر از این هستند که بخواهند کسی را دروغگو بخوانند به همین دلیل آدم های دروغگو توانایی هایشان را دست بالا می گیرند و هر روز بیش از پیش دروغ می گویند. برخی افراد نمی دانند چگونه دروغ بگویند به طور کلی بیشتر افراد دروغگوهای ماهری نیستند. چرا؟ به این دلیل که همیشه اشکالاتی در داستانهایشان وجود دارد. به عنوان مثال اگر مرخصی استعلاجی می گیرید، پس چرا روز بعد سرحال و شاداب سر کار آمده می شوید؟ دلایلش این است که این جور افراد توانایی دیدن دورنمای بزرگتر را ندارند. آنها نمی دانند که چگونه باید بر روی سخنان کذبشان درپوش بگذارند به همین دلیل همیشه دستشان رو می شود. دروغگو مثل یک کبک سرش را به داخل برف فرو می برد و تصور می کند که دیگران نیز توانایی دیدن هیچ چیز را ندارند. بهانه های او واقعا واهی و غیر قابل باورند. تا کجا می تواند پیش برود؟ بله قبول اشتباهات، صداقت برخی بیش از اندازه نادان هستند، ذهنشان کار نمی کند، توانایی های خود را بیش از اندازه بالا تصور می کنند و فکر می کنند که در مرکز توجه جهان قرار دارند. آنها تصور می کنند که با اتکا به دروغ به راحتی می توانند خودشان را از شر تمام مشکلات خلاص کنند، اما در نهایت دود این کار وارد چشمان خودشان می شوند. زمانی که دروغ می گویند نه تنها ارزش شما در نظر اطرافیان از بین می رود، بلکه انسانیت شما نیز نابود می شود. گفته هایتان حقیقت ندارند، همه آنها وهم و فریب هستند. در این حالت چگونه می توانید انتظار داشته باشید که دیگران شما را جدی بگیرند؟ اگر کسی دروغ بگوید چیزی نمی گذرد که به او برچسب دروغگویی می چسباند و نام چوپان دروغگو بر او می گذارند. همه چیز برایتان تمام خواهد شد. زمانیکه در شرایطی گیر می کنید که برای رهایی از آن مجبور هستید اندکی قوه تخیل خود را به کار بیندازید، بهتر است دهنتان را ببندید و چیزی نگویید. به جای دروغ گفتن به اشتباهاتتان اعتراف کنید و تا در نظر همگان بزرگتر جوه کنید. صادق باشید و همه مردم را نیز به صداقت فرا خوانید. هر کاری که انجام دهید نتیجه آن را بزودی می بینید حال چه در شغل چه در زندگی خانوادگی. حرف ها و دروغ هایی که از دهانتان خارج می شود درست مثل شمشیری است که به دست دشمن می دهید، پس هیچ گاه به دست افراد سلاخی ندهید تا در آینده بر علیه خودتان از آن استفاده کنند. دروغ گفتن به خانم ها یک استثنا برای

تست روانشناسی هفته

ساده ترین اشکال هندسی را به خاطر بیاورید؛ مربع، مستطیل، مثلث، دایره و منحنی. سپس خیلی سریع و بدون اینکه زیاد به مغزتان فشار بیاورید شکلی را انتخاب کنید که بیشتر از همه می پسندید. در حقیقت یک تست روانشناسی پیش روی شما قرار دارد که با توجه به انتخابتان بسرعت نشان می دهد شما در زندگی چه جور آدمی هستید و در چه مشاغلی احتمال موفقیتتان بیشتر اس. پاسخ های خود را در شماره ی بعد تحلیل و تفسیر کنید.

تفسیر تست روانشناسی شماره ی پیش

حال ببینید که تصورات و مناظر نمایانگر چه بوده اند و سعی کنید پاسخ هایتان را تحلیل کنید.

خانه نمایانگر دیدگاه شما نسبت به خودتان است. اگر خانه تان قدیمی باشد، احتمالا شما فردی هستید که از تغییر و دگرگونی خوشتان نمی آید و به چیزهای سنتی علاقمندید. اگر خانه تان بزرگ باشد، نشانگر اطمینان و اعتماد به نفستان است. اگر پر نور و روشن باشد، فردی خوشبین هستید و اگر تاریک و کم نور باشد فردی بدبین هستید. تعداد اتاقهای خانه نمایانگر تعداد افرادی است که دوست دارید در زندگی شما باشند.

لیوان نمایانگر دیدگاه شما به عشق است. هر چه این لیوان زیباتر و گرانباتر باشد، همانقدر عشق در زندگی شما اهمیت بیشتری دارد و شما فرد رمانتیکی هستید. محتویات لیوان نشان می دهد که تجربیات شما تا به حال در عشق چگونه بوده است.

ساختمان نمایانگر دیدگاه شما نسبت به مذهب و خدا است. یک ساختمان محکم و استوار نمایانگر باوری قوی و استوار است. اما اگر ساختمان خرابه و متروک باشد، شما باوری ضعیف به مذهب دارید.

باغ نمایانگر دیدگاه شما نسبت به دنیای اطرافتان است، کشورتان و یا سراسر جهان. اگر درخت ها و گل های باغ شما رو به خشک شدن باشند، این به آن معناست که شما نگران دنیای اطراف یا آلودگی محیط زیست هستید.

دیوار دیوار نمایانگر دیدگاه شما نسبت به مرگ است. اینکه آیا مرگ برای شما پایان همه چیز است و یا چیزی پس آن می بینید. آیا مستقیم به سمت در می روید یا قبل از رفتن اطراف را بررسی می کنید؟ یا شاید هم اصلا وارد آن نمی شوید؟!

آب آب نمایانگر دیدگاه شما نسبت به آینده تان است. اگر آب را به صورت دریایی پر موج می بینید، نسبت به آینده تان احساس خوبی دارید و مثبت فکر میکنید. اگر بخواهید که در آن آب شنا کنید، اعتماد به نفس دارید و در زندگی ریسک می کنید. اگر آب را به صورت حوضی راکد ببینید، احتمالا از آینده ی خود و آینده ی جهان ترس دارید.

شکست ، انرژی خفته ما را بیدار می کند.

رومن رولان

هفته نامه پرشین از همکاری تعداد محدودی دانشجوی داوطلب جهت تهیه گزارش استقبال می کند



سوپر و قنادی یاس بیرمنگهام

مژده مژده مژده

اولین سوپر مارکت ایرانی در بیرمنگهام

مطابق با استانداردهای انگلستان ما تنها به فروش نمی اندیشیم، کیفیت و سرویس ما را از دوستان خود جویا شوید و همچنان (مفتخریم که سرویس خود را الگویی برای دیگران قرار داده ایم).

بزودی نانوایی یاس با انواع نان تازه در محل سوپر و قنادی یاس افتتاح می شود.

برای اولین بار در بیرمنگهام میوه و سبزیجات ایرانی در میوه فروشی یاس به هم میهنان گرامی عرضه خواهد شد.
دوستان گرامی، ما قیمت های خود را با کمترین قیمت ها در بیرمنگهام مطابقت می دهیم.
تفاوت را در سوپر و قنادی یاس احساس نمایید.

Tel.Fax:0121-565 0100

S8 Cape Hill, Smethwick, Birmingham, B66 4PB

WWW.SUPERYAAS.CO.UK



info@persianweekly.co.uk

نوشته های خیلی خودمانی ترانه!

اگر دوست ندارید خب نخونید!



خیلی احتیاج داشتم سرتونو درد نیارم که این دوستی تبدیل به نفرت من از اون پسر و اون شهر شد.

درس ما هم تموم شد اما بعد از تمومی درسم هنوز با دوستای گلم که مال یه شهر دیگه هستن در رابطه هستم.

یکی از دوستانم که خیلی باهم صمیمی بودیم یه پسرخاله داشت که در همون دانشگاه در رشته عمران درس میخوند که از اون پسرا بود که هیچکس رو تحویل نمیگرفت منم زیاد متوجه اون نبودم چون خودم یه نفر دیگه رو دوست داشتم خلاصه تا اینکه اردیبهشت پارسال توجهم بهش جلب شد طوری که به شوخی به دوستم میگفتم من عروسه خالتم و گذشت تا شهریور که دوستانم برای تولدم اومدن تهران که دوستم گفت من به محمد تو رو گفتم و اونم شمارشو داده که با هم حرف بزنیم و من که نمیخواستم اشتباه چند سال پیشو بکنم زنگ نزدم تا ۴مهر که دلم خواست و یه اس ام اس همینجوری بهش زدم (من میدونستم دوست دختر داره) اما نمی دونم چی شد که به معنای واقعی عاشقش شدم وای ی ی نمیدونین چقدر دوستیمون خوب بود..قبل دوستیمون فکر میکرد من دختر خوبی نیستم (از اونجایی که همش تو دانشگاه بودم تازه به دختر خالتم گفته بود با من نکرده) اما الان میگه تو خیلی خوبی...

اما مشکل همون دختریه که باهاش دوست بود که من فکر میکردم اوایل از این دوستی های همینجوریه اما حالا ببینم نه دختره مال همون شهریه که من ازش بدم میاد، خود محمد هم با من خیلی خوبه اما دیشب که شب تولدم بود و زنگ زده بود میگفت خیلی ناراحت است و میگفت خیلی اذیتت کردم منو نفرین نکن آخه من چجوری اونو نفرین کنم من دوستش دارم خیلی زیاد الان دوستم عذاب وجدان داره که کاش شمارشو نداده بود. منم بهش گفتم تقصیر خودمه من که میدونستم با یکی دیگه هست اما دوستم میگه محمد هم نباید باهاش بازی میکرد. دیشب محمد بهم گفت در قبال من احساس مسئولیت میکنه. میگفت دختری زیادی تو زندگیش بودن اما هیچکس مثل من نبوده احساس میکنه اگه منو ول کنه خدا تلافی میکنه و ضربشو میخوره من نمیدونم چیکارکنم خیلی ناراحتم.

من نمی خوام از دستش بدم از طرفه دیگه میترسم اون دختره نفرینم کنه خود محمد هم نمیدونه چیکار کنه از یه طرف با دختره قراره ازدواج گذاشته بود واز یه طرف هم منو.... نمی دونم واقعا نمیدونم چیکار کنم و عاقبتش چی میشه اما می دونم که باز من شکست می خورم . برام دعا کنید

من دوستش دارم و افعنی هم دوستش دارم بخدا هوس نیست اون خیلی خوبه ولی خودم برای اینکه راحت تر تصمیم بگیرم ویزای دانشجویی گرفتم و اومدم لندن. الان هم که اینجا هستم خیلی بهش فکر می کنم و با اینکه می تونم با خیلی ها دوست بشم ولی نشدم و نمیشم.. دوست دارم اون برای همیشه تو قلبم بمونه.. گر چه مال من نمی تونه باشه.. امروز داشتم فکر می کردم که دوستیمون داره میره تو یک سال... برای بعضی ها یک سال هیچی نیست ولی به نظر من که خیلی زود گذشت.

ترانه جون سرتونو درد آوردم و چشمتونو خسته کردم، معذرت میخوام اما خواهش میکنم منو راهنمایی کنید.

ترانه: عزیزم، دوست داشتن خیلی شیرینه و سخته کسی را که تو دلت راه می دی از یاد ببری ولی اگر اون پسر دوست داشت واقعا، قرارش را با اون دختر به هم می زد. پس باهاش رابطه ات را کاملاً قطع کن و دوست جدید بگیر و مطمئن باش قلبت کسان دیگه هم به همان اندازه که اون را دوست داری می تونه داشته باشه. پسر ها اخلاقی دارند که دلشان نمی سوزه، اگه واقعا تو رو می خواست الان با تو بود و هیچ وقت نمی گذاشت بیای لندن. دان هر چی سرنوشتت هست همان میشه... پس به زندگی خودت ادامه بده و بهتر از اون و دوست داشتنی تر از اون ۱۰۰٪ جلوی راحت پیدا میشه.

کنی . حالا که شما بوی بد سیب زمینی ها را فقط برای یک هفته نتوانستید تحمل کنید :

پس چطور می خواهید بوی بد نفرت را برای تمام عمر در دل خود تحمل کنید ؟

• پیام بازرگانی: وب سایت مشاورین املاک آوا توسط Media Of Persia طراحی شد.
www.avaproperty.com

به راستی که چه دشوار است که آدمی هم عاشق باشد و هم معشوق، و چه زیباست

که هم عاشق باشد و هم معشوق، دشوار از آن جهت که عاشق بودنش برای معشوق نمایان نشود و معشوق بودنش از سر هوی و هوس نباشد. و زیباست که اگر برای عاشق خود همه چیز باشد و برای معشوق خود همه کس....

دیگر چگونه می توان هم عاشق بود و هم معشوق ماند، وقتی برای کسی عشق معنا نشده است یا به غلط معنا شده است، کسی که از عشق فقط داستانی می داند و بس....

همونطور که می دونین ماجرای دختر پسرها همیشه ادامه داره. این هم یک نامه ای که یکی از برو بچه های لندنی برام فرستاد برای موقعی که ایران بوده:

سلام از کجا باید شروع کنم نمیدونم اما سال ۱۳۸۱ بود که من با قبولی در کنکور و رفتن به دانشگاهی در یک شهر دیگه برگ دیگری از زندگیم ورق خورد که تا الان هرچی میکشتم سر همون ساله البته من ناشکری نمیکنم چون من بهترین و تلخ ترین خاطراتمو از همون شهر دارم و دوستایی که مثل خواهر برام عزیزند و دوست داشتمی، من همون سال دل به پسری بستم که این دوست داشتنی یه طرفه بود بزارین خلاصه وار بگم تا خسته نشین

یکی از دوستانم نامردی کرد و به طرف گفت و شما هم حدس بزنین که رابطه این نوع دوستی چجوریه بعد ها فهمیدم همون پسر با بدنامترین دختر دانشگاه دیده شده و...

نمیدونم تا حالا شده توی شهر دیگه و متعصب تنها و بدون هیچ تفریحی سر کنید؟ تفریح منو دوستانم این بود از صبح تا عصر تو دانشگاه باشیم و عصر به بعد هم یا توی یه خیابون معروف اونجا یا توی کافی نت ها بودیم

در نزدیکی خوابگاه ما هم یه کافی نت بود که تازه باز شده بود با مدیریت یه پسر جوون و خوشتپ...

من در فکر همون پسری بودم که در به صورت یک طرفه دوستش داشتم و روز و شب فقط به اون فکر میکردم

اما علی صاحب کافی نت بهم پیشنهاد دوستی داد. من اول قبول نکردم اما دوستانم میگفتن چون اون عشق یک طرفه رو باید بزارم کنار و فراموش کنم بهتره با این دوست بشم.

نمیدونم این پسرا چه موجوداتین خدا شاهده من اوایل دوستی خیلی کم محلی میکردم اما اون هر روز و هر شب باهام تماس میکرد و تا آخر که برادرشو نشونم داد و گفت میخواد حاج خانومو بفرسته خواستکاری منه خرم دیگه حرفاشو باور میکردم تا ورق برگشت و اخلاقت عوض شد و کم کم همه میدیدن که هر دفعه تو کافی نت با یه دختره

خدا بگم چیکارش کنکه که بدترین اشتباه تو زندگیم همون بود چه گریه ها که من هر روز نمیکردم جالب این جا بود که بازم بهم زنگ میزنه (نا گفته نماند که بعد از یک سال و نیم بازم از رو نمیره) خیلی بخودش مغرور بود هیچی نداشت نه کاره درستی ، نه خانواده ای ، تنها چیزی که داشت همون قیافش بود که الان فکر میکنم همونم نداشت.

تو این ۲ سالی که با هم بودیم خیلی کارا براش کردم حتی موقعی که کافی نت رو فروخت و با یه دختره دوست بود اومد پیشم و گفت از یه دختره ۵۰ تومن گرفتم و ابروم در خطرره من خر بهش دادم با اون که قبض های موبایلم همیشه ۵۰ به بالا بود و خودم

آیا می دانید هزینه های این هفته نامه از آگهی های شما تامین میگردد؟
آگهی های شما به کیفیت و استمرار این هفته نامه یاری می رساند

020 8453 7350



info@persianweekly.co.uk

جدول و سرگرمی

فال هفته



متولدین فروردین: در حال حاضر زهره در برج میزان است. روابطتان با دیگران خوب و راحت است. می توانید انتظار موفقیت زیادی داشته باشید بنابراین حرکت را آغاز کنید.



متولدین اردیبهشت: در حال حاضر ستارگان شما را تشویق می کنند. نمی توانید مسایل مربوط به امنیت شخصی خودتان را نادیده بگیرید. اگر می خواهید موفق شوید باید به نظرات دیگران هم گوش دهید.



متولدین خرداد: زهره به برج میزان رفته است و این قسمت اجتماعی چارت شماسست. به نظر می رسد تفریح و سرگرمی دارید مخصوصاً اگر مجرد هستید، می توانید با همسران و فرزندان، خانوادگی تفریح کنید.



متولدین تیر: شاید از این تعطیلات است خوشحال شوید. بعد از این همه مشکل در محل کار به یک تفریح و استراحت نیاز دارید. تفریح با دوستان شما را آرام میکند. اما زیاده روی نکنید.



متولدین مرداد: امروز با دوستان بودن، تفریح خوبی خواهد بود و جای تأسف است اگر زمانی طولانی را به تنهایی بگذرانید. مطمئناً از بودن با کسانی که شبیه شما فکر می کنند، لذت خواهید برد. همه شما شیرهای تنها از رفتن به کلوپ یا جماعت مورد علاقه تان و گپ زدن با دوستانتان بسیار لذت خواهید برد. حتی ممکن است زمانی که آن جا هستید گفتگویی دوست داشتنی داشته باشید.



متولدین شهریور: همه از رفتار خوب شما سرحال می آیند. حتی اگر در حال حاضر کارها خوب پیش نمی رود. بالاخره موضوعی را پیدا می کنید تا از آن شاد شوید. شاید اضافه حقوق کمی پیدا کنید.



متولدین مهر: شما هماهنگی های جالبی با شخصی دارید که از کشور دیگری آمده و نوع زندگی

متفاوتی از شما دارد. آنها مطالب زیادی برای فکر کردن به شما می دهند و شما از گفتگو با آنها لذت می برید حتی ممکن است روابط بسیار رمانتیک با یک فرد خارجی داشته باشید و یا این که بسیار مشتاق شوید از یکی از کشورهای بسیار دور دست دیدن کنید.



متولدین آبان: امروز خورشید وارد برج شما می شود. اگر انرژی تان زیاد است، فهرستی از کارهایی که باید انجام دهید تهیه کنید. شما یکی از برج های منطقه البروج هستید که هر چیزی را که بخواهید، می توانید به دست آورید. امروز نباید به طور دائم کاری را انجام دهید. سعی کنید کارهای جدید انجام دهید و امروز را جذاب تر کنید. با افراد شاداب و سرزنده معاشرت کنید، واقعا شما را سرحال می آورند.



متولدین آذر: ستاره ها کمکتان می کنند که شما امروز خیلی راحت و روشن فکر کنید و با دیگران ارتباط برقرار کنید. پس از این موقعیت استفاده نکنید. یک موقعیت بسیار عالی کاری یک دفعه برایتان پیدا می شود و خیل نعمت مالی بزرگی است برایتان. اگر می خواهید کسی به شما لطفی بکند حتماً از یک همکارتان تقاضا کنید.



متولدین دی: اکنون ونوس وارد برج میزان می شود. هر چه قدر خسته باشید، خانه تان را زیبا می کنید. اکنون زمان مناسبی برای انجام کارهای عقب افتاده نیست، چون واقعا سرتان شلوغ است. اما تمایل دارید تا جایی که می توانید خانه را جذاب و زیبا کنید.



متولدین بهمن: استارگان فعالیت های زیادی را برای تان فراهم می کنند و شما بیشتر از روزهای معمول در حرفه خود موفق هستید و کارهای پرخطر انجام می دهید. به هر کاری که جالب و ماجراجویانه باشد روی می آورید به خصوص اگر موضوعی ناشناخته باشد. با افراد مایوس و ناامید که تمایل دارند شادی شما را از بین ببرند معاشرت نکنید.



متولدین اسفند: اکنون ونوس داخل برج میزان می شود ستارگان چنین مرتب شده اند که یک خرید اصلی برای خانه اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. این طور نیست که حقیقتاً نخواهید بی پروا باشید اما حداقل اشتباهی در زیبایی نخواهید کرد پس در حال حاضر سلیقه شما بی همتاست.

براحتی می توانید لیفلت ها و آگهی های خود را به همراه هفته نامه پرشین پخش نمایید.

020 8453 7350

جدول عادی

افقی:

- ۱- بیماری نرسمی
- ۲- استخوان- مرگ موش
- ۳- حیوان نجیب- مکتبی
- ۴- در هنر و ادبیات- گوشه ها و کنج ها
- ۵- زمینه- جبه درویشان- ستیزه جویی و ناسازگاری- غنچه صورت
- ۶- قابله- مرکز سوریه- مکان و محل
- ۷- گناهکار- ناشایست- ممنوع شده
- ۸- پر حرفی- موجود درشت اندام و بسیار زشت، دیو- مقعر
- ۹- ناپدری- کودن و نادان- کاهلی و سستی
- ۱۰- جانور وحشی درنده- کشوری در آسیای مرکزی با مرکزیت پیشکشک- نوعی زغال سنگ
- ۱۱- گرایش و رغبت- فریاد بلند- زیبایی و خوبی
- ۱۲- کشت و زراعت- اجداد- عددی دورقمی

- ۱۳- زاپاس خودرو- کلمه تأکید نفی- مادر بزرگوار پیامبر اکرم(ص)
- ۱۴- لقب اروپایی- نگهبان و گنجور- بومی
- ۱۵- ادات تشبیه- شاعران و سخندانان- هوای گرم بسیار مرطوب- تصدیق روسی
- ۱۶- قطعی برای کتاب یا نشریه- دردمند و بیمار- پرنده آتش سردکن
- ۱۷- استراق سمع- ایراد گرفتن در مورد های جزئی و بی اهمیت

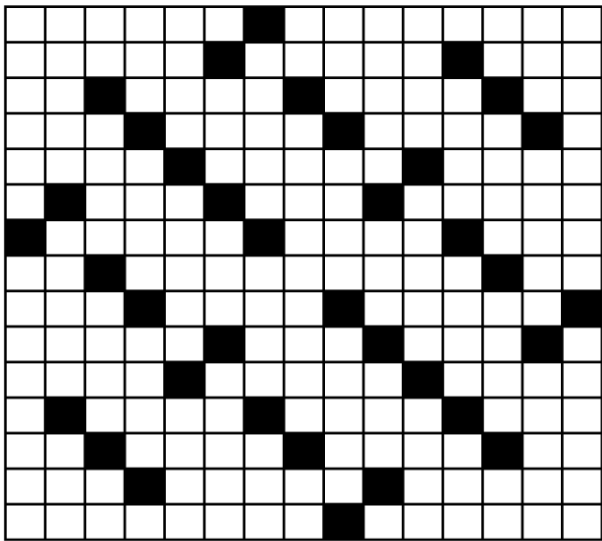
عمودی:

- ۱- شمیمدان برجسته بریتانیای کبیر و برنده جایزه نوبل ۱۹۰۸ به خاطر تجزیه و تحلیل تشعشع رادیو اکتیو- فلسفه دان
- ۲- تنگی نفس- دوستی خالصانه- طول
- ۳- روز نیست- پاسخ داده شده- استوار و بی بازگشت- دلیر و پهلوان
- ۴- بیرون، ضد داخل- خواننده قرآن- قلعه حکومتی
- ۵- افزایش پول در یک کشور به طوری که کالایا خدمات لازم در برابر آن موجود نباشد- بی دریی و پشت سر هم- پادشاه
- ۶- بیماری زردی- کمترین- جای بازگشت
- ۷- مخفف سیاه- توانگرتر و بی نیازتر- وسیله و ادات
- ۸- فلز سرچشمه- گلر- رشته پهن
- ۹- متداول و مرسوم- در مثل عینک نمی آموزد- درخت
- ۱۰- رویش، پرورش- حرف هشتم یونانی- گلابی
- ۱۱- روزی رسان- ساحل، پهل و جنب- دفتر کار تاجر
- ۱۲- فایده و بهره- زیانکار- خوشه برنج
- ۱۳- رمق- سرگرمی کنونی شما- مسلم و قطعی- شماره ماه
- ۱۴- سرد سیر- برابر و همسان- درخت اعدام
- ۱۵- قفسه آشپزخانه- نقش کردن تصویر یا نوشته بر روی سنگ، چوب یا فلز به صورت برجسته یا توخالی

جدول ویژه

افقی:

- ۱- مجموعه جانداران و محیط طبیعی که در آن زیست می کنند- پارچه ابریشمی گلداز بسیار نرم
- ۲- خدای من- سازگاری، بستگی- سرو صدای همراه با اعتراض
- ۳- وحشی و درنده- رهبر حزب- حاجت- شش تازی
- ۴- سرخ رنگ- میوه یاقوتی- بارکش صحرا
- ۵- پنهان- نور ماه- پرنده ای از راسته ماکیان شبیه کبک
- ۶- دستورها- از اعداد ترتیبی- نزاع و زده خورد
- ۷- نشان و مقصود- رهیده از آفات- عامل بیماری
- ۸- تصدیق انگلیسی- از آثار معروف گوتتر گراس نویسنده معاصر آلمانی که با انتشار کتاب طبل حلبی به شهرت جهانی دست یافت- مشک دریده
- ۹- وسیله اطلاع رسانی- جادوگر- گلو



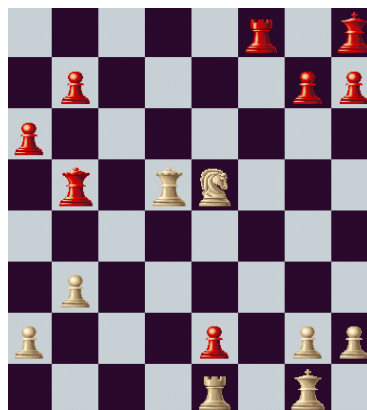
- ۱۰- پدر آذری- بدبوی پرخاصیت- غذای ساده
- ۱۱- سمت راست- درختی از تیره بیدیان که چوب آن کار بردهای صنعتی فراوان دارد- واحد بسامد در فیزیک
- ۱۲- قاطع چوب- خنگ و ابله- نمونه
- ۱۳- حرف مفعولی- صاحب- پوپک- استفراف
- ۱۴- جمعه- واپسین و پایانی- ضد خوبی
- ۱۵- روشندل- دارای طعم یا بوی گیرا و قوی

عمودی:

- ۱- نوعی آبزی دریاهای بزرگ با بدنی باریک و کشیده- رئیس جمهور و سیاستمدار سوسیالیست فرانسه در قرن اخیر
- ۲- جگر- متکبر و بی اعتنا- کلمه تأکید نفی برای بازداشتن کسی از کاری
- ۳- جانشین او- نام تجاری در بازکن برقی ساختمان- جز آن، دیگر- تیرپیکاندار
- ۴- جاق و گوشمالو- نوعی پارچه نخی- فرومایه
- ۵- کودک پدر مرده- هادی- غیب گو
- ۶- مجموعه نشانه های عینی و ذهنی بیماری- پرستار بچه- بوق و شیپور
- ۷- تیره و کدر- پیشکش- افزاز آهنگری
- ۸- سودن- عمل یا فرایند خود کار کردن- هربخش یسنا
- ۹- رسوا- پروردگارا- گردنبدن مروارید
- ۱۰- ناپدری- عملی در وضو- اختراع مارکونی
- ۱۱- پیشوا- سردرد و سرگیجه- شریک
- ۱۲- پدر بزرگ- خاریشت تیرانداز- قوم موسی(ع)
- ۱۳- تصدیق آلمانی- خراش یا شکاف- شماره- صنم
- ۱۴- آرام و یواش- مژده- نوعی آینه
- ۱۵- ذره بنیادی خنثی- آخرین و تازه ترین مرحله زمین شناسی

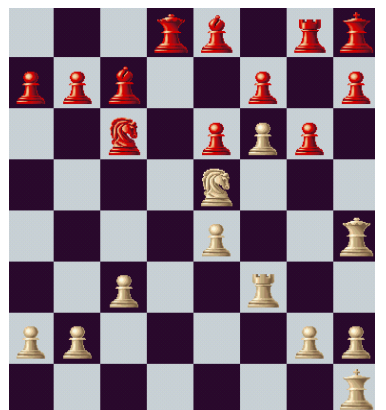
معمای شطرنج پیشرفته

سفید شروع و در چهار حرکت مات می کند



معمای شطرنج مبتدی

سفید شروع و در دو حرکت مات می کند



جستان هفته

در یک مسابقه دوچرخه سواری ۴ دوست با دوچرخه های خود به رقابت پرداختند. با توجه به راهنمایی های زیر بگوید چه کسی اول شده است و دوچرخه اش چه رنگی است ؟

۱. دوچرخه علی سبز نیست.
۲. دوچرخه قرمز مال پیمان است و اولین یا آخرین دوچرخه ای نیست که می رسد
۳. سومین و چهارمین دوچرخه ای که می رسد نارنجی نیست
۴. دوچرخه مجید آبی نیست و بعد از پیمان به خط پایان می رسد.
۵. دوچرخه امید اولین و آخرین دوچرخه ای نیست که می رسد و آبی هم نیست



info@persianweekly.co.uk

صفحه شما

پیام های مهربانی

جوانی هستم 35 ساله خواهان آشنایی با یک دختر در لندن می باشم
لطفا با ایمیل من تماس بگیرید
farhad_danesh2007@yahoo.co.uk

doos daram ba pesari biyene 33-36ashena shavam.
khoshtip&tidy bashe.sakene kodom mahal hast
moheme.

my e-mail is :pari66@hotmail.co.uk

به دنبال دختر خاتمی مهربان و صادق جهت آشنایی و دوستی. مهدی 24
ساله _ منچستر 07864110956

پسری 37 ساله تحصیل کرده و شاغل مایل به آشنایی با دختر خاتم ایرانی
تحصیل کرده جهت دوستی.
M_112006@yahoo.co.uk

به دنبال دختر خاتمی ایرانی جهت دوستی و آشنایی
07919002476 matio

آکهی های دوست یابی و پیام های
مهربانی در این صفحه رایگان است
info@persianweekly.co.uk
لطفا پیام های خود را ایمیل نمائید

استخدام بازاریاب

خانم یا آقای بازاریاب با تجربه، ترجیحا با وسیله نقلیه، آشنا به شهر لندن با
حقوق ثابت و پورسانت نیازمندیم.
گروه تحقیقات مارکت آرا ۰۲۰۸۲۰۱۹۴۶۶

جویای کار

با ۲۵ سال تجربه در کارهای
ساختمانی و تاسیساتی

مهرزاد ۰۷۸۵۲۹۴۹۰۵۵

خانمی ایرانی با تجربه

آماده همکاری جهت نگهداری
از کودک و یا سالمند شما

۰۷۷ ۷۱۷۳ ۶۴۷۲

تدریس زبان فرانسه توسط خانم با

تجربه فرانسوی

آمادگی دبستان و بزرگسال
High Barnet

۰۲۰۸۴۴۰۴۴۱۶ آلساندرا

جویای کار

طراحی و دیزاین
۰۷۸۰۹۶۷۲۲۳۰

استخدام

Staff با اجازه کاربرای رستوران
ایرانی در منطقه Hammersmith

079 8674 4477

خدمات ساختمانی، مسکونی و تجاری

تعمیرات کلی و جزئی، طبق استانداردهای
انگلستان با ضمانت کامل طراحی داخلی با نظارت
مهندسين مجرب لوله کشی، برقکاری، نجاری،
نقاشی، کاشیکاری و آجرکاری ...

079 4862 5919

ایران ما

نقاشی ساختمان، دکوراسیون
و لمینت

با ۱۷ سال سابقه کار با گارانتی

079 8477 2136

به چند نفر فروشنده و
برای همکاری van راننده
در مارکت نیازمندیم.
07759512443

جهت کار در State Agency
به تعدادی افراد با سابقه و
فعال نیازمندیم

084 4844 3141

خدمات ساختمانی

و کاشیکاری شامل لوله کشی و

انواع بویلر

078 8644 8456

رستوران آریانا
رستوران بهشت
رستوران شهرزاد
رستوران سراب
رستوران زعفران
مدرسه اوستا
Super Dejla
Turkish Super
Market, Way to say
|Turkish Super Market, TFC
Turkish Super Market, CODI
Turkish Super Market, ELING
و شهرستانهای: Birmingham,
Glasgow, Leeds, Liverpool
,Manchester, New Castle
Nottingham. Southampton
Brighton

سوپر سیب
سوپر سهند
سوپر دنا
سوپر علوان
سوپر فردوس
سوپر وحید
سوپر سرور
سوپر فردیس
فرهنگسرا
قنادی عسل ۱
قنادی عسل ۲
سوپر کسری
سوپر مازندران
سوپر منصور
سوپر مسعود
سوپر هرمز
رستوران ایلینگ کباب
رستوران مهدی

جامعه ایرانیان
کانون ایرانیان
سوپر پرآرا
سوپر انزلی
سوپر بازارچه ایرانی
سوپر پرشیا
سوپر بیژن
سوپر بهار
سوپر تهران
سوپر تخت جمشید
سوپر جردن
سوپر خزر
قنادی رضا
سوپر زمان
سوپر زمزم
سوپر ساوالان
سوپر سارا
سوپر سپید

با تشکر از تمامی
دوستانی که ما را
در توزیع این هفته
نامه یاری می کنند،
بدینوسیله لیست
مراکز توزیع هفته نامه
پرشین را برای شما
خوانندگان عزیز اعلام
می کنیم.



info@persianweekly.co.uk



گذری بر فرهنگ و ادبیات آذربایجان

زیبارویان ترک در آثار
نظامی گنجوی

■ نوشته رستم علی‌یف ترجمه حمیده سودبر



به جرأت می توان گفت که در مشرق زمین هیچ هنرمند و متفکری نتوانسته هستی؟، طبیعت و روان شناسی زنانه را مانند نظامی عمیقاً درک و حس نموده و ماهرانه به تصویر بکشد. آفریدن چهره هایی مانند لیلی، شیرین و نوشابه، فتنه و نیست اندر جهان با قلم اعجاز آفرین شاعر تمثیل گر بالاترین مزیت طبیعت زنان و به مثابه ستاره‌های درخشان در آسمان جامعه بشری می باشد.

بنا به همین مفهوم و افکار نیز عشق و دوست داشتن، مقدس ترین روشنی بخش هستی مخصوص آدمی است. مضمون آن نیز عبارت از شهوت و هوی و هوس نیست، بلکه محبت اصیل هست. انسان عاشق قبل از هر چیز باید صافی، تمیزی و دست نخورده بودن چشمه عشق خویش را حفظ نماید. عاشق هر چقدر هم در آتش عشق بسوزد و هر چقدر هم عذاب بکشد، قبل از هر چیز باید درباره سعادت معشوق خویش بیندیشد. چون از این سعادت او نیز مستفیض خواهد شد. عاشقان نباید خوشبختی خویش را با بدبختی دیگران بدست آورند. بزرگترین سعادت؟، داشتن هنر عشق و دوست داشتن می باشد.

نظامی ماهیت همین اندیشه را در زندگی شخصی خود، درعشق و علاقه ای که به همسر خویش آفاق خانم داشت احساس کرده بود.

از آنجایی که معلوم می شود شاعر ازدواج دیر هنگام داشته است. تا سن سی سالگی بدون لحظه‌ای درنگ برای کسب علم و دانش و تألیف آثارش ساعتها، روزها و هفته‌ها، ماهها و سالها را فقط با کتابها که بزرگترین نعمت های دونیویش محسوب می شدند. درانزوا سپری کرده است. شاعر از عشرت و خوشگذرانی دوری کرده، برای درک اسرار طبیعت و مردم، معنای حقیقی هستی، دائماً در تلاش خستگی ناپذیر بوده و در نهایت حقیقت ابدی را کشف نموده است.

بمردم در آمیز اگر مردمی

که با آدمی خوگر است آدمی

این هماهنگی فقط زمانی بوجود خواهد آمد که هر عضوی از جامعه بدون در نظر گرفتن نژاد طبق نظر شاعر، اجتماعی با خصوصیات بشر دوستی، برادری، سعادت و رفاه اجتماعی بوجود آورند. در این جامعه ارباب و رعیت، شاه و گدا، ظالم و مظلوم، حاکم و محکوم، توانا و ناتوان مفهومی نخواهد داشت و از این عشق، دوستی و همیاری سعادت فردی و اجتماعی و آزادی مادری و معنوی جامعه منبعت می شود.

شاعر قسمتی از همین حقیقت را در نخستین منظومه‌اش « مخزن الاسرار» آورده است. در هنگام آفرینش همین اثر برای اولین بار شروع به احساس سعادت حقیقی و فنا پذیر عشق ابدی در حیات شخصی خویش نمود.حاکم در بند بنام حسن که یکی از شیفتگان قصیده های شاعر بود، برای ابراز مفقونی خویش یکی از کنیزان قبیچاقی بنام آفاق (آپپاق) را که نتوانسته بود وی را رام نماید. به عنوان تحفه به شاعر فرستاد. بعد از اطلاع شاعر از نگون بختی آپپاق، رشادتهایی که جهت حفظ عصمت و پاکدامنی از خود نشان داد ه بود با او نه مثل یک مالک بلکه فردی لایق خویش با خصوصیات جوانی آزاده با وقار و زیبایی که در شاعر حس عشق و محبت را بیدار می کرد، برخورد نمود. نظامی با کنیز هدیه شده بصورت شرعی ازدواج نموده و وی را یگانه شریک زندگی خویش انتخاب نمود. ثمره زندگی مشترک نظامی و آفاق یگانه فرزند شاعر محمد بود. این سالها در زندگی خصوصی شاعر بهترین سالهای خوشبختی و سعادت بود. لاکن این خوشبختی عمر کوتاهی داشت. بعد از هشت سال در سال ۱۱۷۵ م آفاق (آپپاق) وفات نمود. مرگ آفاق تمام زندگی شاعر را متزلزل نمود. برای ماندگار و ابدی نمودن یاد و خاطره آفاق، شاعر دوائر « خسرو شیرین» در خصوص همسر مهربان و سعادتی که ارمغان وجود آفاق بود و غصه هایی که در نبود آفاق متحمل شده بود را در اشعار زیر به تصویر کشید.

درین افسانه شرط است اشک راندن

گلاب تلخ بر شیرین نشاندن

بحکم آنکه آن کم زندگانی

چو گل بر باد شد روز جوانی

سبکو چون بت قبیچاق من بود

گمان افتاد خود که آفاق من بود

همایون پیکر نغزو خردمند

فرستاده بمن دارای دربند

پرندهش در ع و از درع آهمنین تر

قباش از پیرهن تنگ آستین تر

سران را گوش بر مالش نهاده

مرا در همسر بالش نهاده

چو ترکان گشته سوی کوچ محتاج

به ترکی داده رخنم را به تاراج

اگر شد ترکم از چرگه نهانی

خدایا، ترک زادم را تو دانی

نظامی این بت ترک قبیچاقی را تا آخرین نفس نتوانسته بود فراموش کند. دوستی و عشق وافر که نظامی به دختر ترک داشت بعد از مرگ وی به یگانه یادگار او یعنی محمد رسید. با وجود اینکه شاعر بعدها ازدواج کرد اما سعادت و خوشبختی شاعر با مرگ آفاق کوچ کرده بود. در سالهای آخر عمر شاعر در اثر خود « اسکندرنامه» احساسات خویش را بشرح ذیل نسبت به آفاق نشان داده است.

فلک پیشتر زین که آزاده بود

از آن به کنیزی مرا داده بود

پیاده نهاد رخش ماه را

فرس طرح کرده بسی شاه را

خجسته گلی خون من خورده او

بجز من نه کس در جهان مرده او

چو چشم مرا چشمه نور کرد

زچشم منش چشم بد دور کرد

که گفتی که تا بود هرگز نبود

رباینده چرخ آنچنانش ربود

که گفتی که تا بود هرگز نبود

بخشنودی کام مرا بود از او

چه گویم خدا باد خشنود از او

این سطور، آخرین سطرهای داستان آرخیمیدس و کنیز چینی می باشد. انتخاب این چینی، تصادفی و بی دلیل نبوده است. کنیز چینی همان « اوزو نقای یلی» نیست اندر / جهان قهرمان / می باشد که در جنگ دشت قبیچاق، اسکندر با کنیز روسی اسیر شده بود. بعد از برگشت به یونان اسکندر وی را به حکیم آرخیمیدس شوهر داده بود و آرخیمیدس محو زیبایی و فر است وی شده و مدتها از مشغله های علمی دست کشیده بود. باشد که نظامی نیز بعد از ازدواج با آفاق (آپپاق) از تألیف و نوشتن آثارش مدتها دوری جسته بود. خوشبختی و سعادت در زندگی خصوصی شاعر در تألیف مخزن الاسرار یک تا سه ساله فاصله انداخته بود تصادفی نیست که شاعر در همین اثر آفاق دوست داشتنی را در زیبایی، آزادی، رشادت، عقل و کمال از کنیز چینی « نیست اندر جهان» به مراتب برتر دانسته است.

بدون شک تأثیر عشق و علاقه شاعر به آفاق در تمثیل صورتهای زنان در داستانهای نظامی تأثیر مهمی داشته است. شیرین، لیلی، نوشابه، فتنه و نیست اندر جهان نمودهایی از آفاق در آثار نظامی است.

همگی آنان نمایشگران خصوصیات خاص آفاق از قبیل آزادی، صداقت، احترام به خویش، حیثیت و آبروداری، شکست ناپذیری، وقار، فداکاری و در نهایت از نظر قد و قامت و زیبایی می باشند. درقطعه اول شعر شاعر:

« درین افسانه شرط است رشک راندن

گلاب تلخ بر شیرین نشاندن»

افسانه « شیرین» تمثیلگر بت ترک قبیچاق (آفاق) است

صورت سفید دختران ترک را به ماه تشبیه کردن از قرن پنجم و ششم به زبان ادبیات فارسی بصورت گسترده وارد شده بود. دلیل تاریخی آن نیز واضح است. قبل از میلاد مسیح مهاجرت مسیح قبیله‌های مختلف ترک از کوههای آلتای شروع شده بود. در عصرهای مختلف مهاجرت قبیله های ترک از آسیای مرکزی به دشتهای روسیه، اطراف دریای سیاه، آسیای صغیر (ترکیه) و تا بالکان دراروپا رسیده بود و در این اراضی بصورت دائمی سکنی گزیده بودند، در زمان خلافت عباسی در خراسان، ماوراء النهر به سکونت دائمی خویش ادامه دادند. در شجاعت و مردانگی شهره عام و خاص بودن قبیله های اوغور و قبیچاق این هوس و رغبت را در سایر دول جهت دعوت از آنان به میان لشکریان خویش بر می انگيخت. همزمان با جنگاور مهشور ترک، زیبا رویان ترک نیز از شهرت بسزائی برخوردار بودند. رودکی شاعر معروف فارسی زبان، کاخهای سامانیان را چنین تصویر نموده است.

خسرو بر تخت پیشگاه نشسته

شاه ملک جهان امیر خراسان

ترک هزاران بپای خویش صف اندر

هر یک چون ماه بر دو هفته درخشان

هر یک بر سر سیا که مرد نهاده

لش می سرخ وزلف جعدش ریحان

باده دهنده بتی بدنی زخویان

بچه خاتون ترک و بچه خاقان

مسئله جالب توجه، نگرش نظامی به ظاهر حقیقی و واقعی زنان ترک می باشد. مادر نظامی غیر ترک بوده و شاعر نسبت به مادرش فرزندی صادق و صالح و در عین حال علاقه ای وافر به وی داشت و این علاقمندی به مادر سبب علاقمند شدنش نسبت به همه شده است. اما محبت و عشق بی حد شاعر نسبت با آفاق باعث شده بود که شاعر نسبت به تمام زنان ترک در ایده و افکار خویش جایگاه مخصوص اختصاص دهد. ولی صورت زیبا و سیرت نیکو، آزادی، عصمت، وفاداری - صداقت، کوشا بودن که خاص زنان قبیچاق و اوغوز می باشد را صرف نظر از ملیت معیاری در تمام زنان زیبا در نظر گرفته بود.

نظامی برای درک واقعی عقاید خویش به تحقیق در تاریخ، روش زندگی، ذوق و سلیقه ترکان و مطالعه اوغوز نامه و سلجوقنامه و سایر کتب مربوطه پرداخته بود. برای اثبات گفته فوق مثالی در کتاب « اسکندرنامه» قسمت داستان دشت قبیچاق بدین مضمون می باشد که آمدن اسکندر به چین و دشت قبیچاق برای آزادی نوشابه و جنگیدن با روس و بورتاس گنیز به تصویر کشیده شده است. دشت قبیچاق در عصر نظامی به سواحل دریای سیاه تا دشتهای اطراف رودخانه ولگا گفته می شد. از قرن هشتم میلادی قبیله‌های ترک اوغوز و قبیچاق در این محل زندگی می کرده‌اند. در معشیت کوچ نشینی زنان ترک از حقوق برابر با مردان برخوردار بودند. آنها بدون چادر و آرایش از اعضای آزاد جمعیت بوده و در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی فعالانه شرکت داشتند. در داستان « دده قورقود» شیر زنان با خصوصیات مردانه مانند تیز انداز، سپر به دست، شمشیر زن، اسب سوار، شکست ناپذیر، وفای به عهد، ماه صفت و با چشمان زیبا و قد رعنا اشاره شده است و تصادفی نیست که سخن نظامی که « شیر نر و ماده ندارد» بصورت ضرب المثل بین مردمان ترک مشهور شده است.

قبیچاقها و اوغوزها برای خود الهه هایی داشتند، الهه ها بت هایی شبیه زنان بودند به بتان خیلی آرایش و پیرایش می دادند و به همین سبب نیز کلمات « بت» « صنم» « نگار» در ادبیات همیشه به مفهوم « نادرترین زیبا رویان» بکار رفته است و نظامی وقتی خطاب به آفاق « بت قبیچاق من» می گوید اشاره به زیبا رویان عادی قبیله قبیچاق نیست بلکه اشارتی بر الهه زیبایی قبیچاقها می باشد. آزادیکی زیبا رویان ترک همیشه زبانزد جهانگردان بوده است. این آزادیکی، مسیحیان ارتدکس و عربهای مسلمان را متعجب کرده و غبطه شان را بر انگيخته بود. این بطوطه سیاح معروف در سفر نامه خویش درخصوص زنان ترک قبیچاقی چنین نوشته است « در این کشور (دشتهای قبیچاق) از چیزهایی که دیدم چیزی که بیشتر از همه مرا متعجب کرد احترام و حرمتی است که نسبت به زنان قائلند و شان و مقام زنان حتی از مردان نیز بالاتر است. جهانگرد مشهور عرب ابن فضلان در سال ۹۲۲ - ۹۲۱ با مشاهدات خویش دریافته بود که زنان ترک با وجود اینکه از نظر ظاهری از مردان کتاره نمی گرفتند ولی همیشه با حجب و حیا و آبرومندی زندگی کرده برای صحت سخنان ابن فضلان در اسکندر نامه جایی که ریش سفید قبیچاق با اسکندر صحبت می کند را می توان مشاهده نمود، قبل از پرداختن به متن اصلی لازم به ذکر است که نظامی آثار ابن فضلان را به کرات مطالعه نموده و در آثار خویش از آنها بهره جسته است. وقتی لشکر اسکندر به دشتهای قبیچاق می رسد در آنجا:

بیابان همه خیلی قبیچاق دید

در اولبتان سمن ساق دید

بگر می چو آتش بنرمی چو آب

فروزانتر از ماه و آفتاب

همه تنگ چشمان مردم فریب

فرشته زدید ارشان نا شکیب

نقابی نه بر صفحه رویشان

نه پاک از برادر نه از شویشان

لشکریان اسکندر که سالهای طولانی عمرشان را در جنگ و نبرد سپری کرده‌اند با دیدن زیبا رویان با چشمان جذاب، و از صورتهای درخشان تراز ماه و خورشید متعجب می شدند.

دارلیقدا گنجینه نن سوبای عسگرلر

گؤرونجه اوْتورک سوز بیر دسته دلبر

دؤزمه ییب قاینادی گنجلیگین قانی

دنباهمن اولدولار امر فرمانی

اما سربازان از ترس اسکندر جرأت نزدیک شده به زیبا رویان قبیچاق را نداشتند. بدون توجه به اینکه اسکندر تقریباً ۹۰۰ سال قبل از اسلام می زیسته ولی شاعر در « اسکندر نامه» وی را با خصوصیات یک مسلمان تمام عیار ذکر کرده است. و به همین دلیل اسکندر با مشاهده زنان بدون حجاب قبیچاقی مکرر می‌شده است.

اسکندر گؤرنده او آفت لری

خوشانا گلمه دی بو عادت لری

آغ بدنلر گؤردو گوموش وجودلو

اوردو بوتون سوسوز، اونلار سرین سو

اوردنون حالینا یاندی نه دشمک

هر قادین قادیبدر، اثرککده، اثرکک

برای جلوگیری از ایجاد فساد، اسکندر ریش سفیدان قبیچاق را دعوت کرده و با ملایمت به مصلحت اندیشی با آنان پرداخت که زنانشان خود را پوشیده دارند. لاکن ریش سفیدان به اسکندر حرمت نهادند ولی سخنان وی را در خصوص زنان نپذیرفتند. اسکندر بعد از مشاهده سر پیچی قبیله قبیچاق از گفته هایش و احترام خاص آنها به آیین و سنتهای خویش در پی راه چاره دیگری شده وی با مشاور خود حکیم بیلیناس در این خصوص مشورت نمود. بعد از مدتها تفکر، بیلیناس به این نتیجه رسید که مجسمه‌ای از سنگ گرانیت سیاه تراشیده و چادری از سنگ مرمر سفید بر روی سرش بترانند.

اسکندر تمام خواسته های بیلیناسن را به جا آورد و سنگهای مرمر، گرانیت و طلا و



نقره به وی تقدیم نمود و بیلیناسن نیز تمام مهارت خویش را بکار بست و در زمان اندکی یک مجسمه زیبا از زنی با چادری مرمر ساخت که زنان هنگامی که از مقابلش می گذشتند خجل شده و خود را می پوشانند و از روزی که مجسمه چادری بر پا شد، خود را پو شنیدن، در زنان قبیچاقی عادت شد؟ (اسکندر نامه) اگر افسانه نظامی را به زبان علمی ترجمه کنیم چنین نتیجه می توان گرفت: قبیچاقها بعد از قبول دین اسلام از سنت و آیین خویش دست نکشیدند و زنان مثل قبل بدون چادر و پوشش می زیستند. برای از بین بردن این آداب ضد اسلامی یکی از حکما و فقیهان مسلمان چاره را در چادری کردن بتان دیده و تمام هیكلهای سنگی زنان را پوشش دار نمودند و زنان قبیچاقی با دیدن الهه های خویش از آنان تقلید کردند.البته گفتنی است که اشاره شاعر به موجودیت بت و ستایش بت در بین قبیچاقها مأخذ عاظمه‌ای و زنده دارد. در این مأخذ بت قبیچاق معشوق ازلی و ابدی شاعر « آفاق» می باشد برای ثبوت این ادعا می توان به نظامی که تمام عمر خویش را در گنج سپری نموده است ولی اشعارش در مورد قبیله‌های ترک قبیچاق و آیین و سنتهای آنان است. اصل مطلبی که از اهمیت تاریخی برای ما برخوردار است. آزادیکی زنان در داستانهای نظامی است اشاره نمود.



Afghanistan

مخفی بدخشی و محجوبه هروی

■ امیر فولادی

اخيرا نهادی موسوم به آرمان شهر برنامه ای را برای گرامیداشت دو شاعر زن افغان محجوبه هروی و سیده مخفی بدخشی، برگزار کرد. جالب ترین قسمت این برنامه تیاتری بود که در آن چگونگی رابطه این دو شاعر تصویر شده بود.

تیاتر خیلی جالبی بود، کوتاه و بی حرکت، مثل زندگی زنان در افغانستان. راستی عجیب است وقتی زندگی و "بودن" مشهور ترین و پرآوازه ترین زن افغان را نیز به تصویر بکشی، چیزی که خود به خود از بین می رود "حرکت" است. و آنچه نا خواسته به میان می آید "سکون".

در این تیاتر دیانا ثاقب، فیلم ساز، در نقش محجوبه هروی و ویدا ساغری، دانشجوی دانشگاه کابل، در نقش مخفی بدخشی بازی کردند. هر دو نفر کنار هم نشستند و طوری که همدیگر را نمی توانستند ببینند. و صرفا نامه ها و شعرهایشان را برای همدیگر می خواندند.

گاهی هم پسران و دخترانی که دوردور این دو نفر نشسته بودند، در هیات شاعرانِ معاصر این دو، شعر آنها را "گویا" برای خود یا برای دیگران می خواندند.

همه این تیاتر ۲۲ دقیقه بود، و بعد از آن پژوهشگرانی که در مورد آثار وزندگانِ این دو شاعر تحقیق کرده و آثاری داشتند، سخنرانی کردند. آهنگی از دولتمند خال، هنرمند تاجیک، نیز گاه گاهی در سالن شنیده می شد.

امروز شاید قابل تصور نباشد که دوفقر سال ها باهم نامه نگاری کنند، برای همدیگر شعربسرایند، در فراق هم بسوزند بدون آنکه حتی یکبار همدیگر را دیده باشند.

اما سیده مخفی بدخشی و محجوبه هروی دو شاعر زن افغان سال ها چنین دوستی را تجربه کردند. این دو شاعر افغان تقریباً معاصر فروغ فرخزاد در ایران بوده اند. مخفی بدخشی درسال ۱۳۴۲ خورشیدی و محجوبه هروی سه سال بعد تر درگذشت.

این دو در این سال ها حتی حق داشتن عکسی ازخود را نداشته اند، که زن بوده اند و می بایست مخفی می زیستند و محجوب می بودند. این را محجوبه درنامه ای به مخفی یاد آور شده است:

" همشیره قدر دانم مخفی بدخشی! شما شرح حال مفصل مرا خواسته اید خواستم گوشه ای از زندگی خود را به طور مشروح بنویسم. مکتوبات زیادی به من از کابل، بلخ و فاریاب می رسد. یکی ازشاعران کابلی که شما اورامی شناسید (حبیب نوابی) او عکس مرا خواسته است من از این حسن نظر او که براین شاعر گوشه نشین دارد خوش شدم اما او ایجابات فامیلی و مشکلات زندگی مراخیرندارد که تاحال گوشه چادر مرا کسی دربیرون ندیده است. عکس من آیا ممکن است؟ چندین بار فضلالی هرات نزد من آمدند، حتی از پس پرده و در پرده با آنها همسخن شده نتوانستم آیا عکاس نزد من آمده می تواند؟ یامن نزد عکاس رفته می توانم؟ مگر عوض زبان گیسو و سرم بریده شود. همشیره شاعرم ! آیا در بدخشان هم همینطوروضع نا مساعد است؟ همینطور با زن معامله می شود؟ چقدر ناراحتم که چرا شاعر شده ام وباز چرا همسر یک مرد خود خواه و خود بین ومتعصب شده ام. یک روز به من گفت طوطی وبلبل و مینا درقفس خوب ناله ها را موزون می سازند، اگر تو هوایی وصحرایی و شهری می شدی شعر خوب گفته نمی توانستی... بازهم خوشم اگرزبان ندارم همین قلم مایه تسلی دل ناتوان من است. نامه ام را با تاثر به پایان می برم، محجوبه ناتوان".

از پاسخ مخفی بدخشی به این نامه محجوبه به نظر می رسد بدخشی وضعیت بهتری داشته است.

سیده مخفی بدخشی اجدادش از امرای محلی بدخشان بوده و بعد از تثبیت مرزهای جغرافیایی افغانستان کنونی توسط امیر عبدالرحمن، پدر وبرادرانش از بدخشان به قندهار تبعید شدند و مخفی تقریباً تا پسین سال های عمر دوران بدخشان درکابل وقندهار به سربرد.

مخفی در اواخر عمر به زادگاهش بدخشان بازگشت. نامه محجوبه به او که دربالا

قهرمانِ زن افغان

■ محمد بویا

اگر بخواهیم از حرکت هایی که خواهان احقاق حقوق زن در افغانستان هستند، تحت عنوان جنبش زنان در این کشور یاد کنیم، این جنبش هم سن استقلال افغانستان است. در این یکصد سال افغانستان شاهد "اولین" های بسیاری بوده است مثل "اولین" خواننده زن در رادیو، "اولین" حضور زن در تلویزیون، "اولین" داستان نویس یا رمان نویس زن اما اولین تیم ملی فوتبال زنان این کشورتتها دو سال پیش تشکیل شد

همین نکته نمایانگر آن است که زنان افغان برای حضور در عرصه ورزش تا چه حد دچار مشکل بوده و هستند. با این همه اما، سه سال بعد از سقوط نظام طالبان دو تن از ه ورزشکار افغان شرکت کننده در المپیک آتن زن بودند. یک دوند و یک جودوکار

در عین حال روی آوردن به ورزش در میان زنان افغان نیز روز به روز

آمده نشان می دهد که او در بدخشان بوده و نیز در شعری که در دیوان مخفی آمده از سفرظاهر شاه آخرین پادشاه افغانستان به بدخشان سپاسگزاری شده است.

اما این امیر زاده نیز با آن که به ظاهر زندگی مرفه ومجلی داشته از زن بودنش



رنج بسیار برده چنان که زادگاهش، بدخشان، را تنها شبانه آن هم از پشت برقع می توانسته بنگرد. در یکی از نامه های مخفی به محجوبه آمده است:

" خواهر ادبیه و آزاده مشربم محجوبه هراتی ! تا حال چند نامه تان را گرفته ام، اشعار موزون و سوزان تان را مکرر خوانده ام. از این که تاحال در قید اسارت بسر می بری خبر نداشتم. خوب شد که از حال واحوال پوره (کاملاً) خبر شدم. اگرچه در فیض آباد (مرکز استان بدخشان) عین شرایط است. زن ها که به دعوت می روند، روز حرکت نمی کنند، من خودم بارها که در منازل اقاربم به غرض فاتحه خوانی ویا عروسی و... می روم، شبانه با دو محافظ محرم خود شبانه منزل می زنم و شبانه عودت می کنم. لاکن به اندازه شما مقید نمی باشم. از زیر برقع شهر وبازار را دیده ام آن هم درشب، ... از نهضت نسوان یاد کردی، من هم این بشارت و اشارت را شنیده و به من هم رقعہ خبری رسیده است اما معذرت خواستم زیرا پای درد. از این که زنان از پرتو الطاف یک مرد ترقی خواه آزاد می شود نهایت خوشوقتم. اگر ما وشما به زندان مردان و عصر و زمانه گذرانیم جوانی را به پیری رساندیم گذشته گذشت.اکنون بعد از ۴۰ سال انتظار خواهران وبختران ما از نعمت آزادی برخوردار می شوند. حوصله گفتارم نیست امید وانتظار دارم که بعد از رفتن و آمدن به کابل خاطرات خود را به من بنویسی وبفرستی".

مخفی بدخشی تا آخر عمر با کسی ازدواج نکرد؛ اما می گویند دلدادہ پسرعموی خویش به نام سید مشرب بوده، در برخی از تذکره ها آمده است که سید مشرب نیز سرانجام از عشق ناکام مخفی در بستر حرمان جان داد. اما آوازه عشق این دو ناکام چون بوی مشک به هر سرای پیچیده بود.

اما محجوبه بدخشی، با فرزند یکی از خوانین جلال آباد (در شرق افغانستان) همسر شد ولی پدر محجوبه در پشتی جلد قرآن از همسر محجوبه تعهد گرفت که اورا تا آخر عمر از هرات بیرون نبرد. و چنین نیز شد. این قرآن در حال حاضر در موزه هرات محفوظ است.

از هر دو شاعر دیوان شعری به جا مانده است. و دو مدرسه عالی در افغانستان به نام این دو شاعر نام گذاری شده است. لیسه محجوبه هروی و لیسه مخفی بدخشی.

اما در سال های اخیر از این دو شاعر در محافل فرهنگی کمتر یاد شده است. از این رو تیاتری که از سوی "آرمانشهر" برگزار شده بود از سوی خیلی از فرهنگیان با استقبال گرمی مواجه شد.

نمونه هایی از شعرهای این دو:

وسعت پیدا کرده ، به گونه ای که هم اکنون در کابل پایتخت افغانستان و نیز ولایاتی نظیر بلخ، بدخشان و هرات ده ها تیم اختصاصی زنان افغان در رشته های مختلف ورزشی تشکیل شده است

این استقبال از ورزش البته از جهتی نیز به بازگشت شمار قابل توجهی از زنان و دختران مهاجر افغانی ارتباط دارد که در دیار مهاجرت به ورزش روی آورده اند. خصوصاً این که در چند سال اخیر تیمی از زنان مهاجر افغان ساکن ایران، به عنوان نمایندگان افغانستان در رقابت های آسیایی مانند رقابت های پوسان (کره جنوبی) و نیز دوحه در قطر شرکت کردند



از مخفی بدخشی:

ای چشم نیم مست ترا با شراب بحث دارد مه جمال تو با آفتاب بحث از باغ ها برون کندش بسته باغبان تاکرده با گل رویت گلاب بحث کج بحث عاقبت شود از گفتگو خجل سنبل! بزلف یار ترا نیست تاب بحث گردید زان دروغ سیه روی نزد خلق با طره تو داشت مگر مشک ناب بحث آن ها که گفتگو به سر این جهان کنند چون کودکان کنند برای حباب بحث هرگز به کام دل نرسیده است کس به دهر عاقل کجا کند به سر این سراب بحث زاهد میرس مذهب رندان باده خوار بنشین به کنج مدرسه کن با کتاب بحث مشنو تو پند واعظ بی مغز و کن سکوت مخفی، که کرد با سخن لاجواب بحث

محجوبه ومخفی در بسیاری موارد از شعرهای همدیگر استقبال کرده اند. از این رو محجوبه نیز شعری با همین قافیه و ردیف دارد:

ای کرده رخ خوب تو با شمس و قمر بحث وی کرده لب لعل تو با قند و شکر بحث چشمان تو از ساغر می باج گرفته ندانان تو کرده است به لولو و گهر بحث

یا غزل مشابه دیگری یکی از مخفی:

ننوشت به من نگار کاغذ بنوشتمش ار هزار کاغذ ای همدد خوش خبر توانی؟ از من ببری به یار کاغذ وانگاه بگوش ای ستمگر قحط است در آن دیار کاغذ؟ ...

چون یار نمی دهد جوابی مخفی، شده شرمسار کاغذ

و دیگری از محجوبه:

آمد بر من زیار کاغذ زان دلبر گل عذار کاغذ بنوشته بدان به من نگارین زانرو شده زرنگار کاغذ خواهم که جواب خط نویسم از من که برد به یار کاغذ؟ محجوبه، چو نیست وصل دیدار سودت ندهد هزار کاغذ.

در همین زمینه:

زنان شاعر سنت شکن

دلیل حنجره بستن چیست؟

و در رشته های مختلف ورزشی، عناوینی را نیز بدست آوردند همچنین شماری از ورزشکاران زن افغان که ساکن کشورهای نظیر آمریکا، آلمان، ایران و هند هستند در اقدامی مشترک خواهان گذراندن دوره های مربیگری شده اند تا با بازگشت به کشورشان به گسترش ورزش در میان زنان کمک کنند هم اکنون زنان افغان در تدارک شرکت در بازی های آسیایی ۲۰۰۸ پکن هستند. البته پیش از این که بتوان در شرایط کنونی از زنان افغان انتظار قهرمانی و مدارج عالی را داشت، نفس حضور آنها در میدان های ورزشی - به دلیل شرایط ویژه افغانستان - قابل توجه است در افغانستان هنوز هم علی رغم تلاش سخت زنان برای تغییر وضعیت جاری جامعه و نیز حمایت های بین المللی از این روند، همچنان دیدگاه های محافظه کارانه و سنتی در این زمینه مسلط است و زن ها "جنس دوم" به شمار می آیند فاطمه حمیدی قهرمان تکواندو و از زنان مهاجر افغان در ایران است که تاکنون در چندین مسابقه بین المللی شرکت کرده و موفقیت هائی نیز کسب کرده است. در گزارش مصوری که در این صفحه می ببینید او از خودش و از مشکلاتی که پیش روی زنان ورزشکار افغان است صحبت می کند

طراحی وب سایت و انواع طراحی گرافیکی به زبانهای پشتو و اردو
077 3311 3137 - 020 8453 7350



Tajikistan

کهنه و نو در موسیقی تاجیکی

جانی بیک مراد، از ستاره های موسیقی پاپ تاجیکستان، فرزند هنرمند بنام تاجیک جوهره بیک مراد است و از اوان طفولیت با دنیای ساز و آواز آشنا بوده است.

جانی بیک خوشحال است که برادران ارشدش پیش دستی نکردند و فرصت پیروی از شغل پدری را به او واگذاشتند.



جانی بیک مراد نخستین بار در شش سالگی روی صحنه رفت و آواز خواند. وی در بزم ها و محافل شادی پدرش را همراهی می کرد و رفته رفته به هنر آوازخوانی بیش از پیش علاقمند شد. اما گرایش او، بر خلاف پدرش، بیشتر به موسیقی مدرن بود و همین تمایل او را در سن شانزده سالگی به گروه هنری تازه تاسیس "بالا" کشاند.

جانی بیک می گوید: "مرا به این گروه دعوت کردند و ما، بچه های این گروه، برای پدید آوردن سبک تازه در موسیقی مدرن تاجیکی تلاش کردیم. مسلماً، موسیقی مدرن برای جامعه تاجیکستان پدیده تازه ای نبود و قبل از ما هم گروه های بسیاری به موسیقی غربی تمایل داشتند و موسیقی مدرن تاجیکی را تدریجاً شکل می دادند."

گروه "بالا" در تاجیکستان مطرح شد و چند آلبوم منتشر کرد. جانی بیک دعوت یک گروه هنری دیگر موسوم به "وزیر" را پذیرفت به آن ملحق شد. اما اکنون جانی بیک ترجیح می دهد کنسرت های خود را تنها بگذارد و آوازخوانی مستقل باشد.

جانی بیک پس از برگزاری یکی از نخستین کنسرت های مستقلش گفت: "من نخستین آلبوم را هم که تنها نام من روی آن نوشته شده، منتشر کردم." جانی بیک این آلبوم را حاصل زحمات زیاد و همخوانی و تک خوانی در اجرای حدود ۱۵۰ آهنگ می داند.

با گوش دادن به شماری از آهنگ های قدیمی و جدید جانی بیک، می توان سیر تکامل هنر آوازخوانی او را مشاهده کرد، چون آهنگ های او یکدست نیست و در واقع، بیانگر جستجو های جانی بیک برای پیدا کردن جایگاه و سبک و سلیقه خود است.

جانی بیک مراد در رسیدن خود به این جایگاه، نقش گروه های هنری "بالا" و "وزیر" را نادیده نمی گیرد، اما دیگران نقش جوهره بیک مراد، پدر او را در کارنامه هنری اش برجسته تر می دانند.

خود جانی بیک هم در این مورد شکی ندارد، اما می گوید، تقاضا و ذایقه هنری جامعه باعث شده که او در گستره موسیقی راهی دیگر را برگزیند که از راه پدرش متفاوت است.

موسیقی پاپ تاجیکی به طور فزاینده جایگاه موسیقی سنتی و مردمی را تنگ تر می کند و هنرمندان جوان به ناچار خود را سوار بر این موج نوین می یابند. جانی بیک می گوید که نمی خواهد پیرو غیرفعال موج نوین باشد و تلاش می کند با در هم آمیختن سبک هنری پدرش با رویه های تازه در موسیقی، شیوه خودویژه ای را پدید آورد.

متقاعد کرد که او از پس تهیه نمایشنامه ها هم بر خواهد آمد. بدین گونه فرخ قاسم نخستین نمایشنامه هایش را با نامهای "عشق من - الکتران" و "توده ریاکاران" تهیه و اجرا کرد. سال ها پس از آن همین تئاتر معروف تاجیکستان از فرخ قاسم خواست که لطفی کند و تهیه چند نمایشنامه لاهوتی را به دوش بگیرد.

با وجود این که محدودیت های موجود در تئاتر لاهوتی فرخ قاسم را تا اندازه ای سرخورده کرده بود، سال های آغازین کار وی در تئاتر لاهوتی سال های پرباری بود. وی نهایتاً به آرزوی خود رسیده بود و مشغول کاری بود که دوستش داشت. طی همان سال ها بود که وی با "صبحاح نبی یوا"، بازیگر تئاتر لاهوتی پیوند همسری بست که تا کنون محکم و استوار است.

فرخ قاسم در دانشگاه هم، هنر تئاتر تدریس می کرد. عده ای از فارغ التحصیلان این دانشگاه که از او شناخت خوبی حاصل کرده بودند، از وزارت فرهنگ تاجیکستان خواستند که فرخ قاسم را به عنوان کارگردان تئاتر به شهر قرغان تپه در جنوب تاجیکستان اعزام کند. وزارت فرهنگ این پیشنهاد را پذیرفت و سرانجام فرخ قاسم امکان یافت به عنوان یک کارگردان تمام عیار هنر خود را بسنجد.

سپس او به جمع هنرمندان تئاتر جوانان "محمودجان واحدف" پیوست و رهبری یکی از دو گروه این تئاتر را به دوش گرفت. نمایشنامه "خانه سوزان" که توسط گروه فرخ قاسم در این تئاتر روی صحنه رفت، با ندای "از خواب گران خیز" پایان می یافت که در دوران شوروی جنبه سیاسی کسب می کرد. همین گروه بود که سال ۱۹۹۰ با انشعاب از تئاتر "واحدف"، نخستین تئاتر غیردولتی و مردمی را پایه ریزی کرد.

طی همین سال ها بود که وزارت فرهنگ تاجیکستان با ارج گذاری به هنر فرخ قاسم به عنوان کارگردان تئاتر از او خواست که برای تئاتر لاهوتی نمایشنامه ای را در باره اسماعیل سامانی تهیه کند. وی همچنین به دعوت کشور های دیگر نمایشنامه "لیرشاه" را در تئاتر جوانان بیشکک قرغیزستان و "شیخ صنعان" را در شهر قرشی ازبکستان روی صحنه برد. در همان شهر قرشی ازبکستان در سال ۱۹۹۸ بود که دچار سکنه مغزی شد و توان راه رفتن و حرف زدن را تقریباً از دست داد.

بیماری هم اراده محکم فرخ قاسم را نشکست. وی که اکنون شصت و نه سال دارد، همچنان عصا به دست به تئاتر می رود و به تهیه نمایشنامه های تازه می کوشد. او در این روزها سرگرم نوشتن نمایشنامه "کلیله و دمنه" بر مبنای اثر رودکی است.

سال ها پیش محمدجان قاسمف نمایشنامه "مادر" گورکی را به فارسی تاجیکی برگردانده بود و اکنون پسر او می خواهد به مناسبت صدمین سالروز تولد پدرش این نمایشنامه را روی صحنه ببرد. به همین مناسبت در ماه دسامبر سال ۲۰۰۶ تئاتر اهارون به تئاتر "محمدجان قاسمف" تغییر نام کرد، اما تا کنون - بر خلاف سایر گروه های هنری تاجیکستان



- ساختمان خود را ندارد و اجاره نشین گوشه ای از ساختمان کانون نویسندگان تاجیکستان است.

سال ۲۰۰۴ بنیاد "پرنس کلائوس" هلند یکی از ده جایزه سالانه خود را به فرخ قاسم تقدیم کرد و سهم او را در هنر تئاتر و ادب تاجیکستان ستود.

(سنتی) تاجیکی" سال ۲۰۰۱ به زبانهای روسی و فارسی تاجیکی منتشر شد. وی به دریافت عنوان "هنرمند ممتاز تاجیکستان" مشرف شده است. فیروزه ایوبجانوا راجع به ویژگی های حرفه ای این نوع هنر و رواج آن در کشور چنین نظر دارد:

"رقص در گستره فرهنگ مردمی تاجیکها از دو شیوه شناخت برخوردار است. شیوه اول مربوط به ذوق و سلیقه انفرادی تک تک افراد جامعه است و این را می توان شیوه عامیانه نامید. در این راستا در مراسم و سورها هر نفری می تواند زیر صدای موسیقی به دلخواه خودش برقصد و هدف از آن تنها اظهار مسرت آنی فرد است یا نشان سپهیم بودن در شادی دوستان است. اما شیوه دوم، رقص حرفه ای است که ویژگی هایی دارد و شاید بتوان آن را نوع خاص شناخت رقص نامید. میان مردم تاجیک شناخت جنبه حرفه ای این نوع هنر به دوران دور تاریخی بر می گردد. وجود آثار فراوان تاریخی در هنر نقاشی و کتیبه ها ی مصور قرون وسطی از رواج رقص میان تاجیکهای آن دوران گواهی می دهد. از سوی دیگر، به نظر من، نگاه شایسته مردم تاجیک به این نوع هنر شاید به آن هم مربوط باشد که در قرون وسطی آن توانست جنبه عرفانی کسب کند و به عنوان سماع یا رقص صوفیانه به یکی از رکن های مهم در طریقت معنوی تبدیل شود.

امروز هم رقص در فرهنگ معاصر تاجیک از جایگاه ویژه ای برخوردار است. هرچند هنر رقصندگی میان اقوام دیگر خاورزمین نیز رواج دارد، اما رقص تاجیک با نزاکت و لطافت خاص خود متمایز است. شاید کسی که از اصالت این نوع هنر آگاه نیست، بر این نظر باشد که رقص چیزی بجز از دست افشانی های پریشان و جست و خیز نیست. ولی یک هنرمند می تواند رمز این حرکات و جلوه و جاذبه های شیوای رقص را دریابد، چون در تحرک دستهای رقصنده حالات و ویژگی

در جستجوی پیوند های گمشده

با گذشت هفده سال از زمان تاسیس گروه هنری اهارون در شهر دوشنبه، این گروه همچنان از سایر تئاتر های تاجیکستان متمایز است. تفاوت در نحوه کار، اجرای نمایشنامه ها، دید هنری و آثاری که روی صحنه می برد، همه مشهود و آشکار است. تئاتری که اکنون به افتخار صدمین سالروز تولد محمدجان قاسمف، "هنرمند شایسته اتحاد شوروی" به اسم او نام گذاری شده، ساخته و پرورده فرخ قاسم، فرزند آن هنرپیشه فقید است.

پیش از همه نام این گروه بود که اذهان کنجکاو را به خود مشغول می کرد و بحث هایی را پیرامون آن دامن می زد. نتیجه ای که از این بحث ها بر می آمد غالباً این بود که تئاتر جدید در جستجوی پیوند های گمشده تاجیک ها با گذشته شان است. به باور برخی از تاریخنگاران، "اهارون" نام باستانی محلی است که امروزه شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان را در بر می گیرد. اما به اعتقاد خود فرخ قاسم، این واژه باستانی (اهارون) به معنی "شهر یزدان" است.

اجرای هنرمندان تئاتر، غیرعادی تر از نام آن بود و به گونه ای نتیجه بحث ها در باره نام آن را ثابت می کرد. آمیزش غزلیات مولانا و حافظ و جامی با سماع درویشی داستانی را تعریف می کرد که دیدی فلسفی داشت و چرخش های درویشانه هنرمندان ذهن بینندگان پویا را به چرخش در می آورد.

"یوسف گمگشته باز آید به کنعان..." نخستین نمایشنامه تئاتر اهارون بود که در سال ۱۹۹۰ با آغاز جنبش های ملی و طرح پرسش هایی از هویت ملی تاجیکان مصادف شد و هزاران بیننده را به خود جلب کرد. تفسیر نموداری "بشنو از نی..." روی صحنه رفت و از "وصل دوباره با اصل خویش" حکایت کرد. رویکرد تازه فرخ قاسم به هنر تئاتر و آب و رنگ ملی تئاتر اهارون موضوع داغ محافل فرهنگی آن روزگار بود.

نمایشنامه "یوسف گمگشته..." برای فرخ قاسم در همان سال ۱۹۹۰ جایزه رودکی تاجیکستان را به ارمغان آورد. در پی آن، نمایشنامه های تازه ای مانند "سفندیار"، "شیخ صنعان"، "شاه فریدون" و "دجال" رویکرد جدید فرخ قاسم را بیش از پیش شکل داد و به توده ها معرفی کرد.

همه این نمایشنامه ها بیانگر شیفتگی فرخ قاسم نسبت به آثار بزرگان گذشته بود. وی تلاش می کرد با استفاده از آثار پیشین، حدیث کنونی تاجیکان را ترسیم کند. گسستگی از خودی و بیگانگی فزاینده با گذشته از دغغه های عمده فرخ قاسم در آثار هنری اش است.

راه فرخ قاسم به سوی تئاتر پر شیب و فراز بود. با این که هم پدر و هم مادر او از هنرپیشگان سرشناس تاجیکستان و حتا اتحاد شوروی بودند، برای فرزندشان زندگی آسوده تری را می خواستند و با تمایل او برای تحصیل در دانشگاه هنر های زیبا مخالفت کردند.

فرخ وارد رشته فیزیک دانشگاه دولتی تاجیکستان شد و برای یک سال با کامگاری در آنجا تحصیل کرد. اما شور و اشتیاق وی به تئاتر او را رها نمی کرد. در نتیجه بطور پنهانی وارد رشته بازیگری دانشگاه هنرهای زیبای دوشنبه شد و پدرش را در برابر امر انجام شده قرار داد. "محمدجان قاسمف" دیگر چاره ای نداشت جز این که به انتخاب پسرش تن در دهد. پس از ختم دانشگاه در سال ۱۹۶۹ فرخ قاسم کار را در تئاتر لاهوتی دوشنبه آغاز کرد و در نمایشنامه های متعددی نقش آفرید. از هنر او تقدیر می شد، اما خود فرخ احساس رضایت نمی کرد. وی تلاش می کرد در هنر تئاتر تاجیکستان نقش بارزتری داشته باشد و می پنداشت که تنها از راه تهیه نمایشنامه ها می توان به این هدف دست یافت. ولی فعالیت تئاتر لاهوتی - به مانند دیگر نهادهای شوروی پیشین - مبتنی بر اصل سختگیرانه ای بود که کسی را در زمینه ای بیرون از تخصصش به کار نمی گماشت.

با توجه به این که تخصص رسمی فرخ قاسم "بازیگری" بود، به او اجازه تهیه نمایشنامه ها داده نشد. اما هنر والای فرخ مدیریت تئاتر را

راز و رمز رقص تاجیکی

■ پروانه فیروز

فیروزه ایوبجانوا سال ۱۹۵۰ در شهر خجند به دنیا آمد. سال ۱۹۶۸ از آموزشگاه رقص شهر تاشکند در ازبکستان فارغ التحصیل شد. وی طی ۴۰ سال اخیر با رقص سر و کار داشته و دهها رقصنده جوان پرورده است. بانو ایوبجانوا مدتی در تئاتر اپرا و باله صدرالالدین عینی شهر دوشنبه کار کرد. ادامه فعالیت های او با موسسه های فرهنگی شهر خجند پیوند می خورد. از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۸ رقصنده تئاتر مرکزی شهری خجند بود، که نام کمال خجندی را دارد.

با گشایش تئاتر تماشابین نوجوان به عنوان مربی رقصندگان جوان کارش را ادامه داد. همزمان، در آموزشگاه هنر و موسیقی شهر خجند به تدریس دانشجویان پرداخت

در تربیت رقصندگان حرفه ای گروه های هنری "شبمن" و "مهستی" سهم بارزی داشتند. فیروزه ایوبجانوا هم اکنون رهبری گروه هنری "چمن آرا" را بعهده دارد. وی به عنوان بازیگر در ۲۰ نمایشنامه تئاتری هم نقش آفریده است. بیش از ۶۰ نفر شاگرد او امروز در کشورهای مختلف ویژگی های رقص تاجیکی را که از استاد خویش آموخته اند، ترویج می کنند. فیروزه ایوبجانوا حاصل تمرین و تلاشهای خود در این عرصه را در کتابی گرد آورده که با نام "رقص عنعنوی



زندگی زن بیان می شود. به همین دلیل دست در رقص تاجیکی عنصر اصلی بازتاب اصالت آن محسوب می شود، به مانند جایگاه انگشت ها در رقص سنتی هندی.

و اما رقص تاجیکی با یک نوع واحد محدود نمی شود، بلکه متنوعست به مانند رقص بدخشانی، ختلائی و مسچاهی و غیره که هر کدام ویژگی های خود را دارد.

طی چند سال است که رهبری گروه رقص چمن آرا را بعهده دارم. هدف اصلی ما در این گروه سهم گذاشتن در تحول فرهنگ معاصر تاجیکی است. شاید در تعیین جایگاه رقص در گستره فرهنگ امروز دیدگاه های مختلف وجود داشته باشد، اما جلوه های عناصر مهم زیبایی شناختی ملی در آن می تواند رقص را به مثابه یک رکن بسیار ارزشمند هنر تاجیک معرفی کند."



info@persianweekly.co.uk

John Curtis, Keeper of the Department of the Ancient Near East, The British Museum .

Achaemenid Soldier Fetched in London

After years struggle for retrieval of the Iranian Achaemenid bas-relief soldier, smuggled from Iran about 70 years ago, it has finally been acquired by an anonymous buyer at Christies auction house in London for 580,000 pounds (about \$1.2 million) on October 25.

The Achaemenid bas-relief had previously been withdrawn from Christie's sale in April 2005 after Iran filed a lawsuit against the auction house in a London court claiming ownership of this invaluable historic relic. To prove Iran's ownership, a documentary film and pictures of the excavations carried out in Persepolis and a complete report of the archeology team working there were submitted to the court.

In a court session hold in London in January 2007 attended by authorities and experts of Iran's Cultural Heritage and Tourism Organization (ICHTO), the British Court refused to rule in favor of Iran for the retrieval of the Achaemenid bas-relief and referred the case to the Appeal Court for further investigation.

However, the Appeal Court also rejected Iran's claim last February, arguing that the item had previously been sold twice during sales in New York without any objection on the part of Iranian officials.

However, what is the most important in this regard is that decades of neglect in redeeming the Achaemenid soldier and return it back to its homeland has resulted in losing an invaluable piece of Persian cultural heritage which belongs to Iranian nation. Now the question is that who will be responsible in front of next generations?

Earlier to this, deputy head of the legal department of ICHTO had announced that the best alternative for Iran to put an end to the controversy of the Achaemenid bas-relief would be to start direct negotiations with its French owner to take it back to its home country. Negotiating with authorities of British government and UNESCO were the other approaches suggested by Omid Ghanami. It was also suggested to Iran that it should purchase the Achaemenid bas-relief, apparently the suggestion was rejected by Iranian authorities because they believed that purchasing the bas-relief by Iran would legitimize the illegal action of smuggling historical artifacts. However with wasting time and taking no serious action in this regard, Iran has lost a part of its cultural heritage.

Iran says UNESCO has not supported the country to return its stolen Achaemenid bas-relief. ICHTO has accused UNESCO for failing to fulfill its duty in this regard. ICHTO has already warned that Iran will file a lawsuit against any owner of the antique who takes it out of England.

The relief was unearthed during archeological excavations in 1933 and was sold in 1974 in an auction in New York. The then government of Iran did not take any legal action to stop the piece from being auctioned off and so the bas-relief was sold to Denyse Berend, a French collection owner who kept the piece for 30 years in her private collection in France.

The limestone relief is said to have come from the stairways of a palace built by Xerxes I (486-465 BC) in Persepolis world heritage site located in southern Iranian province of Fars.

According to Christie's auction house, the relief was bought by an anonymous client who intends to loan and eventually denote this historic artifact to a European institution in gratitude for the work done by such an institution in promoting Iranian history, art and culture.

It is a real pity to witness the sale of a nation cultural heritage; this is while international conventions have banned stealing or illegally transferring items of a country's cultural heritage to other nations.

Despite what has happened to Achaemenid bas-relief, public opinions in all over the world are completely aware of the real identity of the Achaemenid soldier and the fact that it is an inseparable part of Iran's ancient history and cultural heritage. Whatever happens and wherever it goes from Achaemenid seat in Fars to London and New York, all Persepolis artifacts are part of the national cultural heritage of Iran.

Although the ignorance toward the bas-relief of the Achaemenid soldier and its sale have seriously insulted the national emotions of millions of Iranian people, the Iranian government has promised to take an action in this regard and redeem the Achaemenid soldier and return it back to its home country. Let's hope for that day.



SPORT

Iran wins Asian junior men's weightlifting title

Mohammad Zarei and Kia Qadami swooped six golds to help Iran celebrate the Asian junior men's weightlifting title in advance in the Jordanian capital Amman Tuesday.



In the 77kg class, Zarei scooped up three golds as he lifted 130kg and 160kg in snatch and clean and jerk attempts.

The Kyrgyz lifter Taj Bayer finished runner-up with a total 257kg mark and Saeed Amin from Iraq took the bronze with a 254kg record.

Iran snatched three more gold medals in the 85kg category through Qadami who hoisted 137kg and 157kg.

The silver went to an Indian representative with a 286kg record and Taiwan's lifter bagged bronze with a 253kg mark.

Iran had already won two golds, one silver, and two bronzes.

Majid Askari representing the country in the 50kg category hoisted 91kg and 107kg in his snatch and clean and jerk attempts, grabbing two golds and one silver with a total 198kg record and improving the continent's mark by two kilograms.

Silver and bronze medals went to Vietnamese and Jordanian lifters who registered 197kg (92kg, 105kg) and 169kg (74kg, 95kg) marks respectively.

In the 56kg class, Jaber Behruzi from Iran bagged bronze medals in snatch and total contests as he locked 101kg and 118kg above his head.

The Kazakh participant took the gold medal with 109kg and 131kg marks and Vietnam's weightlifter won the silver with 101kg and 126kg records

Iran qualifies for Asian women's football tourney

Iran will make debut at Asian women's football tournament in the Malaysian capital Kuala Lumpur as it edged past India 5-4 on aggregate, said an Iranian daily Sunday.

India that won the first leg 3-1 was stunned here, conceding a 4-1 loss, said the English-language daily 'Tehran Times'.

Kuala Lumpur will host the Asian Nations Cup in March 2008.

Eintracht Frankfurt's Mahdavia returns to practice

Eintracht Frankfurt defender Mehdi Mahdavia recovered from his upper thigh injury, resuming team practice ahead of Wednesday's second stage German Elimination Cup match at Bundesliga rivals Borussia Dortmund, press reports said Monday.



Frankfurt head coach Friedhelm Funkel stressed any decision to nominate Mahdavia for the Dortmund game, depended on the Iranian skipper's performance in training.

Mahdavia was sidelined with a torn muscle fibre since October 18.

The former Hamburger SV player has yet to fulfill Frankfurt's high expectations when they signed him to a three-year contract last summer.

The ex-Piruzi striker began the first seven Bundesliga matches in Frankfurt's starting formation but was later on benched by trainer Funkel as a result of his woeful play.

Frankfurt is currently placed 9th with 16 points out of 11 Bundesliga games.



info@persianweekly.co.uk



Christie's Auctions Persian Carpets

Three fine handwoven Persian carpets fetched for \$450,000 at The Christie's Fine Art Auction House in South Kensington, London.

A piece of rug, woven by Isfahani artists in the 17th century, was the most eye-catching item in the auction, selling for 72,500 pounds.

Two other rugs belonging to the 1880s, went under the hammer at the same price. They were woven in Kerman and Heris, East Azarbaijan.

Auctioneers expressed satisfaction over the keen public interest in the artworks, particularly traditional and decorative carpets.



Films on Molana Screened

Films nominated for the cinema section of the ceremony to commemorate the eighth birth centenary of Molana Jalaleddin Rumi, a well-known Iranian poet, have been announced.

According to Bonniefilm.com, the films which are to be screened in Cinema Museum from Saturday to Thursday include 'Searcher' by

Mohammad Motvasse-lani, 'Masnavi Manavi', by the late Ali Hatami, 'From Shams to Shams' by Orod Atapour and 'Ax' by Ahmad Arabani. Other films to be featured at the event include 'Parrot and Grocer' and 'Mountain of Jewelry' by Abdollah Alimorad, 'Beginning, Escape, Broken Image' by Masoud Jafari Jozani, 'Love Dance' by Behzad Khodaveisi, 'Play of Wind' by Ali Reza Ghani, 'When All Are Asleep' by Fereydoun Hassanpour.

These film, which will remain on screen until November 1, focus on some aspects of the life and works of Molana.

'800 Years with Molana', which will end on November 2, includes special programs of films, music, plays, lectures and exhibitions.



'M for Mother' Shines in Italy

A film by the late filmmaker Rasoul Mollaolipour 'M for Mother' received the award for the best feature film in the tenth edition of Religion Today Film Festival, which concluded on October 21 in Trento, Italy.

According to MNA, twelve other Iranian films also participated in the event, including 'God is close' by Ali Vazirian and 'Jesus' by Nader Talebzadeh.

Religion Today Award went to 'The Sun Shines on All Equally' directed by Abbas Rafei.

Iranian filmmaker Mojtaba Raei was a member of the panel of jury of the festival, while Polish director Krzysztof Zanussi, a jury member in 2005, took part in the award ceremony.

Also present were many of the participants in the workshop on cinema and religion organized by the Festival to mark its tenth anniversary.

'M for Mother' offers the audience an in-depth understanding of the consequences of (1980-88 Iraqi-imposed war), particularly the use of chemical weapons.



Ehsaei Painting a Top-Seller

Sotheby's inaugural sale of modern and contemporary Iranian and Arab art in London raked in a total \$3.14 million on Wednesday.

The auction house offered 86 lots and all but 10 found buyers. Among the highest selling works were by Iranian artist Mohammad Ehsaei's 'Oo Bakhshandeh Ast' (He is Bakshandeh), a gorgeous painting with interlocking red script against a black ground, which sold for \$217,218; Iranian sculptor Parviz Tanavoli's 'Heech' (nothing), a sculpture of three linked letters in polished bronze, which sold for \$177,910.

With two principal salesrooms in New York and London, Sotheby's operates in 35 countries and earlier this year followed the lead of its archrival Christie's by establishing an as yet-undefined presence in UAE, reported Daily Star.

In terms of final tallies, the Sotheby's sale in London may be more modest than those held by Christie's in Dubai, but it provides further evidence of the existence of a robust market for Middle Eastern art. This, in turn, is bound to create interesting waves in the region when it comes to contemporary cultural production at large.

The sale began with an untitled photographic work by Iranian cineaste Abbas Kiarostami, whose standing in the art world was bolstered earlier this year by a double-barreled exhibition entitled 'Image-Maker' at New York's Museum of Modern Art and PS1 Contemporary Art Center.

Conceived in 1978 but executed in 2006, according to the catalogue text, the piece features stark black trees set against a white ground and was taken on the coast of the Caspian Sea. Estimated between \$16,200 and \$24,300, it sold for \$55,000.



Iranian Christian Art Exhibition Planned

An exhibition of paintings by Iranian Christian artists will be organized by the Arts Academy late in the Iranian year to March 2008.

Announcing this, secretary of the event Sohrab Hadi told CHN that until now no opportunity has arisen to review works by the country's Christian community and the exhibit will create conditions for that.

He further said that the academy will buy a number of works from the exhibit. Noted Christian painters are living in Iran but their works have not been studied yet and the academy wants to provide a chance for reviewing their works, he said.

The artists participating in the event include Marco Grigorian, Hanibal Alkhas, Sirak Melkounian as well as other Christian artists.

"We want to get in touch with the Christian and Assyrian artists as well as relevant artistic and cultural centers operating in Iran," he said, adding that the media and Christian private collection owners can help organize a valuable exhibition featuring works by Christian artists.

"We have displayed a number of the works which were presented in an event on artworks from the 1960s and 1970s," he said, adding that talks are also underway to bring together the works of other great artists such as maestro Ayvazian, who is a member of British Royal Art Academy.



'Philosophy of Art'



The book 'Philosophy of Art: A Contemporary Introduction' written by Noel Carroll and translated by Saleh Tabatabaei was unveiled in a ceremony in Saba Cultural-Artistic Institute on Tuesday.

Director of Arts Academy's Publishing House, Ali Reza Esmaeili said while speaking in the ceremony that the book deals with analytical approaches, analytical philosophy of art, formalism and neo-formalism and sheds light on different theories on art.

The book, which includes five chapters, an introduction and a glossary, was published in 2,000 copies, he said, adding that the chapters include 'Art and Representation', 'Art and Expression', 'Art and Form', 'Art and Aesthetic Experience Contents' and

'Art, Definition and Identification'.

Addressing the same gathering, Tabatabaei also said that the book is a very well-known in the world and is taught as a textbook in US universities. "I studied the book in 2002 but unfortunately, I could not translate it then due to workload," he said, adding that the book whose translation took two and half a month has been written very accurately. "I did my best in the translation of the book and thoroughly checked the idioms," he said, noting that of course, the others should evaluate the work.

Ali Ramin, a translator and author said that the book has been translated precisely and fluently.

Another writer and translator, Hassan Bolkhari also appreciated the translation and said that the book is more interesting for students of philosophy than those of art because of its philosophical and local nature.



info@persianweekly.co.uk



Persian Weekly Newspaper

We are a group of interested individuals who would like to educate the Iranian community about life in the UK in order to help them integrate into their new country of residence through culture, art, entertainment, articles and personal stories and also the purpose of our weekly newspaper is to promote the fascination of Iranian culture by exposing the audience to rich traditions in Persian celebrations, literature, cinema, art, poetry, music, and cooking. In addition, we want to provide a common website for more than 3 million Iranian professionals outside Iran. Persian weekly is a non-political, non-religious newspaper that encourages anyone who is interested in Persian culture to contribute with the Persian Weekly Newspaper. You can also contribute through your article, opinion, photographs and any other ideas you might have.

Editor-in-Chief: A.Najafi

Advertising & Finance Director: J. Totoonchi

Designers: Alireza Ryahi, Abbas

Web/It Manager: Behzad Rahigh

Writers: Dr Ara, Mrs Garon, Mrs Taraneh, Mr M.Gholizadeh, Armia, Ash Groups, Afsaneh Jangjou,

Website: www.persianweekly.co.uk

Email: info@persianweekly.co.uk

Printed By: Web Print

Special Thanks to:

NUJ National Union Journalist,
Mr Radman, Magic of Persia, Mr Sadr

Lord Business Centre
2 Floor Unit 20
665 North Circular Road
London NW2 7AX
Tel: 020 8453 7350
Fax: 020 8453 7351

DON'T FORGET

Help to keep public area clean and tidy for everyone by taking your copy of Persian Weekly Newspaper with you, when you leave.

Aminpour Breathes His Last

contemporary Iranian poet Qeisar Aminpour succumbed to a series of illnesses late Monday in Tehran.

He reportedly died of a heart disease but was suffering from numerous ailments since he had a car accident in 1999, IRNA reported.

Born in 1959 in Gotvand near the southern city of Dezful, Aminpour obtained his high school diploma from his hometown. After dabbling in painting for a few years, he turned to poetry. His love for poetry made him study Persian literature at Tehran University.

In 1998, he defended his doctoral dissertation on traditions and innovations in contemporary poetry under the guidance of the towering literary figure Mohammad Reza Shafiei-Kadkani.

His last book on poetry titled 'Grammar of Love' hit the bookstores this summer.

The literary works of Aminpour, who also taught at Tehran University, include 'In the Alley of Sun', 'Like Spring, Like Stream' and 'Flying Without Wings'.

Iranian Students Win RoboCup

Iranian students ranked first in China 2007 World RoboCup held in Jinan City, the capital of northern Chinese province of Shandong.

About 130 teams from all over the world, including Germany, Brazil, Mexico, China and Hong Kong, competed in the event held in student and university student sections, IRNA reported.

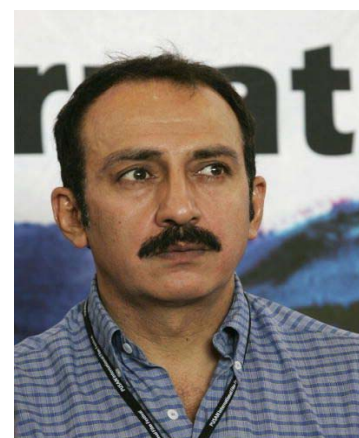
Thirty-two teams competed in the student section, of whom two teams from Tehran's Shahid Fahmideh High School ranked first and second in the simulated robotic section.

Iranian university students also ranked second in the 'Football Player Robots'.

One team each from Isfahan's Khourasgan Islamic Azad University and Islamic Azad University-Qazvin Branch took part in the event.



'Hafez' Grabs Rome Award



The film 'Hafez' directed by Abolfazl Jalili won special jury award at the recently concluded second International Rome Film Festival.

Jalili told Fars news agency, the award will be presented to Japanese producer of the film at the closing ceremony of the event.

Last week, the film was screened in the competition section of the festival and the director responded to questions by reporters in a press conference.

The film is the story of a young man who has memorized the Qur'an.

He teaches the daughter of a Mufti and falls in love with her.

He further said that the film was shown in Tokyo Festival and will also be screened in Japanese cinemas within two months.

Commenting on the response of the Japanese audience to the film, Jalili also said that the film was welcomed warmly. "Their knowledge about Hafez, the great Iranian poet, astonished me," he said.

The festival ended on Sunday.

Tokyo International Film Festival, which is one of the festivals of Federacion Internacional de Asociaciones de Profesores Espanol (FIAPE), was launched in 1985.

Musicians Commemorate Molana in London

Noted traditional musicians Mohammad Reza Lotfi and Mohammad Qavi-Helm gave an impromptu performance yesterday at London's Queen Elizabeth Hall to mark the eighth birth centenary of renowned Iranian poet and mystic Molana Jalaaluddin Rumi.

According to ISNA, the event was sponsored by Iran Heritage Foundation in London and Nava artistic group.

Maestro Lotfi, specializing in the traditional Iranian string instrument 'Tar', was accompanied by Qavi-Helm on 'Tonbak' (Persian goblet drum) and 'Daf' (a tambourine-like instrument).

Lotfi, who earlier performed in Tehran after a 30-year gap, also recited poems by Molana at the event.

Robert Blay, an American researcher on Molana, said at the gathering that his poems appeal to all age groups, particularly poems translated by Coleman Barks. Though, he describes Lotfi as 'an interpreter, who presents a delightful rendering of Molana poems'.

Lotfi, who is about 60 years old, has been managing a musical institute 'Navaye Sheida' since his return to the country.



Plans to Publish Avicenna's Works



Iran's Association of Philosophy and Theosophy plans to publish all the works by the great Iranian scientist Avicenna in a comprehensive collection with the aim of safeguarding Iranian philosophical works.

Announcing this, head of the entity, Gholamreza Avani told CHN that the plan to compile the works is already in progress.

The project, the first of its type, is part of the program to mark the millennium of the birth of the great personality from the third and fourth centuries AH.

Stating that the plan was approved by the entity five years ago, he further said that lack of sufficient funds caused the delay in implementing the plan. "We endeavored to complete the project concurrent with Avicenna's birth millennium but we failed to do so because of financial problems," he said.

According to Avani, manuscripts of his books are now being identified and compiled across the world.

Avicenna has written more than 150 volumes of books and it is time consuming to prepare these books for publication, he said, citing his 14-volume book 'Healing', the translation and comparative studies on which will require a long time.

Abu Ali Al-Hossein Ibn Abdullah Ibn Sina was born in Balkh in 370 AH and died in Hamedan in 428 AH.

He was a Persian Muslim polymath: an astronomer, chemist, logician and mathematician, physicist and scientist, poet, statesman, theologian, and foremost physician and philosopher of his time.

His most famous works are 'Healing' and 'Canon of Medicine', which was a standard medical text in many Islamic and European universities up until the 18th century. He is regarded as the father of modern medicine, particularly for his introduction of systematic experimentation and quantification into the study of physiology, his discovery of the contagious nature of infectious diseases.



مواد غذایی ماهان

مدیریت مواد غذایی ماهان از تمامی مصرف کنندگان، توزیع کنندگان و دوستان محترم که در وقفه بوجود آمده با صبر و همدردی به یاری ما پرداختند تشکر کرده و فرصت را مقتنم می شمارد تا با معرفی محصولات صدف که بزرگترین تولید کننده و توزیع کننده مواد غذایی ایرانی در آمریکای شمالی میباشد با جهشی بزرگ حتی بهتر از گذشته، برگشت به ظرفیت کامل را به اطلاع برساند.



Tel: 02089630012

Fax: 02089630090

190 Acton Lane, London NW10 7NH

www.mahanfoods.com

KIAN MOTORS

تعمیر گاه کیان موتور



متخصصین ما آماده پاسخگویی به مشکلات اتومبیل شما می باشند
سرویس کامل خودروی شما جهت MOT

Services offered:

- o Oil Change
- o Engine Analysis and Repair
- o Tune-Up Services
- o Brakes
- o Cooling Systems
- o Electrical Repairs
- o Fuel Injection Systems
- o Air Conditioning Systems
- o Oil and Lubrication Services
- o All Types Of Maintenance And Repair

020 8452 9100



74 Hassop Road, Cricklewood, London NW2 6RX

079 8082 3895 - 087 0890 7579

www.kianmotors.co.uk - info@kianmotors.co.uk

طراحی وب سایت و انواع طراحی گرافیکی به زبانهای پشتو و اردو
020 8453 7350 - 077 3311 3137